



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدایی خلق ایران

مرگ برای ما پریم
و سنگهای زنجیریش

بها: ۵۰ ریال

اردیبهشت و خرداد ۶۸ - ۴۰ صفحه

سال چهارم - شماره ۲۶

جمهوری اسلامی در تلاش برای اصلاح قانون اساسی خود

قانون در پیشبرد امور حکومتی بوجود آورده است اما در نمودن این هیئات متشکل از ۲۵ تن از مهره‌های ست‌اندزکار رژیم که نام "شورای بازنگری به قانون اساسی" روی آن نهاده شد وظیفه یافت در طی ۲ ماه به‌ساله فوق رسیدگی نماید. خمینی اهمیت این موضوع را برای نظام در صفحه ۷

سرانجام پس از نامه‌نگاریهای نمایندگان مجلس و همچنین شورای عالی قضائی رژیم به خمینی بمطابقت رژیم با دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر ایران در باب ضرورت اصلاح قانون اساسی، روز ۴ اردیبهشت ماه خمینی طی حکمی فرمان تشکیل هیاتی جهت تجدید نظر در قانون اساسی و رفع معضلاتی که نقائص این



پیام

چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت روز جهانی کارگر

کارگران مبارزان!
در آستانه صد و سومین سالگرد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، گرمترین دروودهای انقلابی چریکهای فدائی خلق را بپذیرید. اول ماه مه روز همبستگی و اتحاد مبارزات اساسی کارگران سراسر جهان است. روزی است که ارتش جهانی پرولتاریا با گرامیداشت آن به انواع مختلف در پهنه گیتی یکبار دیگر روحیه رزمندگی و سازش‌ناپذیری طبقاتی خویش را در بیکار خونینش بر علیه اربابان غارتگر و سرکوبگر جهانی یعنی سرمایه‌داران زالوصفت به‌نمایش میگذارد. و بالاخره روزی است که کارگران سراسر جهان یکبار دیگر خاطره قهرمانی‌ها و در صفحه ۲

باز هم شکنجه و اعدام انقلابیون در بند

در صفحه ۴۰

در این شماره

- * شعر ۱۷
- * نکته‌ها و گفته‌ها ۲۰
- * اخبار و گزارشهای خبری ۲۹
- * شهدای اردیبهشت و خرداد ماه ۳۹
- * چریکهای فدائی خلق ایران ۳۹
- * روز شمار اردیبهشت و خرداد ماه ۳۹

مار کسیم و انقلاب:

(.... درباره روشنفکر)

در صفحه ۱۸

بیانیه

چریکهای فدائی خلق ایران

درباره مرگ خمینی مزدور

در صفحه ۱۲

گزیده‌هایی از راه‌یو صدای چریکها

- ⊕ درباره مرگ خمینی مزدور
 - ⊕ تبلیغات عوام‌فریبانه رژیم درباره طرفداری خمینی معدوم از کارگران
 - ⊕ علل اعتیاد از نظر جمهوری اسلامی ضد خلقی
- در صفحه ۲۲

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

پیام جریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت روز جهانی کارگر

از صفحه ۱

در چنین اوضاعی بود که اتحادیه سراسری کارگران که به همت عناصر آگاه کارگران آمریکا، سالهای قبل تشکیل شده بود، در سال ۱۸۸۴ تقسیم گرفت که در سال بعد در ماه مه یک اعتصاب سراسری تدارک دیده و خواسته های کارگران را مطرح سازند و سرانجام در اول ماه مه صد ها هزار کارگر معترضی به جان آمده جهت شرکت در این تظاهرات عظیم و پرشکوه آماده شدند.

اما از سوی دیگر سرمایه داران خونخوار و غارتگر با تمام قوا خود را برای مقابله و سرکوب جنبش کارگران بجان آمده حاضر کرده بودند. صوف نظر از پلیس و سایر دستجات سرکوبگر و رسمی مدافع دولت سرمایه داران، دسته های اوباش و سایر ششلول بندهای غیر رسمی غارتگران آماده شده بودند که بدون کوچکترین تاملی حرکت کارگران را به خاک و خون بکشند. سرمایه داران در هیأت جنبش کارگران شیخ سرخ کمونیسم را می دیدند که برای آنان هیولائی بود که میبایست گلویشان را گرفته و نابودشان سازد، از اینرو، زمینه های مادی و معنوی قتل عام و قلع و قمع حرکت مبارزاتی پرشکوه اول ماه مه از مدت ها پیش، توسط دستگاه های تبلیغاتی، جراید و ... ریخته شده بود، حتی چوبه های دار از قبل آماده گشته بود. طغیان کارگران باعث چنان وحشت و هراسی در بین سرمایه داران و دولت و دم و دستگاه های حامی آنان گردیده بود که در این روز مجبور شدند کذب تمامی ادماهای آزادیخواهی خویش را آشکار ساخته و ماهیت دمکراسی بورژوازی را یکبار دیگر به نمایش بگذارند.

سرانجام در اول ماه مه که اعتصاب عمومی کارگران مطابق فراخوان اتحادیه همه جا را فراگرفته بود و ۴۰۰ هزار کارگر بجان آمده برای درخواست های عادلانه شان مبنی بر ۸ ساعت کار روزانه، افزایش حداقل دستمزد ثابت، منع کار اجباری زنان، کودکان و غیره به خیابان آمدند سرمایه داران پیست و سرکوبگر با توطئه قبلی غائله را آغاز کردند به سوی جمعیت بی دفاع آتش گشودند، بجان آنها افتادند و کارگران را به خاک و خون کشیدند. بسیاری از آنان را دستگیر و روانه زندان نمودند و سرانجام نیز در اوج وقاحت و بیشرمی رهبران تسلیم ناپذیر و دلاور کارگران را که نیرمانند از اقدام عادلانه و انقلابی خود و طبقه شان دفاع کرده بودند در بیدادگاه های خویش به مرگ محکوم کرده و سرعاب داز و خند، بدین ترتیب حرکت اول ماه مه را قتل و نابودی سرمایه داران سرکوب شد و کارگران به خاک و خون کشیده شدند. اما این "پایان"، آغاز و سرفصل یک جنبش بر پایه بین المللی

دلاوریهای رهبران خرد در چهار چوب مبارزه های عادلانه و خونین بر علیه سرمایه داری و از جمله خواست ۸ ساعت کار روزانه طی جنبش کارگری اول ماه مه ۱۸۸۶ در شیکاگو آمریکا جان باختند را پاس می دارند. بنا بر این روز اول ماه مه آن طور که سرمایه داران و ایادی رنگارنگ کارگذار آنها سعی می کنند جلوه دهند برای کارگران صرفاً یک عید و یسار روز تعطیل و تفریح نیست، اول ماه مه یک سمبل مبارزاتی است، تجلی تاریخی خشم بنیان برافکن و پیکار خونین پرولتاریا بر علیه دشمنان طبقاتی اش یعنی سرمایه داران و دولت ها و دم و دستگاه های سرکوبگر انسان است. پیام تداوم پیکاری است که نخستین جوانه های آن بیش از یک قرن پیش در سرودهای کارگران خشمگین به جان آمده از مظلوم سرمایه داران در خیابانهای شیکاگو آمریکا سراسر و وحشیگری و قساوت سرمایه داران سرکوبگر به خون نشست و سپس در بایمردی و ایستادگی کارگران در بیدادگاه های سرمایه داران و چوبه های دار آنها جاودانه شد.

پس برای هر کارگر آگاه و مبارز لازم است که مقدمتاً درک کند اول ماه مه تجلی تاریخی جنبش طبقه اوست. در همین حال برای تمامی کارگران آگاه و مبارز نیز لازم است که پرشمازی از چگونگی نهضت اسلاف قهرمان خود در نزدیک به یک قرن پیش و جوانب آن آگاهی داشته باشند.

جنبش اول ماه مه در شرایطی دو آمریکانضج گرفت که طبقه کارگر آمریکا از دولت سر سرمایه داران غارتگر از نیکبختی بیارترین شرایط کار و زیست برخوردار بود. سرمایه داران استثمارگر هیچگونه محدودیتی برای ساعات کار کارگران قائل نبودند و در شرایطی که ساعات کار روزانه کارگران حتی به ۱۸ ساعت هم میرسید به انحاء گوناگون از پرداخت حداقل دستمزد به آنان خودداری می کردند. سرمایه داران کمترین مسئولیتی را در مقابل حیات کارگرانی که برایشان جان می کردند تقبل نمی نمودند. زنان و کودکان نیز به وحشیانه ترین شکلی استثمار می شدند، بدون آنکه مزد برابر با مردان دریافت کنند. سرمایه داران را لوصفت از هیچ فرومایگی و رذالت دیگری در حق کارگران خودداری نمی کردند. آنها به اشکال مختلف در بین کارگران تفرقه و چند دستگی ایجاد می نمودند. باحیله های متفاوت از اتحاد و یکپارچگی آنها مانعست به عمل می آوردند، حق کمترین مخالفت و اعتراض به کارگران داده نمی شد. و ضمناً در همه حال دسته های اوباش و ایادی سرکوبگر آنان حاضر بودند تا هرگونه ندای اعتراض به این وضع را در گلو کارگران خفه سازند اما هیچیک از این تمهیدات نمی توانست برای اید جلوی خشم و طغیان فزاینده کارگران را از وضع موجود بگیرد.

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

که در مدت سه ماه سیستم تولید را در این کارخانه فلج نمود و باعث تیرش سه هزار پلیس و درگیری کارگران تهران با آنان گشت، و با نمونه مبارزات کارگران رزمیده پروکسه فقط در یک مورد در طی ماه سال گذشته همبستگی مبارزاتی و آزاده بولادین ۶۰۰ هزار کارگر خدماتی را در مبارزه بر علیه استعمارکنندگان و غارتگران خویش به نمایش گذاشت و آنها نمونه مشابه دیگر کشورهای انگلیس، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، هائیتی، ترکیه و... همگی بیاتگر مواجبه جهان امپریالیستی یا موج عظیم مبارزات کارگری است که کلیه امپریالیست ها را در سراسر جهان سخت می فشارد و بیاتگر وزن و نقش دائم المتزايد خیزش های کارگری و حضور فزاینده این طبقه دوران ساز در جنبش ها و انقلابی است که میزید تا منتهای پیگری با همه نفع مجرمان و ستم دیدگان به صفوف در آورند. از سوی دیگر گرایش شتابناک پرولتاریا به سطح بین المللی بجهت تئوری طبقه کارگر، سلاح علمی ای که طبقه کارگر در سراسر جهان تنها با مسلح شدن به آن، قادر به مقابله و پیشبرد پیکار پیروزمندانه خویش بر علیه امپریالیستها و تمامی دشمنان ریز و درشت خود می باشد، امپریالیست ها را درخوف و وحشت ابدی فرو برده است. طبقه کارگرتنها طبقه انقلابی است که با تجهیز خود به ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم شالوده های جامعه نوینی را بی ریزی می کند که عاری از هرگونه ستم و استیصال و جمل و نادانی است.

شبه کارگر گورکن جهان سرمایه داری است. هم از این روست که رشد جنبش های کارگری و اثبات حقانیت بیش از پیش مارکسیسم-لنینیسم در سطح جهان و بالنتیجه روی آوری دائم المتزايد کارگران و زحمتکشان و روشن فکران انقلابی به سوی آن، گامی برگزیده در مقابل دشمنان طبقه کارگر قرار داده است و شمع سوخ کمونیسم امروز نه فقط در اروپا بلکه در همه گسترده همگیتی درگشت و گذار است. پیرویه نیست آنچه تبلیغاتی که امروز امپریالیست ها بر علیه کمونیسم و نیروهای انقلابی طبقه کارگر بر راه انداخته اند و با چنگ زدن به هر دست آویزی می کوشند به کذب و ریا، جهان سرمایه داری را جبهه دمکراسی و کمونیسم را برابر با دیکتاتوری جلوه دهند.

و پیرویه نیست که امپریالیست ها امروز برای مقابله با جنبش های ضد امپریالیستی خلق های ستم دیده در سراسر جهان به مذهب پناه برده و آنرا در مقابل کمونیسم قرار می دهند برای مینا تقویت گرایش مذهبی در بین حکومت های دست نشانده در اقصی نقاط جهان و یا ظهور حکومت های مذهبی و وابسته به امپریالیسم که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نمونه بارز آن است به هیچ وجه اموری تضاد و انتقادی نمی باشد. از همین رو طبقه کارگر در سراسر جهان و طبقه کارگر ایران در میهن تحت سلطه ما که با یک حکومت مذهبی دست نشانده امپریالیسم روبروست باید با نصب المین قرار دادن این حقیقت و ارتقاء آگاهی

بود. حرکت دلورانه اول ماهه کارگران بهاخته آمریکا برای کل طبقه کارگر به نقطه عطفی در ارتقاء آگاهی انسان تبدیل شد تا راز وحدت و همبستگی طبقه خود و دانشمند و دون مفتی دشمنان طبقاتی اش یعنی سرمایه داران را از چپه تنگ تر دریاسد و به مبارزات عادلانه خود دامنه هر چه بیستتری ببخشد. جنبش همه جانبه ای که به حمایت از کارگران آمریکا و اول ماهه بتدریج در سایر کشورها نظیر فرانسه، آلمان، ایتالیا و... با گرفت سرانجام سرمایه داران را محبور گرد که درخواست ۸ ساعت کار روزانه را بپذیرند. به این ترتیب به همت والای کارگران تهران آمریکا و تداوم جنبش آنها، طبقه کارگر آمریکا و بسیاری از کشورهای سرمایه داری دیگر قادر شدند با قبولانده قانون ۸ ساعت کار روزانه به سرمایه داران یکی از مهمترین سنگهای نبرد طبقاتی حاد و طولانی بر علیه دشمن و اخذ کارگران یعنی سرمایه داران غارتگر را فتح کنند. از آنروز به بعد بنایه تصویب نمایندگان کارگران، روز اول ماه به عنوان روز وحدت و همبستگی مبارزاتی کارگران سراسر دنیا مرفنظر از ملیت و نژاد و رنگ پوست تثبیت شد. بدین ترتیب جنبش اول ماه به پرجم خونینی تبدیل گشت که تداوم آن در طول یک قرن گردانهای بسیاری از ارتش واحد جهانی طبقه کارگر را زیر سایه و آرمانهای سوخ خویش متشکل نموده است.

امروز بیش از یک قرن از جنبش اول ماهه و مبارزات کارگران تهران آمریکا برای قانونی کردن ۸ ساعت کار روزانه میگذرد، اگر فتح این سنگر، در مبارزه بی آمان طبقه کارگر بر علیه سرمایه داران و در یک قرن پیش، به این طبقه تا به آخر انقلابی و دوران ساز امکان داد تا قدرت آزاده واحد و تردید ناپذیر خویش را در مقابل دشمنانش بنمایش بگذارد، از آن تاریخ به بعد در طول سالها و طی سلسله پیکارهای خویش، طبقه کارگر سنگرهای مهم دیگری از جبهه ضد خلقی سرمایه داری جهانی را فتح نمود و قدرت بنیان برافکن خویش در مقابل دشمنان قسم خورده طبقاتی یعنی سرمایه داران و تمامی ایادیشان را بارها بنمایش گذارده است.

اکنون نیز در گرداب بحران مرکباری که نظام پیوسیده بورژوازی امپریالیستی را در اقصی نقاط جهان فراگرفته است، نقش و حضور طبقه کارگر در کوربان و در نوک پیکان مبارزه بی آمان بر علیه این نظام استعمارگر در همه جا با برحیثی هر چه تمامتر خود را نشان میدهد.

حتی رجوع به اخبار سانور شده موبد عمق و فراوانی روزمره نقش این طبقه تا به آخر انقلابی در تمام مبارزاتیست که به صورت مختلف و درجات متفاوت بر علیه نظام امپریالیستی صورت میگیرد.

نمونه مبارزات کارگران در کره جنوبی بعنوان یکی از کانونهای بحران انقلابی، از جمله اعتبار ۶۰۰۰ کارگر مترو به خاطر افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار که طی آن کارگران برخی از نقاط مترو راه اشغال خود در آوردند، اعتبار کارگران بزرگترین کارخانه کشتی سازی این کشور

استثمارشونده سنگینی میکند. در اثر این بحران امپریالیستی چرخ بسیاری از کارخانجات و منابع وابسته از حرکت باز ایستاده و رکودی شدید چرخهای زنگزده صنایع و تولیدات نظام را فرا گرفته است. اولین بازتابهای چنین بحران خانمانسوزی بر زندگی و حیات کارگران، اخراج و از کار بیگار شدن تدریجی هزاران تن از آنان بوده است. بطوریکه آمار خود سرمداران رژیم، کارگران بیگار را رقمی نزدیک به ۵ میلیون نفر برآورد میکنند. مرنظر از این رقم قابل توجه ارتش ذخیره کار، زندگی و وضع معیشت میلیونها کارگر شاغل نیز که به قول سران جنایتکار رژیم، زیر "خط فقر" بسر میبرند بهتر از بیگاران نیست و در شرایطی که کمبود و گرانی بحداد میکند و کمبود توده های تحت تسلط و در رأس آنها کارگران را شکسته است. مزدوران حاکم با وقاحت تمام پایه دستمزد کارگران را در سال جاری ۴۳۰ ریال تعیین کرده اند. رقم ناچیزی که در شرایط کمبود و گرانی بیش از حد آرزای عمومی حتی کفاف تهیه یک کیلو سیب زمینی یا پیاز و یا یک بسته سیگار را نیز نمیدهد.

از سوی دیگر در سالهای قبل بن های کدائی ای بسا کارگران تعلق میگرفت که ماهها بدون استفاده همچنان در دست کارگران میماند. با این وجود جمهوری اسلامی بسا وقاحت تمام طی سال گذشته بسیاری از این بن ها را نیز قطع نمود. کارگران ما فاقد یک قانون کار حتی بسا حداقل موازین دمکراتیک هستند و در حالیکه رژیم چه بسا دلیل حدت تضادهای درونی طبقه حاکمه و چه بدلیل فاکتور بسیار مهم مبارزات طبقه کارگر، پس از گذشت سالها هنوز موفق به تدوین "قانون کار" نگشته است. به اقتضای زمان هر قانون ارتجاعی را جهت به بند کشیدن کارگران بکار گرفته و آنان را متحمل شرایط زندگی بسیار فلاکتبار و دشواری نموده است. در محیطهای طاقت فرسای کارگران، کارگران از هیچگونه امنیت و آسایشی برخوردار نیستند. کوچکترین شکل واقعی کارگران موجودیت ندارد. هر آنچه که هست انجمنها و شوراهای اسلامی ای میباشد که اساساً بعنوان نهادهای سرکوب و اشکیزاسیون بر طبقه کارگران تشکیل شده و کمترین نشانی از حضور نمایندگان واقعی کارگران در آنها نیست. در این میان از مرداد مساه سال گذشته و با قطع جنگ امپریالیستی که رژیم مزدور جمهوری اسلامی علل بسیاری از نابسامانها را با وجود آن توجیه مینمود نیز نه تنها نشانه ای از تخفیف بحران و انعکاسات آن بر زندگی کارگران پدیدار نشده بلکه بسا تشدید بحران، رکود و کمبود و گرانی و غیره، هر چه بیشتر جنگال خونالود خود را در زندگی و معیشت ناچیز کارگران فرو برده اند. به جزات میتوان گفت که در شرایط بحران خانمانسوز گریبان گیر رژیم، اگر توده های ستمدیده و صاحبان دستمزدهای ثابت بیشترین نفروسیگست را متحمل میشوند، کارگران محروم و رنجدهای درازن و بزرگترین قربانیان محتوم این وضع نکبت بار هستند.

انقلابی خویش نسبت به شکردهائی که دشمنان برای انحراف مبارزات وی جهت به شکست کشاندن آن مبارزات بدان مسا توسل میجوید ناپدید اینک توهمی در مورد مواضع مذهبی سرمداران جیره خوار رژیم به خود راه دهد و بسا خود را توده این توهم ایلها که اغلب امروز روشنفکران کوتاه بین مبلغ آن هستند بنماید، که گویا سرچشمه اعمال و مناسبات ارتجاعی و جنایتکارانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی نه وابستگی این رژیم به امپریالیسم، نه ضرورت تعیین منافع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته در شرایط بحران شدید دامنگیر سیستم جهانی امپریالیستی، بلکه مذهب و گوئی اسلام خواهی این رژیم میباشد. بیام نوک تیز حمله خویش را متوجه امپریالیستها و نوکرانشان و سیستم سرمایه داری وابسته در ایران بنمایید. این حقبتی است که کارگران مبارزان ما باید باز آگاهی به این آموزش مارکسیسم-لنینیسم که "مادامیکه الفیبراد فراتگیرند که در پس هر یک از جملات اظهارات و وعده وعیدهای اخلاقی، دینی، سیاسی و اجتماعی منافس طبقات مختلف را جستجو کنند، در میثابت همواره قربانی سفیهانه فریب خود فریبی خواهند بود" به آن توجه داشته و از این نظر امکان فریب زحمتگشان توسط امپریالیستها را از وی سلب کنند.

طبقه کارگر در میهن تحت سلطه ناچیزی گشت ناپذیر و گردائی از ارتش پرولتاریای جهانی است که مالهاست زیر حاکمیت یکی از دیکتاتورهای لحام گسیخته امپریالیستی به حیات سراسر رنج و مشقت خویش ادامه میدهند.

در شرایطی که سرمایه داران غارتگر جهانی و انعامات بین المللی سالهای مدیدی است که میهن تحت سلطه مسا را صحنه تاخت و تاز و غارت وحشیانه خویش قرار داده اند، به جرات میتوان گفت که کارگران محروم ما همواره آماج اصلی هجوم این سلطه اهریمنی و استثمار وحشیانه ناسی از آن بوده اند. در همین حال به خاطر ساختار اجتماعی-اقتصادی وابسته به امپریالیسم در جامعه و همچنین وجود دیکتاتوری مغان گسیخته ای که ذاتی چنین ساختار و نظامی است، طبقات ستمکش و بویژه این طبقه محروم و رنجیده حتی از ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای پیش پا افتاده ای که هم زنجیرانشان بطور مثال در کشورهای متروپل از آن برخوردارند نیز محرومند. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بعنوان مظهر سنگین و بارز سلطه امپریالیستی با برقراری اختناق و سرکوب بیسابقه در تمامی مرصه های حیات کارگران و زحمتگشان، همه شرایط لازم و زمینه های مساعد را برای امپریالیستها و سرمایه داران وابسته جهت غارت و استثمار هر چه شدیدتر این طبقه فراهم نموده است. امروز در شرایطی که نظام سرمایه داری وابسته و رژیم حافظ آن یعنی جمهوری اسلامی را بحران عمیق مرگباری فرا گرفته است، تجلیات خانمانسوز این بحران بیش از همه پردهش کارگران و توده های

شرایطی تشبیه ناچیزترین حقوق عادلانه اقتصادی و منصفی برای طبقه کارگر در ایران منوط به درهم شکستن سلطه امپریالیستی و دیکتاتوری حافظ آنتست .

این واقعیات نشان میدهند که کارگران آگاه و مبارز ما در عین حال که باید هرجه فعالانه‌تر در مبارزه برای بهبود شرایط کار بمنظور رفع تبعیضات و حشیان سرمایه‌داران وابسته در تمام عرصه‌های ریز و درشت این مبارزه شرکت کنند و در همه حال بکوشند سطح آن را ارتقاء دهند در همان حال باید نیک توجه داشته باشند که بدون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نابودی سلطه امپریالیستی هیچیک از خواسته‌های عادلانه اقتصادی - سیاسی آنها بعنوان یک جریق شناخته شده تضمین نخواهد شد . و هرگونه پیروزی احتمالی در پیرویه پیشرفت مبارزات کارگران معزوم ، اگر هم کسب شود مادام که شالوده‌های اساسی این نظام پوسیده از پیمان برکنده نشده است و در شرایط بقای دیکتاتوری امپریالیستی در هر صورت ، مشروط و موقت و گذرا خواهد بود . بعنوان مثال کارگران ما هیچگاه در شرایط حاکمیت رژیمهای وابسته به امپریالیسم نظیر رژیم مزدور شاه و یا جمهوری اسلامی و در چارچوب این نظام ، دارای حتی حداقلهای یک قانون کاردمکراتیک نخواهند شد .

این حقایق همچنین نشان میدهند که کارگران ، اگرچه به هیچ رو نباید به مبارزات روزمره طبقه کارگر در محیطهای کارگری و کارخانه‌ها کم بها دهند ، اما باید چشم‌انداز صحیحی از چگونگی و برانجام حرکتهای کارگری داشته و جهت حرکت و تمام هم جوشی را برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی و تأبیدی سلطه امپریالیسم در ایران قرار دهند . ولی حکومتی را که کارگران باید بدست خویش و با کمک سایر طبقات و اقشار مستکبرانه خلق برپا دارند ، جمهوری دمکراتیک خلق می‌باشد . جمهوری ای که استقرار آن تنها با رهبری طبقه کارگر ممکن است . بواقع باید گفت تنها آلترناتیوانقلابی و حقیقی جانشین این نظام و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ، جمهوری دمکراتیکی است که طبقه کارگر دوشادوش سایر خوده‌های بی‌باخته خلق و در رأس آنها ، برای نیل به سوسیالیسم پایه ریزی می‌کنند . هیچ آلترناتیوی بدون اینکه رهبری پرولتری در آن تضمین گردد ، حتی اگر با نیت بی‌ظاهر مدافانه و "عالی ترین" بندهای برنامه‌ای ، تزیین شده باشند ، آلترناتیو حقیقی و انقلابی نبوده و راه به جایی نخواهد برد و در بهترین حالت پیرامون مدتی ، تنها شکلی از حاکمیت نظام و تسدوم مناسبات فارتگرانه فعلی را با شکل دیگری ، تعویق خواهد کرد . اما برای طبقه کارگر درهم شکستن مناسبات امپریالیستی و فارتگرانه کنونی محول به جمهوری دمکراتیک نوین و پایه‌ریزی این حاکمیت انقلابی میسر نیست ، مگر اینکه وسیع‌ترین توده‌های استثمار شده و زحمتکش از دهقانان گرفته تا سایر اقشار تحت ستم را حول پرچم خود متشکل و سازماندهی کند .

از سوی دیگر واقعیات و تجربیات مبارزات

از سوی دیگر بموازات همه این فلاکتها ، سرزمینهای دستگاه عربی و طویل سرکوب این دیکتاتوری امپریالیستی همواره آماده‌اند تا ریشه‌های کمترین مقاومت و اعتراض برعلیه این نظم ارتجاعی را از هم بکنند . چه بسوی اسلامی در طول حیات سنگین خویش نشان داده که حتی عمیقترین مخالفت عادلانه کارگران برعلیه این وضع فلاکتنا را ندارد . این رژیم ضد خلقی بارهای بار کارگران را به وحشیانه‌ترین شکلی به گلوله بسته است . عناصر فاسد کارگری را شناختی و دستگیر نموده و به جوخه‌های اعدام سپرده است ، بر کوچکترین اعتراضی در محیطهای کارگری مهر "کمونیست" و ضد انقلاب زده و محترفین را گروه گروه زیر تیغ اخراج و تلفیه قرار داده است

اما با اینحال آتش مبارزات کارگران ستمدیده ما برعلیه این وضع نکبت بار هیچگاه خاموش نشده است . کارگران نهرمان در طول این سالها با مقاومت در برابر تبعیضات گوناگون کارفرمایان ، قانون ارتجاعی کسارو با اعتصابات و اعتراضات پراکنده گوناگون و غیره نشان داده‌اند که چگونه می‌توانند کیسه منته را برای سرمایه‌داران وابسته و اربابان امپریالیستان به راحتی خالی نخواهند گذاشت تا آنها با آسودگی به چپاول و فارت خویش ادامه دهند . همین اواخر و با اعتصاب کارگران نفت پالایشگاههای رژیم در آبادان ، اهلیان ، شیراز و تهران بود که خمینی مزدور به صحنه آمد و زیونان به آنها هشدار داد که باید کار بکنند . و باز بدنبال همین حرکات نهرمانانه کارگران نفت بود که آقسازاده مزدور مجبور شد همین چند روز پیش شتابزده و وقیحانه اخبار هرگونه اعتصاب و اعتراض و کم کاری کارگران را در شرکت نفت تکذیب کند .

این حقایق نشان میدهد که با وجود سرکوب سیستماتیک و دهشتناک و با وجود تمامی تلاشهای مذبحخانه سسران مزدور جمهوری اسلامی برای خاموش ساختن مبارزات طبقه کارگر ایران ، کارگران ما در سالهای اخیر بموازات آنکه رشد یافته جنبش انقلابی توده‌های تحت ستم ، در صحنه مبارزه برعلیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی حرکات برجسته و حضور شایان توجه و فعالی داشته‌اند .

اما در آستانه صدومین سالگرد اول ماه مسه روز جهانی کارگر از مجموعه این حقایق مبارزاتی درمییمن ما چه نتایجی برای کارگران مبارز ما مستفاد میشود؟ مهمترین نکته‌ای که از حاکمیت سلطه امپریالیستی و دیکتاتوری ناشی از آن برای کارگران آگاه ما استنتاج میشود عبارت از این مسئله است که همانطور که تمسار و عذبه خود کارگران در این سالها نشان داده است تحت شرایط دیکتاتوری امپریالیستی مبارزه برای کمترین و جزئی ترین خواسته‌های اقتصادی و منصفی طبقه کارگر همچون سایر طبقات مستکبر سرمایه حاکمیت سیاسی بخود میگیرد و صاحبان این درخواستها را بطور بلاواسطه با دستگاههای سرکوب سرمایه‌داران وابسته مواجه میسازد . همچنین تحت چنین

اینجا رهوس برخی از مسائل مهم مبارزاتی است که از سوی کمونیست های انقلابی باید برای کارگران قهرمان ما شکافته و توضیح داده شود. با توجه به این حقایق، طبقه کارگر قهرمان ما زمانی می تواند یک جنبش اول ماهه واقعی برگزار کند که واقیتهای مبارزاتی فوق را در حرکت "همیشه به پیش" خود متحقق ساخته باشد. و زمانی که پرولتاریای پیروزمند در اس توده های ستمگسش و به باخاسته بگورسپاردن سلطه امپریالیستی و برقمسراسری جمهوری دمکراتیک خلق، شانوده های یک نظام عادلانه و انقلابی را پایه ریزی کرده باشند.

در آستانه صدومین سالگرد اول ماهه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی کارگر، ضمن بزرگداشت خاطره قهرمانیهایی کارگران انقلابی آمریکا یکبار دیگر این روز خجسته را به شما کارگران مبارز و قهرمان میهنمان تبریک گفتیم و موفقیتهای هرچه بیشتری را برای شما در مبارزات دوانسازان آرزو مندیم.

با ایمان به پیروزی راهمان
جریکهای فدائی خلق ایران
اردیبهشت ۶۸

خلقها نشان میدهد که به خاطر ساختار اقتصادی-سیاسی جامعه ما که وابسته به امپریالیستهاست و دیکتاتوری سیاه ناشی از آن و به خاطر مجموعه دلایل دیگر، قطع سلطه امپریالیستی برای حصول به جمهوری دمکراتیک تنها طسی جنگی توده ای و طولانی و با درهم شکستن ارتش امپریالیستی و ماشین دولتی امکان پذیر است. از آنجا که طبقه کارگر تنها طبقه پیگیر و نابه آخر انقلابیست و از آنجا که به جز طبقه کارگر هیچیک از طبقات و اقشار تحت ستم دیگر به خودی خود قادر و مایل به درهم شکستن ماشین دولتی و از این طریق قطع و محو سلطه امپریالیستی نیستند. به همین جهت این حقیقتی مبارزاتی و انکار ناپذیر است که در شرایط کنونی جنگ توده ای طولانی خواست و موضع پرولتاریای آگاه و انقلابیست و سایر اشکال مبارزه در پرتو این شکل اصلی مبارزه است که موثر افتاده و ادامه کاری می یابند. تجاوز مبارزاتی و شناخت علمی از قانون بندبهای حاکم بر جامعه ایران نشان میدهد که قطع سلطه امپریالیسم در میهن دربند ما برای پایه ریزی جمهوری دمکراتیک خلق به هیچ رو با اشکالی نظیر قیام شهری و اعتصاب عمومی و سایر "راه حل های" پیشنهادی اپورتونیستها امکان پذیر نیست.



اول ماهه (۱۱ اردیبهشت) روز جهانی
وحدت و همبستگی کارگران سراسر جهان، بر
کارگران آگاه و مبارز ایران گرامی باد!

اول ماهه روز جهانی کارگر تجسمی از عزم و پیگیری طبقه کارگر در مبارزه بر علیه دشمنان طبقاتی خویش است. با آرزوی مبارزات پر شور و یک پا رجه کارگران علیه سرمایه داران خونخوار است. روزی است که کارگران در سباده اتحاد و همبستگی و مبارزه ای قاطع در سراسر جهان ۸ ساعت کار در روز را به جهان سرمایه داری قبولانند. **اول ماهه** تجسم قدرت کارگران در مقابل سرمایه داران است.

تا بودیا دنظا مها نخوا سرمایه داری در جهان
تا بودیا دسیستم سرمایه داری وابسته در ایران
زنده و پیروز با درزم کارگران در سراسر جهان

با ایمان به پیروزی راهمان
جریکهای فدائی خلق ایران
۱۱ / اردیبهشت ۶۸



کارگران سراسر جهان متحد شوید!

گرامی باد خاطره شکوهمند
اول ماهه، روز جهانی کارگر!

تجربه اول ماهه نشان میدهد که طبقه کارگر همواره بر علیه هرگونه ظلم و استیلا مبارزه می کند و به پیش می تازد. نشان میدهد که مبارزه کارگران بر علیه سرمایه داران و برای نابودی نظام سرمایه داری مبارزه ای سخت و طولانی است. نشان میدهد که طبقه کارگر برای دستیابی به فردای روشن باید از مسیر بگذرد که از غمخواران و لاداکارترین، پر شورترین و آگاه ترین رفقای ارگانون می شود. پس، فردای روشن، دنیای زیبای ماری از ظلم و استیلا رگمونیزم پیشا روی کارگران ماست. پیشا روی طبقه کارگر ما که در اتحاد با دیگر طبقات و اقشار خلق جنگی خونین، توده ای و طولانی را به پیش برده و با رهبری خویش پیروزی انقلاب دمکراتیک و عدا امپریالیستی ایران را تضمین و برقراری سوسیالیسم را در جامعه ما شوبد می دهد.

با ایمان به پیروزی راهمان
جریکهای فدائی خلق ایران
۱۱ / اردیبهشت ۶۸

جمهوری اسلامی در تلاش برای اصلاح قانون اساسی خود

از صفحه ۱

بحران زده جمهوری اسلامی با این عنوان که رفع نقایص قانون اساسی ضرورت اجتناب ناپذیر (*) یافته و "چه بسا تاخیر در آن موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب گردد" (***) یا تأویر شده و پس از آن مزدوران ریز و درشت جمهوری اسلامی هر يك ضمن ایراد سخنانی هابی اندر باب ضرورت ایجاد تغییراتی در قانون اساسی و برشمردن ایراداتی که بر آن قانون وارد می‌باشند و مشکلات ناشی از آن ایرادات خواستار اصلاح این قانون گشتند. پرواضح است که جوهر اساسی و محتوای اصلی قانون اساسی جمهوری اسلامی که جز بیان حقوقی چگونگی تأمین منافع بورژوازی وابسته با ذکر قیود و بندهای لازم و مکاتیب مهمای عمومی اعمال دیکتاتوری امپریالیستی نمی‌باشد کاملاً مورد تأکید و تأکید این سگان زنجیری امپریالیسم قرار نداشته است. امری که اینان از آن بعنوان "نقاط قوت" بسیار خوب و جاودانه (***) قانون اساسی نام می‌برند.

مروری به بعضی از گفتارها و اظهارنظرهایی که در این رابطه از سوی نستاندرکاران رژیم ابراز شده است موضوع راه چه عینی تر مطرح ساخته و "نقائص" قانون اساسی را در موارد مشخص از دید آنان نشان می‌دهد.

خامنه‌ای در نمايش نماز جمعه ۲۱/۲ جوهر مساله تغییر قانون اساسی را ایجاد تمرکز هرچه بیشتر در دستگاههای حکومتی خوانده و با اشاره به جریان کار رژیم شورای بازنگری قانون اساسی "به روشنی توضیح می‌دهد" مساله تمرکز قوه قضائیه تا حدود زیادی حل شده، یعنی همه این رو قبول کردن که مشکلات قوه قضائیه بسیارش مربوط می‌شود به شورائی بودن مدیریت قوه قضائیه، یعنی در رأس این قوه بسا این عظمت يك شورای ۵ نفره از ۵ مجتهد

* - از نامه خمینی به خامنه‌ای ۶۸/۲/۴

** - از نامه خمینی به خامنه‌ای ۶۸/۲/۴

*** - از نامه خمینی به خامنه‌ای ۶۸/۲/۴

و عادل و ۵ آدم خوب و اهل صلاح، اما بالاخره ۵ اراده، ۵ رای، ۵ نظره، دونفری همیشه باقیی پارچه‌ای رو بریده باید هر دو حلقه قیچی به انگشتهای يك نفر بیفته تا بتونه اونو بیره. اگر يك انگشت از این، يك انگشت از او نبود گاهی می‌بیره، گاهی هم نمی‌بیره شامدهم بیشتر اوقات نمی‌بیره. حال اگر ۵ انگشت باشه ديگه بیشتره ۵ نفر يك قیچی را بگیرند و بخوان ببرند خوب نمی‌شه" و سپس تأکید می‌کند که باید "قوه قضائیه سپرده شود به يك نفر مجتهد، عادل و مدبره، وارد به مسایل قضا و قاطع که بتواند کارشو انجام بده" خامنه‌ای در رابطه با ضرورت تمرکز در قوه مجریه نیز می‌گوید "همه پذیرفتند که در قوه مجریه دو مدیریتی راه به جایی نمی‌بیره. آن دو مدیریتی ست، يك رئیس جمهوری داریم بایک اختیاراتی يك نخست وزیر داریم بایک اختیاراتی با دو اراده هرچی هم باهم همفکر باشن، نزدیک باشن، مهربون باشن، به همدیگر معتقد باشن باز بالاخره ۲ اراده است" در اینسن رابطه موسوی نخست وزیر نیز در توضیح مشکلات ناشی از قانون اساسی کنونی به شکل آشکارتری و بالحن صریحتری از خامنه‌ای عنوان می‌کند "مایسک نارسانی در زمینه تکلیفات قانون اساسی داریم. به عنوان مثال آلان بین وظایف ریاست جمهوری و نخست وزیر دائمی مشکلاتی بوجود می‌آید که گاهی جلسو پیشرفت کارها را می‌گیرد و حتی گاهی باعث ایجاد بحران می‌شود" و "يك نکته دیگر هم هست که قوه مجریه در داخل کارهای اجرائی خود دچار نارسانی است، ما موردی داشتیم که مجلس بعضا اعتقاد داشت که شورای عالی صنایع ایجاد شوه البته قانون آن هم تصویب شد که طبق آن در مرحله اول نخست وزیر قرار داشت ولی بعدا با این اصل برخورد شد و این مساله حذف گردید و ناچار این قانون را الحاق دانیم ولی بنجسال است، این قانون معطل است" روزی نامه کیهان

نیز اندر ضرورت تجدید نظر در قانون اساسی و حذف مراکز اضافی و ایجاد تمرکز هرچه بیشتر با عنوان نمونه‌هایی از مشکلاتی که با وجود قانون اساسی قدیمی بوجود آمده است می‌نویسد: "در دهه گذشته از زمان اولین رئیس جمهوری شاهد بودیم که چگونه انتخاب وزیران با دشواری و رکود همراه بود و کشوری که در متن بحرانهای جهانی به سر می‌برد و جنگ همه جانبه‌ای پراو تحمیل شده بوده سال نخست جنگ را بدون وزیر خارجه و وزیر اقتصاد و وزیر بازرگانی سپری کرد و ... امروز نیز برغم همه هماهنگیها و همراهیها وزارت بازرگانی با سرپرستی اداره میشود" و ادامه می‌دهد: "علاوه بر انتخاب وزرا که در دهه گذشته همراه با اختلال نظر و بالاخره حکمیت همراه بوده زمینه‌های دیگری مثل سیاست و روابط خارجی، مسائل دفاعی و ... می‌توان برشمرد که فایسته توجه و تجدید نظر است ...". همانطور که ملاحظه می‌شود هر يك از گردانندگان و سرمداران رژیم بسا برشمردن تناقضات و لنگی‌هایی که در اداره امور با آن نست به گریبان بوده اند (۱) حذف مراکز متعدد قدرت را توصیه نموده خواستار اصلاح قانون اساسی در جهتی شده اند که امکان عملکرد هرچه یکپارچه تر برای پیشبرد مقاصد ضد خلقی رژیم را به آنها بدهد. بدون شك چنین گرایشی قیل از هر چیز ناشی از نیاز سیستم بورژوازی وابسته به تمرکز هرچه بیشتر بوده و ضرورت پیشبرد و رتق و فتق امورات مربوط به این نظام را بصورت کاملاً متمرکز و یکپارچه بیان مینمایند. ولی آنچه که در این میان لازم بسا پاسخگونی است توضیح چرایی طرح این مساله در حال حاضر و تشخیص و تعیین آن زمینه‌های



۱- شکی نیست که موارد یاد شده تنها مدتمل بر گوشه کوچکی از تناقضات و لنگی‌های کار رژیم در اداره امورات خویش می‌باشد.

عینی است که پرداختن به امرفوق را برای دست اندرکاران رژیم به ضرورت اجتناب ناپذیر تبدیل کرده است. در عین حال نمایانند و توضیح نتایج حاصله و بازتابهای عملی تغییر قانون اساسی مورد بحث در زندگی توده های تحت ستم و مبارزات آنان موضوعی است که در این رابطه باید در مرکز ثقل توجه ما قرار بگیرد. در برخورد به مسائل فوق قبیل از هر چیز باید دید که قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی در چه شرایطی و تحت چه الزاماتی تدوین شد و در پیرویه ده ساله گذشته و در جریان عمل در پاسخگویی به نیازهای سیستمی ده اساسا جهت پیشبرد هر چه بهتر امورات آن بوجود آمده بوده با چه اشکالاتی مواجه گردید. شکی نیست که رژیم جمهوری اسلامی بمثابه رژیم جدیدی که به جای رژیم سلطنتی براریکه قدرت نشست با توجه به تعینات ظاهری کاملاً متفاوت خود بسا رژیم پیشین - علیرغم اینکه همچون رژیم شاه رژیمی وابسته به امپریالیسم بوده و ماهیتا فرقی با آن نداشت - نیازمند تدوین قانون اساسی جدیدی بوده. بسا اینحال خطاست اگر مبارزات این رژیم به تدوین قانون اساسی را صرفاً در محدوده الزام فوق الذکر مورد توجه قرار داد چراکه بواقع الزامات مهم دیگر بسا ریشه های عمیق تری پرداختن به این امر را پس از شکست قیام بهمن ضروری ساخته بود و در حقیقت قانون اساسی جمهوری اسلامی در حالیکه با تعینات سیاسی - ایدئولوژیک این رژیم در انطباق کامل قرار نارد، پاسخگویی نیازهای ضدانقلابی در بعد وسیعتر و عمیقتری است. در توضیح این موضوع باید گفت اگر بزرگ جامعه طبقاتی، طبقه مسلط بر تولید و طبقه ای که قدرت سیاسی را در دست نارد برای راه اندازی سیستم اقتصادی حاکم بر جامعه و تأمین منافع طبقاتی خویش به وضع قوانینی میپردازد که تماماً در انطباق با نیازهای سیستم حاکم بوده و در خدمت پیشبرد امور به نفع وی قرار نارد براین اساس باید این حقیقت که بورژوازی وابسته ایران درست به منظور فوق به تدوین قانون اساسی جدید و کاملاً منطبق بر سیستم امپریالیستی حاکم بر جامعه نیازمند بود را مورد دقت نظر قرار داد.

همانطور که میدانیم قانون اساسی که در دوران شاه مورد استفاده این طبقه ارتجاعی قرار داشت قانونی بود که پس از شکست انقلاب مشروطیت مدون گشته بود. درست است که محتوا و مضمون کلی این قانون بگونه ای بود که بورژوازی وابسته می توانست جهت استثمار و غارت توده های مردم آنرا به خدمت گرفته و علیرغم همه ناهمخوانیهای با مقتضیات اعمال دیکتاتوری این طبقه بر علیه طبقات دیگر بصورتی آنرا مورد استفاده قرار دهد ولی بره حال این حقیقتی است که قانون مزبور همانتی نبود که دقیقاً منطبق بر نیازمندیهای سیستم سرمایه داری وابسته ایران تنظیم گشته و با تکیه بر قید و بندهای قانونی توجیه گر اعمال ضد خلقی بورژوازی وابسته و دیکتاتوری این طبقه بر علیه طبقات دیگر بسوده باشد. هم از اینرو بود که شاه در رأس رژیم وابسته به امپریالیسم حاکم که وظیفه تأمین منافع امپریالیست ها و بورژوازی وابسته را برای ایران بعهده داشت همواره مجبور می گشت آشکارا قوانین موجود را زیر پا گذاشته و با مطلق العنانی کامل بدون توجه به مواد و بندهای آن قانون اساسی به رفق و فتنه اموری می پردازد و بوضوح ما فوق قوانین موجود عمل نموده شعار معروف شاه باید سلطنت کنده نه حکومت نمونه مثال جالب توجهی است که در حالیکه تناقض بین رفتار و اعمال شاه و خود کامگی او با آنچه که در این رابطه با صراحت تمام در قانون اساسی آمده بود را بیان می کرد و قلدرمنشی او در نادیده گرفتن حتی پایه ای ترین مواد قانون اساسی را آشکار می ساخت. در عین حال بیانگر این حقیقت بود که قانون اساسی مورد بحث تماماً پاسخگویی نیازمندیهای سیستمی نبود که شاه و دیگر مزدوران حکومتی بر رژیم ضد خلقی سلطنتی مدافع آن بودند. بر چنین مبنائی در جریان اوج گیری مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده های قهرمان ایران در سالهای ۵۷-۵۶ و از همان اوان که سیاست سوار شدن بر امواج مبارزات توده ها و انحراف مسیر ضد امپریالیستی این مبارزه در دستور کار امپریالیستهای غدار قرار گرفت مهره های جدید امپریالیسم نه از اصلاح قانون اساسی دوران شاه بلکه ریاکارانه از شعار بدورا فکندن آن قانون و تدوین قانون اساسی جدید دفاع نموده

و به منظور و اهداف ارتجاعی معینی روی آن تاکید ورزیدند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی که بلافاصله پس از روی کار آمدن رژیم جدید مدون گشت، در حالیکه مکانیسم های روابط و ضوابط فیما بین طبقه حاکم و دیگر اقشار و طبقات جامعه را در قالب ایدئولوژی اسلامی تعریف نموده و میگوید آنرا در هاله ای از تقدس آسمانی بیوشاند تا رابطه اش را با واقعیت های زمینی سیستم سرمایه داری وابسته از آثار پنهان نگه نارد و در حالیکه بندهای اسارت بار آن یاد آور قوانین بی نهایت ارتجاعی قرون وسطی می باشد و بهمین دلیل نیز بسیاری از کودتا نشینان از جمله با تکیه بر آن رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را رژیم مادون سرمایه داری و قرون وسطائی نامیدند، ولی در واقعیت امر این قانون دقیقاً در خدمت پیشبرد سیستم سرمایه داری وابسته ایران و در انطباق کامل با آن قرار داشته و به عبارت دیگر قانون اساسی بورژوازی وابسته ایران بشمار می رود. قانونی که ماهیت ارتجاعی آن قبل از اینکه به قرون وسطی و تجر آخوندهای گرناننده رژیم مربوط گردیده از گنبدگی نظام سرمایه داری جهانی و ماهیت ارتجاعی سیستم سرمایه داری وابسته ایران نشأت گرفته است. در این قانون است که دیکتاتوری عربستان و به غایت جنایت بار بورژوازی وابسته جنبه کاملاً رسمی به خود گرفته و به مثابه بارزترین خصیصه نظام سرمایه داری وابسته و اصلی اساسی و تخطی ناپذیر در این نظام مورد تقدیس و تکریم قرار گرفته است. اگر دیکتاتوری بورژوازی وابسته در دوره پیشین، در رژیم شاه و در خود کامگی و اعمال قلدرمنشانه شخص شاه تجلی می یافت که ظاهراً پایبند هیچ قانونی نبود و مافوق همه قوانین مدون و رسمی کشور عمل می نمود و این واقعیت اغلب به نادرست ناشی از خصوصیت شخص شاه تلقی شده و با تعابیری گوناگون از دیکتاتوری فردی شاه محبت بنیان می آمده امروز این دیکتاتوری که بواقع ذاتی نظام سرمایه داری وابسته بوده و اساسا امورات این نظام بدون آن نمی گذرد در قانون اساسی جمهوری اسلامی بمثابه اصلی اساسی گنجانده شده است و خود کامگی و مطلق العنانی و

با قوه مجریه در عین اینکه وجود يك رئيس جمهور به عنوان رأس تشکیلات و هماهنگ کننده سه قوه به بینی شده ولی در عمل مطابق همین قانون، این نخست وزیر است که به لحاظ عملی اداره این بخش را به عهده دارد و مقام ریاست جمهوری اساسا جنبه تشریفاتی دارد. و بالاخره در مورد قوه مقننه علاوه بر مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان قرار گرفته است و جالب آن که اخیرا در عمل مجمع تشخیص مصلحت نیز به آنها افزوده گشت که هر يك بحدی دارای اختیارات و عملکرد می باشند. با اینحال (با وجود "نواقص و ایرادات" مذکور) واقعیت آنست که آنچه به نواقص قانون اساسی جمهوری اسلامی برجستگی هرچه بیشتری بخشیده و موجب تأثیرات و عملکردهای غیر مطلوب آن برای رژیم جمهوری اسلامی گشته، این است که با توجه به بحران عمیق وحدت یابنده کنونی رژیم در لحظه حاضر نقص و ایرادی در دستگاه حکومتی خسران های فراوانی را موجب شده و انجام بسیاری از امور را دچار اخلال می سازد. در همین زمینه بخصوص باید از رشد دائم التزاید تضادهای درونی طبقه حاکم یاد کرد که بمثابة تجلیات بحران سیاسی گریبانگیر رژیم، خود را بصورت تنش های متوالی و شکاف در میان دولت مردان حاکم نشان می دهد، و پارامتر بسیار قدرتی است که مخصوصا در زمینه هایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی برآکنندگی قدرت و تعدد مراکز تصمیم گیری و اجرائی را رسمیت بخشیده است، رتق و فتق امور را با مشکلات زیاد مواجه می سازد. بواقع اگر توجه کنیم که رشد تضادهای درونی طبقه حاکم تا به آنجا به پیش رفته است که صرف نظر از تصفیه رقبا و عزل و نصب ها، جناحهای متخاصم رژیم از ریختن خون یکدیگر نیز ابائی نداشته اند، میتوانیم دریافتیم که چگونه خلا و شکافهای موجود در قانون اساسی توجیه قانونی و زمینه و امکان کاملا مناسبی را جهت عملکرد جناحهای متخاصم بر علیه یکدیگر بوجود آورده و به نوبه خود موجب تشدید تضادها گشته است و چگونه این واقعیت به مانعی در برابر حرکت به سوی ایجاد يك مرکزیت قوی و هماهنگ برای اعمال همه جانبه

رژیم جمهوری اسلامی برخورد به آنها را در ۸ محور مورد تاکید قرار داده است عبارتند از ۱- رهبری ۲- تمرکز سز در مدیریت قوه قضائیه ۳- تمرکز در مدیریت قوه مجریه ۴- تمرکز در مدیریت صدا و سیما بصورتی که قوای سه گانه در آن نظارت داشته باشند ۵- تعهد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۶- مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و مشورت رهبری بصورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد ۷- راه بازنگری به قانون اساسی ۸- تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی

موارد ۸ گانه فوق به نوبه خود بگونه ای که قبلا نیز اشاره شد بوضوح نشان میدهند که اصلی ترین مسأله سردمداران رژیم درك و اصلاح قانون اساسی ارتجاعی خویش، ایجاد تمرکز هرچه بیشتر در شالوده های مختلف نظام میباشد امری که از زاویه برخورد معین به مسأله مشخصا بیانگر آنست که مزدوران رژیم در انجام وظایف ضد خلقی خویش و هدایت نظام، در ترون ماشین دولتی وسیعا با معضل عدم هماهنگی و انجام رویرو می باشند و در حالیکه تحکیم سلطه امپریالیستی و تامین منافع و مصالح این سلطه شدیدا نیازمند يك قانون قدرت متمرکز و عملکرد یکپارچه دستگاه حکومتی است، وجود مراکز متعددد قدرت و عدم هماهنگی و وحدت نظر فیما بین آنان پیشبرد آن منافع و مصالح ضد خلقی و غارتگرانه را با مشکلات عدیده ای مواجه ساخته است. مسلما از نقطه نظر تامین منافع امپریالیستی، قانون اساسی جمهوری اسلامی در زمینه فوق الذکر عاری از نقص و ایراد نیست که به شمه ای از موارد آن در سخنان مزدوران رژیم قویا اشاره شده است. مثلا شرایط ذکر شده در مورد هر يك از قوای مقننه و قضائیه و مجریه خود باعث بوجود آمدن تناقضات متعددی است. در رأس "قوه قضائیه" مطابق تعاریف این قانون بجای يك فرد مقتدر، شورائی از سگان زنجیری امپریالیسم تحت عنوان "مجتهدین عادل" قرار دارند که اداره تشکیلات مربوط به "قوه قضائیه" باید با اتفاق نظر این شورا باشد. در رابطه

عدم پایبندی به هر قانون مدون و خلاصه بی قانونی، قانونا به رسمیت شناخته شده و بصورت حق قانونی و کاملا "بیدی" ولی فقیه و بالطبع جانبدان او درآمده است. چنین است که اگر قانون اساسی دوره شاه اجازه انجام بعضی امور را به او نمی داد و شاه بمنابه يك مزدور و سگ زنجیری حقیر درگاه امپریالیسم در جهت حفظ منافع و مصالح نظام امپریالیستی حاکم خود را محقق می دید که مافوق قوانین موجود عمل نماید امروز قانون اساسی جمهوری اسلامی با عریانی و بطور کاملا آشکار همه آن حقوق را برای اعمال شدیدترین و خشن ترین دیکتاتورهای جا نشینان شاه قائل شده است.

به این ترتیب است که باید گفت قانون اساسی که در او ان حکومت جمهوری اسلامی و بنام این "جمهوری" تدوین گشت، قانونی بود که دقیقا با منافع و مصالح سیستم سرمایه داری وابسته ایران در انطباق قرار داشته و بطور کامل و در بست متعلق به بورژوازی وابسته ایران می باشد. مسلما تدوین چنین قانونی آنهم در فضای "ملتپ" پس از قیام خونین ۲۲ و ۲۱ بهمن و در شرایط خیزش یکپارچه توده های ستمدیده خلق بر علیه امپریالیسم و دیکتاتور امپریالیستی حاکم که موجب از هم گسیختن شیرازه بسیاری از امور و در نتیجه هراس و وحشت بیحد مرتجعین گشته و مزدوران امپریالیسم را بر آن داشته بود که هرچه سریعتر کار تدوین و تصویب قانون اساسی مورد نظر را بی پایان برسانند نمیتوانست عاری از عیب و ایراد بوده باشد. علاوه بر این به اور طبیعی نواقص این قانون می بایست در جریان عمل خود را نشان دهد تا مورد بررسی و برخورد مجدد قرار گیرد اکنون پس از گذشت بیش از ده سال از تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی شرایط خاص و زمینه های عینی معین حك و اصلاح و تجدید نظر در این قانون را بسرای سردمداران رژیم به ضرورت اجتناب ناپذیر تبدیل کرده و آنان را شدیدا به تقلا در این مسیر وادار کرده است. در این رابطه مسائل مورد بحث که خمینی در رأس

پیش بسوی ایجاد فرماندهی مشترک در جنبش خلق کرد

حاکمیت امپریالیستی بدل گردیده است.

بنا بر این قانون اساسی که بنا بر مختصات یاد شده تعدد مراکز قدرت را بیان می‌کند در شرایطی که غلبه بر بحران و بسط دیکتاتوری لجام گسیخته امپریالیستی ایجاد کانون قدرت هرچه متمرکزتری را می‌طلبد، می‌بایست مورد تجدید نظر قرار گرفته و با رفع ناهماهنگی‌ها و تضادهای درونیش نقائص آن مرتفع گردد.

بر همین اساس است که همه مزدوران رژیم علی‌رغم تضادهای حاد فی مابین در حالیکه شدیداً از "بروزآفات و عواقب تلخ" شدت‌گیری تضادهای نرونی خود در وحشت بسر می‌برند و حتی مسدوم بیکدیگر از خطر سقوط رژیم و اقتصاد "در گرداب‌های" همدار می‌دهند بر ضرورت اصلاح قانون اساسی در جهت ایجاد تمرکز هرچه بیشتر تاکید می‌ورزند زمینه مهم دیگر ضرورت بازنگری به قانون اساسی مربوط به قطع جنگ امپریالیستی ایران و عراق می‌باشد.

همانطور که می‌دانیم ۸ سال از عمر ننگین ده ساله رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با جنگ سپری شده است جنگی که بر پیشانی آن ننگ جنایت‌آفرینی‌های بی‌پایان و پاره‌انداختن حمام خون بر علیه خلقهای منطقه قرار داشته و با توجه به وسعت جبهه‌های نبردش و جنگ‌افزارهای بکار برده شده در آن و خلاصه با توجه به حدت و شدت و طولانی بودنش بلحاظ زمانی آنرا باید در زمره عظیم‌ترین جنگهای قرن اخیر بحساب آورد. شکی نیست که چنین جنگی در ۸ سال گذشته چنان تاثیراتی در شئون مختلف اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه ما بجای گذاشته و در طی این مسدومت، بسیاری از امور و مسائل چنان با این جنگ گره خورده و تحت الشعاع آن قرار داشت که با پایان گرفتن جنگ ضرورتاً بسیاری از امور می‌بایست سازماندهی مجدد گردند و به عبارت دیگر تداوم حاکمیت سرکوبگرانه و غارتگرانه امپریالیسم برهستی و حیات کارگران و زحمتکشان ما در شرایط پس از جنگ به نوبه خود نیازمند تجدید آرایش و سازماندهی همه‌جانبه‌تری در ساختار ماشین بوروکراتیک و نظامی امپریالیستی است، امری که ایجاد

تغییراتی چند در قانون اساسی در خدمت آن قرار خواهد گرفت. اکنون باید به این نکته اشاره کرد که بازتاب عملی کوشش‌های رژیم ضد خلقی در ایجاد حداکثر تمرکز در ماشین دولتی، در زندگی توده‌های ستم‌دیده ما چیست؟ اگر این واقعیتی است که هدف

سردمداران رژیم از بازنگری به قانون اساسی، ایجاد تمرکز در برخی از کلیدی‌ترین بنیادهای ماشین دولتی است، بالطبع این تمرکز در خدمت اعمال دیکتاتوری هرچه بیشتر بر علیه توده‌ها قرار دارد. اساساً باید دانست که اصلی‌ترین الزام هدایت و کنترل سیستم غارتگرانه‌ای که پس از پشت سر گذاردن یک دهه بحران عمیق اقتصادی و بویژه با سپری کردن ۸ سال جنگ امپریالیستی بیش از پیش در جنبه تناقضات و تضادهای عدیده‌ای گرفتار آمده، بسط دیکتاتوری امپریالیستی تا کوچکترین زوایای حیات اجتماعی بوده و می‌باشد.

در شرایطی که بحران گریبان‌نگسار سیستم جهانی امپریالیسم تار و پود نظام سرمایه‌داری وابسته ایران را فرا گرفته و تجلیات خانمان برانداز خویش را در تعدیلی و رکود بی‌سابقه کارخانجات و واحدهای تولیدی کشور و تشکیل یک ارتش عظیم از بیکاران (۱) فقر و فلاکت هولناک توده‌های تحت ستم گرانی و تورم بی‌حد و غیره نشان می‌دهد در شرایط اعمال فشارهای شدید اجتماعی و سیاسی در حق توده‌ها، این امری طبیعی است که فریاد مبارزه و اعتراض و طغیان و شورش بر علیه ظلم و دیکتاتوری از هرسو به گوش رسد و دشمنان خلق را

۱- بنا به اعترافات گاه و بیگاه سردمداران جنایتکار رژیم و بوقهای تبلیغاتی‌شان امروز کارخانجات و واحدهای تولیدی در جمهوری اسلامی با ظرفیت حتی کمتر از نصف کار میکنند همچنین بنا به آمار خود رژیم در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بیش از نصف جمعیت ۵۰ میلیونی کشور در "زیر خط فقر" زندگی می‌کنند و همچنین آمار تورم موجود گاه‌بیس‌گانه ۸۰ تا صد درصد تخمین زده می‌شود. در عین حال که رژیم بایک کسری بودجه ۱۴۰۰ میلیارد ریالی هم روبروست.

در هراس و وحشت ابدی فرو برد. هم از اینرو رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که همواره با گلوله و با روی آوری به دشمنانه‌ترین روشهای سرکوب به مقابله با توده‌ها و جنبش آنان پرداخته است امروز بخصوص با توجه به عملکرد تضادهای حاد درون طبقه حاکم و شکاف در بین دولتمردان، هراسان از غلبان خشم و انزجار توده‌ها خند و خند و جنایتکارانه تر از پیش سرکوب وسیعاً و شدیداً قهرآمیز توده‌ها را در دستور کار خود قرار داده است. کما اینکه میانرت به اعدام خونبار زندانیان سیاسی در چند ماه اخیر بیانگر آن می‌باشد. بنا بر این نمی‌تواند جای تردیدی باشد که بازتاب کوششهای ضد خلقی سردمداران مزدور رژیم در اداره امورات بورژوازی وابسته ایران بطور هرچه متمرکزتر و یکپارچه‌تر پس سرکوب باز هم شدیدتر توده‌ها و ایجاد فضای اختناق هرچه وسیع‌تر در جامعه بیانجامد و بعبارت دیگر بایست گفت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با ایجاد صف‌بندی جدید در مقابل جنبش خلق و تغییر آرایشی که در طی آن بتوان با اصلاح نقاط ضعف گذشته و سازماندهی جدید، از تمامی پتانسیل‌ها و نقایصی نستگاه غارت و سرکوب امپریالیستی در مقابله با توده‌ها سود جست، در صدد تحکیم دیکتاتوری امپریالیستی و بیورش بازم سیستماتیک تر به جنبش توده‌هاست.

خلاصه کنیم، امروز ضرورت تغییر و اصلاح قانون اساسی ضد خلقی جمهوری اسلامی در جهت ایجاد حداکثر تمرکز در توده‌های سیستم سرمایه‌داری وابسته و به منظور بسط و تحکیم هرچه بیشتر بنیادهای دیکتاتوری امپریالیستی در همه شئون جامعه مطرح گشته و تمامی سگان زنجیری حاکم صرفند از اختلافات تاکتیکی برس چگونگی پیشبرد امور در جهت منافع قشری خود به لحاظ اصولی و یا بعبارت روشنتر به لحاظ تأمین منافع و مصالح نظام بورژوازی وابسته در تحقق این امر متفق القولند و می‌کوشند در شرایط بحران نظام امپریالیستی موجود قانون اساسی رژیم مزدور جمهوری اسلامی را بگونه‌ای تنظیم نمایند که بتوانند بسا کمترین اتلاف انرژی، حداکثر نیروی بخش‌های متفاوت ماشین بوروکراتیک

نظامی حاکم را با هماهنگی و تمرکز و یکپارچگی کامل جمع آوری و تماماً در جهت اهداف سلطه امپریالیستی کانالیزه گردانند.

واقعیت فوق بنیان میدهد که برخلاف بسیاری از تئوری با فهای کوتاه بینانه و تبلیغات توهم آمیز، امپریالیسم بر روی رژیم مزدور جمهوری اسلامی، پیش از آن سرمایه گذاری کرده است که براحتی به سقوط این رژیم و جایجایی آن با رژیم وابسته دیگری تن نهد. صرفنظر از اینکه مسلماً چنین امری برای جنبش انقلابی ایران بهیچوجه از اهمیت اساسی برخوردار نیست، با اینحال اغلب نیروهای سیاسی ایران با از نظر دور داشتن اهمیت سلطه ننگین امپریالیسم بر میهن ما و عدم تشخیص ماهیت وابسته

به امپریالیسم جمهوری اسلامی، به اشاعه نظرگاههای فریبکارانه ای می پردازند که مطابق آنها گوئی صرفاً با سقوط رژیم جمهوری اسلامی و حتی بدتر و متوهمانه تر از آن بسا صرف مرگ خمینی نژخیم خلقهای ایران به خواستهای عادلانه و برحق خویش، خواهند رسید. مسلماً اشاعه چنین نظرگاههای غیر واقعی و غیر انقلابی نمی تواند جز در خدمت فریب اذهمان توده ها قرار گرفته و امیدواریهای بی اساس در آنان بوجود آورده، توهمات و امیدواریهای بی اساسی که در اولین برخورد به واقعیت های سخت محوگشته و چه بسا جای آن رایأس و ناامیدی و عدم اعتقاد به روند رو به تکامل تاریخ و شکوفائی انقلاب بگیرد.

همانطور که ما بارها تاکید کرده ایم خلقهای قهرمان ایران هرگز نباید چشم



بیکاری: یکی دیگر از ارمغانهای جمهوری اسلامی ضدخائنی!



مرکز جوانان بیکار - میدان قزوین در جنوب تهران
بصورت مرکز جوانان بیکار شهرستانی درآمده است، جوانانی که از
شهرستانهای مختلف کشور در جستجوی کار وارد تهران میشوند،
روزهای اول بیکاری خود را تا یافتن کاری که بیشتر دستفروشی است،
در میدان قزوین میگذرانند.

زنده باد خلق رزمنده که برای آزادی میجنگد



بیانیه جریکهای فدائی خلق

در باره مرگ خمینی مزدور

خلقهای قهرمان ایران!

سراجم روز ۱۴ خرداد ماه جاری، رادیوی دولتی با بخش خیرمرگ خمینی مزدور یا بیسان عمر یکی از رذلتترین و هارترین سگان زنجیری امپریالیسم را اعلام داشت.

بخش این خبر در میان توده‌های ستمدیده ما که در طی دهسال حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی و در رأس آن خمینی جلاد مورد جنایت‌بارترین فجایع قرار داشته و کمرشان از مظالم بیشمار این رژیم خم گشته است، موجی از شادی و مسرت را برانگیخت. خمینی برای مردم رنج‌کشیده ایران مظهر و تجلی یارز تمام ننگ و کثافت و جنایت و ددمنشی و ظلمه تمام تعدیسات دیکتاتوری امپریالیستی در دهسال گذشته بود؛ و بهمین دلیل نیز آنها با خوشحالی مسترگ دیکتاتور را بیکیدیگر تبریک گفته و به این ترتیب نهایت نفرت و انزجار خویش را نسبت به رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و خمینی دژخیم ابراز می‌دارند.

مرگ این مهره حلقه بگوش امپریالیسم امروز در متن شرایطی که بر جامعه ما حاکم می‌باشد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گشته است. اگرچه این امر بخودی خود بهیچوجه آن اهمیت را دارا نیست که برخی از محافظ و نیروهای سیاسی مخالف رژیم جلوه می‌دهند. اینان اگرچه بنا منشاء طبقاتی متفاوت، از آنجائیکه همواره صرفاً شخص خمینی را عامل همه مظالم و مآسب وارده بر توده‌های ما جلوه داده‌اند، امروز پی آمدهای مرگ او را بگونه‌ای غیر واقعی برآورد نموده و سعی در القاء این تصور واهی به توده‌ها دارند که گویا با مرگ خمینی مزدور، عمود دیکتاتوری نیز در جامعه ما به سرآمده و فصل آزادی آغاز می‌گردد. مناسماً این سخنان اباطلیسی بی‌بش نیستند، چراکه عامل ادبار توده‌های رنج‌کشیده ما سلطه امپریالیستی است و خمینی نیز در رأس جمهوری اسلامی که خود شکلی از حاکمیت امپریالیستی می‌باشد، تمام قدرت خویش را از این سلطه ننگین اخذ می‌نمود. بواقع این امپریالیست‌های جنایتکار و خون خوار بوده‌اند که با د غرور و نخوت در وجود نحیف او دمیده و در جهت تأمین منافع فدخلتی خویش، این مزدور حقیر را در خدمت خود بکار گرفته‌اند. بنابراین از این لحاظ مرگ خمینی که مفهومی جز بدرک واصل شدن مزدوری از بیشمار مزدوران کشیف امپریالیسم ندارد، بخودی خود دارای اهمیت ویژه‌ای نمی‌باشد و گمان فرا رسیدن دوره آزادی و برقراری دموکراسی در جامعه صرفاً بدلیل مرگ خمینی، اگر به قصد اغفال توده‌ها ابراز شده باشد، گمان و پندار کودکانه است.

برای درک اهمیت مرگ خمینی در شرایط کنونی باید اندکی در این شرایط تعمق نمائیم. خمینی در شرایطی مرد که با توجه به بحران دائم التزاید امپریالیستی و سرشکن شدن بار این بحران بر روی جامعه تحت سلطه ما، بدلیل وابستگی نظام سرمایه‌داری ایران به سیستم جهانی امپریالیسم، توده‌های ما در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی متحمل تضییعات و فشارهای فراوانی گشته و بار مضائب دهشت‌زائی بردوش آنان سنگینی می‌کند. در چنین اوضاعی که تضاد توده‌ها با امپریالیسم و سگان زنجیریش هر چه بیشتر تشدید گشته است، رژیم فدخلتی جمهوری اسلامی همانطوریکه شاهدیم، جز با توسل به دیکتاتوری شدید و خونریزی‌بار و عنان کسیخته و با بکارگیری بی‌شرمانه‌ترین سیاستهای سرکوبگرانه و وحشیانه‌ترین اعمال فاحشه‌بار نمی‌تواند از خیزش خشم‌آلود توده‌ها و رشد مبارزات آنان جلوگیری نماید. با توجه

به این فاکتور و در بستر ورشکستگی و بحران فزاینده اقتصادی، تضادهای درونی طبقه حاکمه شدت هرچه بیشتری یافته و این امر که خود را در جناح بندیهای درون هیات حاکمه منعکس می‌سازد، به جایی رسیده است که مزدوران همچون گرگان درنده بجان یکدیگر افتاده و صرفنظر از عزل و حذف مهره‌های خویش از دستگاه حکومتی، خون یکدیگر را نیز بر زمین می‌ریزند.

در روند تشدید همین تضادها بود که منتظری از مقام جانشینی خمینی معزول گشت و این امر در شرایط "قحط الرجالی" و دشواری گزینش جانشین واجد شرایط پس از مرگ خمینی، به نوبه خود به معضلات رژیم افزوده و تاثیر خود را در شدت گیری باز هم بیشتر تضادها بجای گذاشت. در عین حال مسأله گزینش جانشین برای خمینی مزدور در حالیکه این امر بدلیل کهنلت سن و بیماری خمینی به صورت امری فوری و مبرم در آمده بود با توجه به تفرق هریک از جناح های هیات حاکمه در حل این معضل به نفع خود، آنرا به مسأله گزینی سردمداران رژیم تبدیل نمود. این موضوع از مدت ها قبل از مرگ خمینی و هم اکنون با پیچیدگی های خاص خویش مطرح می‌باشد.

خمینی در رژیم جمهوری اسلامی دارای مقام ولایت فقیه بوده است که به مثابه اصلی در قانون اساسی، دیکتاتوری بورژوازی وابسته را در چارچوب این رژیم بیان و آنرا اعمال می‌نماید. در عین حال ولایت فقیه دارای مفهوم مذهبی است و ولی فقیه درجه ای از مقام مذهبی را بیان می‌کند که اذمه رسیدن به آن، طی مدارج مذهبی معینی می‌باشد. حال اگر توجه کنیم که رژیم جمهوری اسلامی در ایران بر مبنای ولایت فقیه بنیان گذاشته شده و سیستم حکومتی و تمام قوانین و نهادهای مربوط به آن با این اصل در قانون اساسی انطباق داده شده است، می‌توانیم دریابیم که در بلعشوی تضادهای درونی هیات حاکمه و در فقدان یا کمبود افراد واجد شرایط مقام ولایت فقیه و در حالیکه هنوز علیرغم خلج منتظری به مثابه فردی که می‌توانست خلج وجود ننگین خمینی را بر نماید، وی واعوان و انصارش کاملاً از میدان بسدر نشده‌اند، جناح های درونی رژیم دست به گریبان چه معضلاتی می‌باشند. بر چنین اساسی است که می‌توان پیش بینی کرد که در کشاکش تضادهای شدت یافته جناح های درونی رژیم و در راستای حل معضل جانشینی و امر ولایت فقیه، چه بسا در چگونگی اعمال دیکتاتوری امپریالیستی که در هر حال لازمه بقای سیستم سرمایه داری وابسته در ایران می‌باشد، تغییراتی بوجود آمده و امپریالیستها مجبور گردند در حالیکه چارچوب رژیم جمهوری اسلامی را برپا نگاه داشته و از آن هراسست می‌نمایند با جابجائی مهره ها و احاله نقشهای معینی به هر یک از آنها حاکمیت خویش را در شکل و قالبی متفاوت از پیش اعمال نمایند.

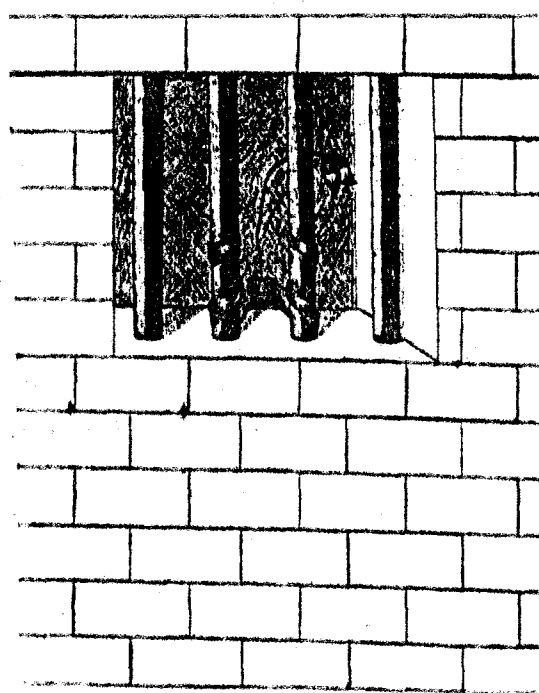
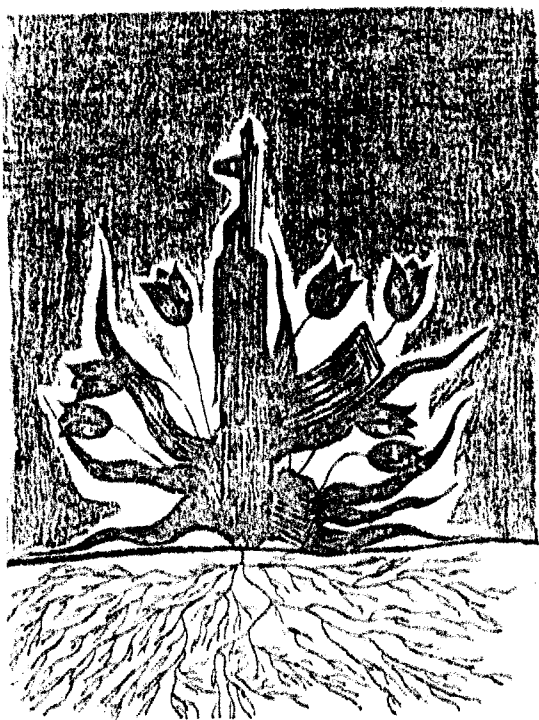
اکنون پس از فوت خمینی رژیم امپریالیستی در حالیکه خامنه‌ای مزدور با عنوان عاریتی "آیت الله" به مقام به اصطلاح رفیع رهبری جمهوری اسلامی انتصاب گردیده است، اعمال رژیم به جار و جنجال تبلیغاتی وسیع در این رابطه دست زده و با رجزخوانی این انتصاب را به گذران روال عادی امور و خاتمه تضادهای حاد فیما بین خود تعبیر می‌کنند. ولی واقعیت اینست که این امر به هیچوجه پاسخگوی معضلات و دشواری های نمی‌باشد که حاکمیت امپریالیستی امروز با مرگ دیکتاتور خون آشام یعنی خمینی رذل با آن مواجه است و بیشک تشدید تضادهای درونی رژیم که بر زمینه های مادی استوار است، مشکلات و دشواریهای باز هم بیشتری را در مقابل مزدوران قرار خواهد داد.

انتصاب خامنه‌ای مزدور به مقام رهبری رژیم جمهوری اسلامی، در حال حاضر پیش از هر چیز بیانگر سازش جناح های متضاد درون رژیم در مقابل توده های تحت سلطه ما می‌باشد و آنها در سنت بدلیل هراس و وحشت شدید خویش از انفجار خشم و کینه های سترگی که در دل میلیون ها تن از کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار و طبقات ستمدیده خلق از خمینی جلد و رژیم مزدور جمهوری اسلامی انباشته شده است و جهت جلوگیری از آن به تفرق افتاده و در حالیکه همزمان با مرگ خمینی بر شدت اختلاف و جو ترور در جامعه افزوده و نیروهای سرکوبگر خویش را به حال آماده باش در آورده‌اند، شدیداً مراقب اوضاع می‌باشند و همین واقعیت هم هست که امپریالیست ها را بر آن می‌دارد که پیش از پیش به حفظ و حراست از رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی پرداخته و حتی اسبق در با تغییرات اندکی این رژیم جنایت پیشه را بر سر کار نگاه دارند.

خلقهای قهرمان ایران!

با مرگ خمینی مزدور تضادهای درونی رژیم را شدت هرچه بیشتری بخشیده و فرمت‌هایی را جهت تشدید مبارزه بر علیه امپریالیسم و سگان زنجیریشان در مقابل توده‌های قهرمان ما بوجود آورده است. باید با ایمان به این حقیقت مسلم که سرانجام شکست و ننگ‌آیدی از آن امپریالیستها و جیره خوارانشان و پیروزی محتوم از آن خلقهای در بند ماست، در این راه به پیش روییم. دشمنان با تمام قوا میکوشند با سرکوب ددمنشان مبارزات شما همراه با تبلیغات زهرآگینی که از بلندگوهای مختلف امپریالیستی مدام بگوش میرسد، خود را قدر قدرت جلوه داده و روحیه یاس و تسلیم طلبی را بر شما حاکم گردانند. تابتوانند چند مباحی دیگر بر عمر حاکمیت ننگین خویش بیافزایند. تنها با مقاومت در مقابل این مزدوران و با تشدید مبارزات خود است که میتوانیم عمر منحوس جمهوری اسلامی و بطور کلی حاکمیت جنایت‌بار امپریالیستی را در میهن خویش کوتاه و روز پیروزی بر دشمنان خویش را نزدیکتر سازیم.

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش
مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی
برقرار باد اتحاد تمام نیروهای انقلابی و تمام خلقهای سراسر ایران
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر
با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران
۶۸/۳/۱۶



بازهم شکنجه و اعدام انقلابیون در بند

از صفحه ۴۰

از بزرگترین کتابخانه‌های مملکت بکند. امری که صرفنظر از محتوای عوام‌فریبانه آن به نوبه خود نمایانگر ابعاد وحشتناک اعدامها توسط این رژیم جلا می‌باشد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم در یورش بیسابقه خود به انقلابیون اسیر و قتل عام و شکنجه آنان، ابعاد بیشرمی و جنایت‌پیشگی را از حد گذرانده است. تا جائیکه حتی مجامع بین‌المللی معلوم‌الحال نظیر سازمان عفو بین‌الملل و شرکاء نیز که عمدتاً وظیفه‌شان در عین کوشش جهت شناساندن خود بمناب مرجع "بیطرف‌خبرخواه" به هر طریق سعی در تخفیف و لاپوشانی اوج ددمنشی رژیمهای وابسته به امپریالیسم نظیر جمهوری اسلامی میباشد، زبان بسه شکوه و شکایت از جنایات اخیر جمهوری اسلامی نموده و موج جدید و غیر قابل‌کتمان اعدامها را حتی نسبت به قتل عام سال ۶۰ زندانیان سیاسی که طی آن دهها هزار تن از بهترین فرزندان خلق از دم تیغ جلاان جمهوری اسلامی گذشتند، گسترده‌تر و آنرا بی‌نظیر خوانده‌اند.

اما یورش وحشیانه و دهشتناک مزدوران امپریالیسم در ایران به زندانیان سیاسی قهرمان تنها به اعدام و قصابی هزاران تن از آنان محدود نگشته است، به موازات تشدید اعدامهای دسته‌جمعی و به خاک و خون کشیدن انقلابیون اسیر در ماههای اخیر، بسیاری از فرزندان پاکباخته خلق نیز که همچنان تسلیم‌ناپذیر و با اراده‌ای آهنین در بندهای مخوف شکنجه‌گاههای رژیم باقی مانده‌اند، تحت شدیدترین شکنجه‌ها و فشارهای مرگبار قرار گرفته‌اند. و مرگ تدریجی در زیر شکنجه‌های هولناک دژخیمان جمهوری اسلامی به سرنوشت کم‌وبیش یکسان اکثر این انقلابیون آهنین عزم تبدیل شده است. وسعت ددمنشی‌های دژخیمان ساواکی رژیم در حلق فرزندان کمونیست و مبارز خلق در ماههای اخیر آنچنان بالا گرفته که نام‌سیاه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بار دیگر و به سیاق پیشین در راس جنایتکارترین رژیمهای که ابتدائی‌ترین حقوق انسانی در آنها به شدیدترین وجهی پامال میگردد، قرار گرفته است. همه اذعان دارند که استفاده سیستماتیک از شکنجه و فشارهای طاقت‌فرسای روحی و جسمی بر علیه زندانیان سیاسی مبارز و مقاوم بمناب جنایتکارانه‌ترین روشها در سیاهاج‌لهای قرون وسطائی جمهوری اسلامی شدت هرچه بیشتری به خود گرفته و به امری روزمره و عادی تبدیل گردیده است. جانباان ساواکی جمهوری اسلامی در ماههای اخیر و به موازات قتل عام بسیاری از زندانیان

بیشرمانه جمهوری اسلامی افزوده است. بخش عمده ایمن زندانیان حماسه‌آفرین پس از تحمل شکنجه‌های بسیار و درهالیکه در برابر مزدوران شکنجه‌گر رژیم لب‌از‌لسب نگشودند به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند. همچنین درتداوم این جنایات دهشتناک طی روزهای ۱۷ تا ۲۳ اردیبهشت ماه جاری نیز ۱۷ تن از بهترین فرزندان خلق به جرم دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان در سیاهاج‌ال سنندج در مقابل جوخه‌های اعدام قرار گرفته و خون سرخشان توسط مزدوران امپریالیسم بر زمین ریخته شد.

اینها فقط گوشه بسیار کوچکی از موج خونین قتل و قصابی‌ای است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در یکی دو ماه گذشته بر علیه زندانیان سیاسی قهرمان برآه انداخته و اخبار آن بدست ما رسیده است. تازه موارد یاد شده به هیچ رو انقلابیون دلیری که دژخیمان فرومایه و پست جمهوری اسلامی در میان قاچاقچیان مواد مخدر بسه کشتار آنها مبادرت نموده‌اند را در برنمیگیرد.

این آمار اما به هیچ رو واقعیت حمام خونی که جمهوری اسلامی ضد خلقی ماههاست بر علیه زندانیان سیاسی در زندانها برآه انداخته را نشان نمیدهد. در حالیکه برخی ارقام منتشره رقم اعدام شدگان را در طول این مدت هزاران تن برآورد میکنند، لازم به توضیح است که مطابق برخی آمار غیر رسمی از منابع درونی رژیم این تعداد تا دهها هزار تن نیز ارزیابی شده است. برای اینکه تصویر بهتری از اوج ددمنشی سگان زنجیری حاکم بدست آمده باشد شایان ذکر است که بسیاری از شکنجه‌گاههای مخوف رژیم نظیر زندان خرم‌آباد و بند آسایشگاه اوین و زندان اصفهان و بروجرد، در چهارچوب یورش وحشیانه جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم به زندانیان سیاسی آزاده، تقریباً خالی شده است. بطور نمونه هم‌اکنون در زندان بروجرد که زمانی صدها تن از انقلابیون و مبارزین تحت بدترین شرایط در آن به بند کشیده شده بودند، تنها ۹ نفر باقی مانده‌اند. ابعاد جنایت و وحشیگری مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در قتل عام و کشتار فرزندان اسیر خلق آنقدر گسترده است که بنا به اعترافات خود بوقهای تبلیغاتی رژیم، جمهوری اسلامی که زمانی از کمبود جا برای نگهداری و شکنجه اسرای انقلابی مجبور به انتقال زندانیان سیاسی به خانه‌های امن، هتلها و آپارتمانهای استیجاری میشد، اکنون اعلام کرده است که قصد دارد سیاهاج‌ال مخوف قصر را تبدیل به یکی

جاودان باد خاطره تمامی شهدای بخون خفته خلق!

اقدامات خونبار و ددمنشانه‌ای در جهت قتل عام انقلابیون اسیر و شکنجه شیر زنان و مردان پیکارگر و حتی کودکان بیگناه متوسل میشوند. و تنها آنگاه است که میتوان ترجمان عملی تعریف و تمجیدهای خامنه‌ای از مزدوران آدمکش و شکنجه‌گران جمهوری اسلامی را نیز باز یافت.

آنچه که در فوق شرح رفت شمه کوچکی از اوضاع بغایت مرگباریست که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ظرف ماههای اخیر با یورش سیستماتیک و وحشیانه خویش به زندانیان سیاسی قهرمان و آزاده میهن ما موجد آن شده است. در حقیقت امر حمام خونی که جلادان مزدور جمهوری اسلامی با یورش بیسابقه به انقلابیون کمونیست و مبارزین دربند در راستای انجام وظایف سرکوبگران شان در ماههای اخیر در میهن تحت سلطه ما سازمان داده‌اند اگر عمیقاً مورد بررسی قرار گیرد معلوم میشود که نه نشانه قدر قدرتی حاکمیت بل بیانگر اوج استیصال و درماندگی این رژیم سرکوبگر و ضد خلقی و وحشت بیگران سردمداران آن از انفجار خشم و نفرت انقلابی توده‌های تحت ستم ماست.

تشدید بیسابقه قتل عام زندانیان سیاسی قهرمان و اعمال چشمگیر شکنجه و آزار و اذیت آنان در سیاهچالها، انعکاسی از تشدید بحران مرگبار گریبانگیر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و اوضاع بغایت وخیمی است که سگان زنجیری امپریالیسم در ایران با آن روبرو میباشند این کشتار دهشتناک بیانگر وحشت و هراس مرگبار رژیم جمهوری اسلامی از نهضت آزادیبخش خلق و فوران خشم و نفرت انقلابی کارگران و زحمتکشان به جان آمده ماست. به همین اعتبار هم هست که سردمداران جلاد رژیم در هراس از اوضاع خطرناکی که با آن روبرو شده‌اند، حتی از وجود انقلابیونی که سالهاست در چنگال خونآلود دستگاه سرکوب آنها گرفتار گردیده‌اند نیز هراسان بوده و لذا به این شیوه وحشیانه به قصابی آنها مشغول شده‌اند. اما جلادان مزدور حاکم باید بدانند که دستان انتقام خلق بلند است و هر قطره خون سرخی که از پیکر فرزندان کمونیست و دلاور خلق بدست دژخیمان امپریالیسم، در سیاهچالها و میدانهای تیر بر زمین جاری میشود، موجب بارورتر شدن نهال برومند جنبش انقلابیست. دشمنان خلق باید بدانند که حتی با چنین درنده خوئیهای هم قادر به قلع و قمع انقلاب نخواهند شد. بالاخره آینده محتوم فرا میرسد. آینده روشنی که جنبش انقلابی کارگران و خلقهای ستمدیده، طی آن تمامی بنیادهای سیستم سرکوب و غارت را داغان کرده و با نابودی سلطه امپریالیستی، دیکتاتوری امپریالیستها بر میهنمان را هم برای همیشه به زیالهدان تاریخ پرتاب خواهند کرد. و خون شهدای پاکباز خلق نیز وثیقه‌ایست برای انجام این مهم انقلابی!

سیاسی قهرمان، به جنایات و ستمیهای ضد خلقی خویش بر علیه انقلابیون اسیر باقی مانده، ابعاد بسیار دهشتناکتری بخشیده‌اند. این سگان زنجیری که در اعمال جنایت و وحشیگری هیچ مرزی را نمیشناسند، صرفنظر از اعمال شکنجه‌های جهنمی در حق مردان و زنان کمونیست و آزاده، دامنه اعمال رذیلتانه خود را حتی به کودکان و نوجوانان نیز وسعت داده‌اند. به شکلی که ظرف ماههای اخیر شکنجه وحشیانه کودکان و استفاده از آنان برای اعمال فشارهای هرچه بیشتر بر پدران و مادران آهنگین عزم و در بندشان جهت کسب اطلاعات به یکی از رایج‌ترین شیوه‌های بغایت جنایتکارانه حاکمین وقت بدل گشته است.

در همین رابطه باز هم باید تاکید کرد که وسعت و شدت چنین اعمال ضد خلقی و انعکاس آن در جامعه که باعث نفرت بیش از پیش توده‌های تحت ستم به این جنایات گشته بحدی است که اینک حتی محافل و انجمنهای دست ساز امپریالیستی که رسالتی جز سکوت و لاپوشانی جنایات بیگران امپریالیستها و سگان زنجیریشان در کشورهای تحت سلطه را ندارند و گاه از طریق اعلام جزئی از واقعیات و گرفتارن پز دفاع از دیکراسی و حقوق انسانی عرض اندام میکنند، نیز وادار به اعتراف شده‌اند، به شکلی که "عفو بین الملل کودکان" در یکی از ماهنامه‌های اخیر خود به شکنجه کودکان در ایران اشاره کرده و ضمن مصاحبه‌ای با یکی از کودکان ایرانی در این باره مینویسد "اغلب آنها (یعنی کودکان) ضمن دستگیری والدینشان توسط پاسداران همراه برده میشوند، آنها در زندان شاهد شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی میباشند. بعضی اوقات نیز آنها دستگیر میشوند تا جای والدین فراریشان را لو دهند."

تمامی اعمال دهشت انگیز فوق الذکر توسط دژخیمان و شکنجه‌گران حرفه‌ای شی صورت میگیرد که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با ترمیم و بازسازی ساواک شهنشاهی به نام ساوا ماه طی سالهای اخیر شبکه وسیعی از آنان را در تمام شکنجه‌گاههای مخوف خویش در سراسر کشور گسترانیده است. شکنجه‌گران خون آشام و جلادی که خامنه‌ای رهبر تازه منصوب شده سگان زنجیری امپریالیسم در ایران همین چندی پیش در مراسم "بیعت" با آنان، به تبع از امام معدوم جمهوری اسلامی آنها را "سربازان گمنام امام زمان" و "زحمتکشانی" خواند که در "جبهه" شکنجه و اعدام انقلابیون نقش مهمی را در حفظ و تحکیم پایه‌های حاکمیت امپریالیسم در ایران برعهده دارند.

در بررسی ترجمان عملی این عبارات وقیحانه نیسر، هرگاه از دناشت و بیشرمی پایان ناپذیر خامنه‌ای جلاد در بیان این عبارات بگذریم، و لحظه‌ای در عمق اوضاع وخیم حاکم بر شکنجه‌گاههای امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی، و ابعاد یورش جنایتکارانه و بیسابقه‌ای که این رژیم در ماههای اخیر بر علیه زندانیان سیاسی قهرمان سازمان داده است، دقیق شویم، آنگاه درمیابیم که سرکوبگران حرفه‌ای و جاسوسان کارگشته نظام امپریالیستی و پایه زعم خامنه‌ای تبهکار "سربازان گمنام امام زمان" جمهوری اسلامی، به چه



ای رفیق همزم

من یقین دارم که البرزی دگر -
پر یال عزمان سر انداز
خیل فتنوسی صفت دارد خط سرخ رفیق مسعود
سیاهل‌های دیگر دارد این پیکار

گر حرامی، یار و یارانی دگر گیرد
پونس پیلات، پونس پیلات دگر سازد
غاصبان کار و خون و رنج و گنج خلق
اجتماعی شوم سازند از پی صد حیلہ دیگر
من ترا دارم ترا
- ای حرمت خلقم -
ای رفیق، همسنگر، همدردم

من یقین دارم که فردا
در فراز و در نشیب سیر این تاریخ
پرچم خونین خلقمان
می‌رود با دستهای ما
بر فراز بام آزادی
سوی سوسیالیزم

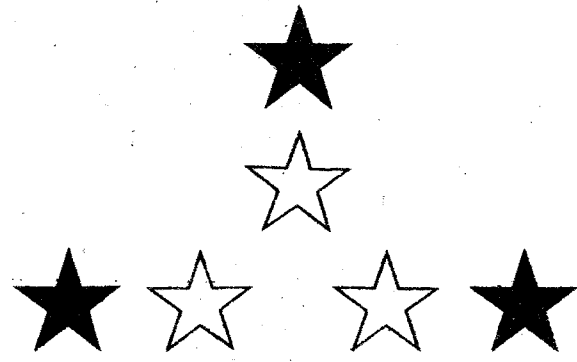
من یقین دارم که بذرِ خونی امروزِ خشم خلق
بر زمین عزمان فردا
بار سبز آرمان خلق می‌آرد
باورم کن
باورم کن
تا سپر گیریم و پتک کارگر -
بر فرق زور و ظلم و سرمایه فرود آریم

باورم کن
یاور خلقی که می‌داند
پشت این اندوه
عزم مردانی است که در رگهایشان
خون سرخ دیگری جاریست .

با تو آسان می‌توان -
این قلعه‌های صعب را رد شد
با تو ای همسنگر عاشق
با تو آری -
من توان کوه خواهم یافت
در خطر پیکار رنج و گنج
معاقد خواهم شد اندر کاخ مزدوران
این سگان پست زنجیری -
اشک لبخندی شوم بر گونه پستوار آزادی
مهر خواهم شد اندر سایه سار مه
دشت‌ها پیموده خواهم رفت
خواهم خواند
صبح پیروزی خلقم را -
بر سواد شهرهای مانده در زنجیر

با تو بی‌تردید، آسان می‌توان -
بر لحظه‌های سخت یا سانگیز غالب شد
و سَمندرِ خویش را -
راند و راند و خواند -
آن سرود فتح سرداران
بر بلند این فلات و جنگل بیدار

خون من جوشیده از شب ناله‌ها و -
رنج محرومان
من براه آرمان خلق -
با تو خواهم بود
گر که مزدوری پس هر ره نهان باشد
چلچلتا باید غروب پونس پیلات زمان باشد



مارکسیسم و انقلاب:

(... درباره روشنفکر)

استدلال است. اسلحه او، معلومات شخصی او، استعداد شخصی او و معتقدات شخصی اوست. او فقط در سایه صفات شخصی خود میتواند اهمیت معینی پیدا کند. به این جهت آزادی کامل ابراز شخصیت خود برای او نخستین شرط کار موفقیت آمیز را تشکیل میدهد. اگر او بعنوان يك جزئی که در خدمت کل است مطیع يك واحد کل معینی میباشد بزحمت و بحکم ضرورت به این اطاعت تن در میدهد نه بر حسب انگیزه شخصی. او ضرورت انضباط را فقط برای توده قائل است نه برای برگزیدگان. خودش را هم که بدیهیست جزو برگزیدگان می شمارد...

... فلسفه نیچه با ستایش آن از ما فوق انسان که تمام همش مصروف اینست که ترقی کامل شخص خود را تا مین نماید و هر نوع تبعیت شخصی خود را از هر هدف اجتماعی بزرگه بپست و حقیر می شمارد. فلسفه ایست که جهان بینی واقعی روشنفکر را تشکیل میدهد. این فلسفه او را بکلی برای شرکت در مبارزه طبقاتی پرولتاریا بی مصرف میکند.

در ردیف نیچه ایبسن قرار ندرده که مبرزترین نمایندگان جهان بینی روشنفکران یعنی جهان بینی است که با روحیه آنان مطابقت ندرده. دکتر اشتوکمان او (پهلوان درام "نهمین مردم") آنطور که عده زیادی تصور میکردند سوسیالیست نیست، بلکه تیپ روشنفکری است که ناگزیر باید با جنبش پرولتاریائی و بطور کلی با هر نوع جنبش توده ای، در صورتیکه بکوشد در آن وارد عمل شود. تمام پیدا کننده این بدان علت است که اساس جنبش پرولتاریائی، مانند هر گونه جنبش دموکراتیک عبارت است از احترام نسبت به اکثریت رفقا. روشنفکر تیپیک اشتوکمان "اکثریت متراکم" راهپولاشی میدانند که باید سرنگون شود.

... نمونه ایده آل روشنفکری که سراپای وجودش را روح پرولتاریائی فرا گرفته است و در عین حال که نویسنده درخشانی است آن خاص روحی را که دارای جنبه صرفاً روشنفکریت است از ست ناده است. بدون غرولند در مفسوف و خطوط گام برداشته است. در هر شغلی که او را گماشته اند کار کرده و خود را تمام و کمال تابع راه بزرگ مانوده است و به آن ضجه و زاری مذبحوانه (Weiches Gewihser) در مورد اختناق شخصیت خود، که ما اغلب از روشنفکران مکتب ایبسن و نیچه در موقعی که به اقلیت میافتند می شنویم. با نظر حقارت مینگریست. نمونه ایده آل چنین روشنفکری که نظائسری برای جنبش سوسیالیستی ضرورت دارند. لیکن سخت بود. اینجا میتوان مارکس راهم نام برد که برای بدست آوردن نخستین مقام تلاشی نمیکرد و نمونه برجسته اطاعت از انضباط حزبی در انترناسیونال بود که در آن بارها در اقلیت افتاد.

(منتخب آثار لنین. یک گام به پیش،

دو گام به پس ص ۱۹۷ و ۱۹۸)

... "در حال حاضر باز مسئله تضاد خصومت آمیز بین روشنفکران و پرولتاریا جدا نظر ما را بخود جلب مینماید. همکاران من" (کائوتسکی خودش روشنفکر، ائیب و سر دبیر روزنامه است) چه بسا خصمگین خواهند شد از اینکه من وجود این تضاد را تصدیق مینمایم. ولی بالاخره این تضاد واقعا هم وجود دارد و اگر بخواهیم بانفی واقعیت گریبان خود را از آن خلاص نمائیم، این يك تاكتيك فوق العاده غیر عقلانی خواهد بود (چه در این مورد وجه در موارد دیگر). این تضاد تضادی اجتماعیست که در طبقات بروز میکند نه در شخصتهای جداگانه. هم سرمایه دار و هم روشنفکر هر دو ممکن است از هر حیث در مبارزه طبقاتی پرولتاریا داخل شوند. در مواردیکه این موضوع صورت وقوع پیدا می کند روشنفکر خصلت خود را نیز تغییر میدهد. و در شرح بعدی مطلب سخن ما بطور عمده در باره این نوع روشنفکرها که تاکنون هم هنوز در بین طبقه خود در حکم استثنا هستند، نخواهد بود. در شرح بعدی به استثنا مواردی که اختصا قید شده باشد منظور من از روشنفکر فقط روشنفکر معمولیست که به جامعه سرمایه داری متکی است و نماینده شاخص طبقه روشنفکر است. این طبقه با پرولتاریا تضاد معینی ندرده.

این تضاد نوعی با تضاد بین کار و سرمایه متفاوتست. روشنفکر - سرمایه دار نیست. صحیح است که وضع زندگی وی يك وضع بورژوازیست و ما نامکه به هرزه گرد تبدیل نشده است مجبور است این وضع را حفظ کند، ولی در عین حال او مجبور است محصول کار خود و اغلب نیروی کار خود را نیز بفروشد و چه بسا متحمل استثمار از طرف سرمایه دار و خفت و خواری اجتماعی معینی نیز بشود. بدین طریق روشنفکر با پرولتاریا هیچگونه تضاد اقتصادی ندرده. ولی وضعیت زندگی او و شرایط کارش پرولتاریائی نیست و از اینجاست که تضاد معینی از لحاظ روحیه و طرز تفکر ناشی میشود.

پرولتار - ما نامکه فرد منفرد و مجزائیست - هیچ است... او تمام نیروی خود، تمام استعداد خود را برای ترقی و پیشرفت و تمام امیدها و آرزوهای خود را از سازمان و فعالیت مشترک و منظم با رفقای کسب مینماید. او وقتی خود را عظیم و نیرومند حس میکند که قسمتی از پیکر عظیم و نیرومندی را تشکیل میدهد. این پیکر برای وی در حکم همه چیز است ولی فرد منفرد و مجزا نسبت به آن بسیار کوچک است. پرولتاریا با بزرگترین جانفانیها و مانند جزئی از توده بی نام بدون منظورهائی برای نفع شخصی و برای اشتها شخصی مبارزه میکند و وظیفه خود را در هر شغلی و هر جائیکه او را بگمارند انجام میدهد و ناوطلبانه مطیع انضباطی است که در تمام احساسات و تمام تفکر او رخنه کرده است. ولی وضع روشنفکر بکلی طور دیگرست. مبارزه او از طریق بکار بردن نیرو بنحوی از آنها نیست بلکه از راه

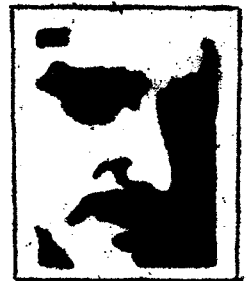
جاودان یاد خاطره چریک فدائی خلق، رفیق امیرپرویز پویان، یکی از بنیانگذاران کبیر سازمان چریکهای فدائی خلق و دو تن از همزمانش رفقا اسکندر مادی نژاد و رحمت الله پیروندیری که در سوم خرداد سال ۱۳۵۰ طی نبردی قهرمانانه با مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم شاه در راه انقلاب آزادبخش خلقهای تحت ستم میهنمان به شهادت رسیدند.



”من این گل را
می شناسم“



چریک فدائی خلق رفیق
شهید رحمت الله پیروندیری



چریک فدائی خلق رفیق
شهید اسکندر مادی نژاد

رها کنید مرا رها کنید شانه و بازویم

رها کنید مرا تا ببینم

من این گل را می شناسم

من با این گل سرخ در قهوه خانه ها نشسته ام

من به این گل سرخ در میدان راه آهن سلام داده ام

آ.....آ

من این گل سرخ را می شناسم

شعارهایی بر علیه پناهندگان خارجی می کنند. در تداوم این حرکات، شب، بعد نیز افراد مزبور به منظور قتل پناهنده ایرانی به خانه فرد مذکور تیراندازی کرده که خوشبختانه او جان سالم به در می برد. و پلیس منطقه را در جریان میگذارد. پلیس امپریالیستی دولت نروژ نیز عمداً یک تاخیر ۲۵ دقیقه ای به محل حادثه آمده و از انجام هرگونه اقدام لازم و پیگیری قضیه خودداری مینماید.

شایان ذکر است که دارو دسته های راست افراطی در نروژ، عامل اساسی تشدید بحران امپریالیستی گریبانگیر دولت نروژ و به موازات آن رشد و گسترش چشمگیر فقر و بیکاری و غیره در این کشور را ناشی از حضور پناهندگان "خارجی" در نروژ دانسته و به همین دلیل پوشارلین و غیره اقدامی از هر فرصتی در جهت ایجاد فشار و تفتیقات و تبلیغات بر علیه آنان استفاده می کنند که نمونه سوه قصد به جان پناهنده ایرانی فوق الذکر نیز در این راستا صورت پذیرفته است.

سوه قصد به جان یک هموطن پناهنده در نروژ

در تاریخ ۲۸ ماه می، در مرکز منطقه Pihgsaper نروژ، در محله هایی که عمدتاً محل استقرار پناهندگان ایرانی و ویتنامی در این شهر می باشد، توسط دارو دسته های احزاب راست افراطی نروژ (راسیستها) به جان یکی از هموطنان پناهنده ما سوه قصد شد.

قضیه از این قرار بود که پس از چند روز تشدید تحریکات راستهای افراطی در نروژ بر علیه پناهندگان ایرانی و ویتنامی پس از آنکه جلسه ای که حزب حاکم نروژ در تاریخ ۲۷ می به منظور بررسی این مساله تشکیل داده بود، به نفع راسیستها خاتمه یافت، اوضاع شهر متشنج شده و هواداران احزاب راست با مفتاح شرمند فرصت با اتومبیل و موتور شروع به مانور دادن در محله های پناهندگان و سردادن

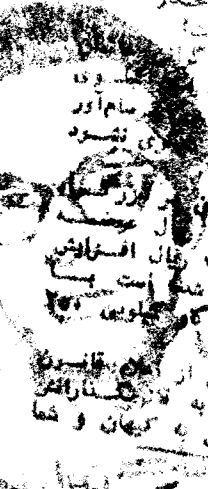
گفته‌ها و نکته‌ها

طی ماه گذشته: راندگان متخلف تهرانی ۱۴ میلیون تومان جریمه پرداخت کردند



شبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۳۱

تغذیه قانون مبارزه با گرانروشی
عامل گرانی شود
خود



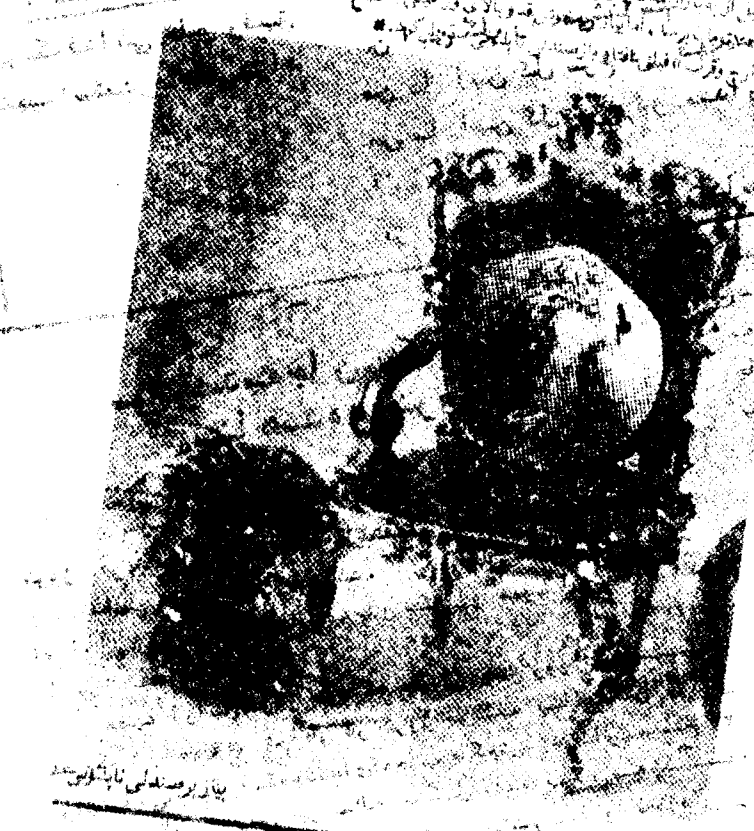
تغذیه قانون مبارزه با گرانروشی
عامل گرانی شود
خود



۲۰۰ هزار تن محصول عکس یادگاری «دوران گرانی پاز»

بعلت نبودن صنایع تبدیلی
۲۰۰ هزار تن محصول عکس یادگاری «دوران گرانی پاز»

بعلت نبودن صنایع تبدیلی
۲۰۰ هزار تن محصول عکس یادگاری «دوران گرانی پاز»



سیب امسال کشور نابود شد

شهد: بعلت عدم امکانات موجود در صنایع تبدیلی
احدود ۲۰۰ هزار تن سیب درختی پائیزه در باغات کشور من
ساختاری نابود شد که از طی معادل ۴ میلیارد ریال تجارت

بلفات بیماری وبا در آذربایجان غربی به ۴ نفر رسید

اروغه - خبرنگار میهمان
بلفات بیماری وبا در آذربایجان غربی به ۴ نفر رسید
بلفات بیماری وبا در آذربایجان غربی به ۴ نفر رسید



ویژه خواهران!

است الان بدون احتیاط و ترس باید کتاب سر ریخته موسیقی هم، زن ایرانی باید شروع بداندگی کند. غایب زنان، موسیقیدان، نوازنده، خواننده، شاعر و نویسنده خوبی داشته باشید...

حجی الاسلام محمدجواد حجی کرمانی

۲- در گذشته در محافل اقتصادی خانوادگی استفاده شده و در آینده نیز می شود ولی در مورد پاسخگویی باید بگویم چیزی ندارم و بسیار مظهر بوده و نادر آینده چنین برنامه هایی خواهیم داشت ...

مدیرعامل صدا و سیما

حراید ۰۱۰۷۱۰۱۰۲۷

قسمت اول: ویژه خواهران است، لطفاً آنرا برادران مطالعه نمایند.

قسمت دوم: ویژه برادران است، لطفاً آنرا خواهران مطالعه نمایند.

نتیجه اینکه خواهران حتی باز در تکمیل آن کنند اما نه در ادب و تأثیر بیرون (۱) در سیر حال خلق ندارند تکمیل آن کنند حتی در بافتن و پاره های مربوطه! مصحح رضا کیمیا

اطلاعات هشتم خرداد ۱۳۶۸
دوستانه

آقای کردی در پاسخگویی به سئوالات حضرتان...
بهرمان خورای بازگویی عنوان اساسی، جهت ضرورت...
آقای مسئولیت از سوی امام تشخص داده شد. امام...
اصول قابل بحث را در چند مورد مطرح کردند و...
تجربا در مورد اصول رهبری توسعه فرمودند که رهبری...
خواهری باشد و رهبر مجتهد عادل، اطمینان و تدبیر به...
انتخاب مجلس خبرگان باشد.

حجت الاسلام کردی، سپس به توضیح برخی از...
موضوعات مطرح کرد که در این سبب گرایش به مجلس...
انتخاباتی که در مجلس برادری و تفکر شد. البته آن...
در مجلس توانست کلهای سونو را در زمین تعیین کند...
برای طیف گسترده، چهار گروه و پنج دسته طیف...
کلیات برادران.



کتابخانه ۲ اردیبهشت ۱۳۶۸
۱۶ رضان ۱۶۰۹
۱۶۸۹

ادوار تاریخ؟

چونکه اصالتاً لایم، دستور فرمودید که عریضه ما را به...
تاریخ از اسلام مختصر بودم، چشم به تسلیل یکدوره از تاریخ ایران...
اجتماعی مربوط به کلاس چهارم ابتدایی آمده است. فرزندی...
مستقیم و دشوار سنگت بر دوش مردم شناسا بود و آنان در...
امانیات می برداختند اما کبر از همه از نمنهای خدادادی...
کشور استفاده می کردند. لطفاً بفرمائید ما در چه دوره ای...
زندگی می کنیم؟

ما خارج از دوره های تاریخ هستیم! تهران - ایوانود

۲ دانش آموز در سراب خودکشی کردند

یکشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۶۸

کارمندی با پریدن از طبقه نهم اداره اش خودکشی کرد

یکی از کارمندان شرکت مخابرات رور شام با پریدن از طبقه نهم ساختمان شماره دو مخابرات واقع در سید خندان افتاد به خودکشی کرد.

یکی از همکاران نامبرده تبرایون چکری این حادثه دلخراش به خبرنگار ما گفت: «معمده دیروز حادثه از دروازه گو و فقر شکایت می کرد و مسئولان عواظ و تدبیر بود که لایب بر سر خود نیارند و پس از آن در یک فرصت آن حسن کارشناسی واقع بر طبقه نهم طبقه نهم می آید و از آنها خود را پرتاب برتاب می کنند»

همین گزارش حاکیست و رساننده نامبرده از مسئولان گفت شد که در آن به ۲۰۰ هزار تومان بدی و ایراد که مسوول بانک ماه پیش برانی بیمار بود کرده اشاره شده است. در این وقت نامه آمده است: «متکلم می فرماید که در این برای درمان مسوول اقدامات نگردانند و با شنیدن خبرها از بیجهتانه مجازات می کلیم»

گزیده هائیکه از رادیو صدای چریکها

تبلیغات عوامفریبانه رژیم دربار

عقل اعتماد از نظر

دیپلومرک خمینی مزدور طرفداری خمینی معدوم از

کارگران

(۶۸/۳/۱۵)

(۶۸/۳/۱۶)

(۶۸/۳/۳۱)

امروز رادیوی بیژن سوار دولتی، در پیش خبری بعد از ظهر خود اعلام کرد که در تهران دیگر رادیو تبریز به جرم قاچاق مواد مخدر هر ساله عام به جویبار آویخته است. اکنون شك این اقدام جمهوری اسلامی در چهارجوب تشدید تانکها سرکوبگرانه رژیم وابسته به امپریالیسم چاکم بر علیه توده های تحت ستم میباشد، بطوریکه زیر پوشش مبارزه با قاچاق این رادیو قاچاقی طرف هفته اخیر مجموعاً ۳۳ تن از نیروهای نظامی و امنیتی را در نقاط مختلف کشور در ملا عام بساز آویخته است. این عده از آغاز خرداد ماه تاکنون در شهرهای کرمانشاه، واهگان، کرمان، همدان، هراز، کازرون، مرو، بندر، سمان شهر، فیروزآباد، تهر، استان و گوار و تبریز در جلوی ساختمان مردم بیدار آویخته شده اند. همانطور که میدانیم اعتماد مواد مخدر در بین جوانان یکی از بلائینی است که در کنار هزاران مشکل و مصیبت دیگر اجتماعی در حاکمیت جمهوری اسلامی بر میهن تحت سلطه مان سندنسی میکند. اعتماد به این مواد هر روز بیش از پیش گسترده یافته و هر روز تعداد بیشتر دیگری از جوانان را به کام خود میکشد و این امر باعث نارنجایی شدید زحمتکشان کشورمان گردیده است. اعتراضات توده ها در این مورد بعدی است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را به هراس انداخته و سردمداران مزدورش برای خفتی کردن و خاموش کردن اعتراضات توده ای به تکاپو در صفحه ۲۷

روز شنبه هفته جاری رادیوی تبریز در بعضی از برنامه های ضد خلقی که آن را به کارگران اختصاص داده و از طریق آن تلاش می کند تا کارگران را با تبلیغات پوچ و تو خالی سرگرم نماید و در این برنامه جهت فریب و تحقیر کارگران از بخش هیچ گونه یاوهای ایضائی استفاده بار دیگر به فریبکاری پرداخته و در همین رابطه در حالی که مرگ خمینی جلالت موجب از شادی را در میان کارگزاران و زحمتکشان باعث گردیده، رادیوی رژیم خود بر علیه مزدور یعنی کار و کارگر باسوز در برابر واقع مرگ این سگ زنجیری امپریالیسم کوشید تا از خمینی یک چهره طرفدار کارگر و طرفدار به اصطلاح مستضعفین ترسیم نماید که گویا دشمن سرمایه داران زالو صفت بوده است.

البته هر کارگر آگاه و مبارز که به این برنامه گوش کرده باشد این واقعیت کتمان ناپذیر را تأیید می کند که در تمامی طول حاکمیت فئودال رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و حیات فزاینده و جنایت بار خمینی در اس این رژیم ضد کارگری، نمی توان قریبنه ای پیدا کرد که این انبای تهوع آور و نروغین رژیم و بلندگوهای ضد خلقی اش مبنی بر طرفداری خمینی مزدور از کارگران ستم دیده را به اثبات رسانند؛ چرا که کارگران آگاه و مبارز ما بغوی ترک و لمس نموده اند که این رژیم

مرگ خمینی مزدور واکند های متفاوتی را در بین نیروها و جریانات مختلف برانگیخته است. در این میان به ترک واصل شدن این سگ زنجیری امپریالیسم به موقعیت بسیار مناسبی برای بلندگوهای تبلیغات امپریالیست های جنایتکار بدل گشته تا بار دیگر بکوشند موجی از آینده های عوامفریبانه و ضد خلقی را برای فریب توده های سرور از مرگ این مزدور به افکار عمومی تزویج نمایند. اگر سراسر زندگی ننگین يك دهه اخیر این تبهارترین جانی تاریخ این خدمت گذاری و چکمه لیس امپریالیست و پیشبرد منافع و اهداف غارتگرانه سرمایه داران جهانی گفته، مرگ این سگ وفادار امپریالیست ها و جلا د خون آشام خلق های میهن مان نیز می باید در خدمت همان منافع ضد خلقی ای که در طول يك دهه گذشته به او زندگی و موجودیت بخشیده بودند قرار می گرفت. به همین خاطر است که در ۲۴ ساعت اخیر در اکثر تبلیغاتی که از بلندگوهای خبر پراکنی امپریالیستی در رابطه با مرگ خمینی تبهار کار بخش می گردد سعی بر این است که از این جنایتکار ضد خلقی و سگ باسیان امپریالیست ها به تروخ چهره يك شخصیت ضد امپریالیست و ضد آمریکایی در نزد توده های به جان آمده تصویر گردد، چرا که اصولاً خمینی صرفاً يك فرد نبود او بیانگر يك جریان و تجلی

در صفحه ۲۵

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها

یکی از مخوفترین سببهای نواستعماری امپریالیسم برعلیه کارگران و خلقهای ستمدیده و بویژه جنبش انقلابی انسان بود. بنابراین با مرگ این مزدور از آنجا که آنچه را که او نمایندگی میکرد یعنی دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر میهن مان همچنان به قوت خویش باقی است پس تطهیر شخصیت سیاسی خمینیستی مزدور و دمیدن روح خدا میریالیستی در کالبد مرده او بویژه در شرایطی که امپریالیستها میگویند تا حد ممکن این رژیم مطالب و ضد خلقی خویش را حفظ کنند، توسط بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی بخشی از جریان حساب شده است که سالهاست برای فریب و بهانه خراف بردن افکار عمومی و لایوشافی چهره کثیف امپریالیستها در ورای قبا ی خمینی جانی صورت میگیرد. بهبود نیست که تمامی همپالگیها و توجههای ریز و نرست امام معدوم و جنایتکار از اکبرشاه گرفته تا خامنه‌ای و سید احمد و ... در اعلامیه‌های ضد خلقی شان بعد از مرگ خمینی جنایتکار سعی کردند که از او، پتی سازند و جملگی تاکید نمودند که زاهدترین انسان باقی است و آنها به مثابه گلزن چیری امپریالیسم موظف بیه تسلیم و بی‌مردن آن راه چینی هستند، به همین خاطر هم هست که از نیروز تا کنون ارکستر متذکلی از بلندگوهای خبری امپریالیستی و اعوان و انصارشان با به پای تبلیغات جهتمی رژیم مزدور جمهوری اسلامی مشغول نواختن زمزمه‌های ضد خلقی ای و در مدح شخصیت به اصطلاح ضد امپریالیستی این مهره وابسته به امپریالیسم و ساختن تاریخچه‌های مبارزاتی آنچنانی برای خمینی مزدور و توصیف شاهکارهای ضد آمریکائی و ضد اروپائی این سنگ زنجیری هستند. اما به رغم یرده ساتری که در ورای این کار زار تبلیغاتی ضد خلقی امپریالیسم و برای فریب انهان خلق‌های آگاه ما بر چهره مرده خمینی مزدور کبیده شده است توده‌های مبارز و با تجربه میهن مان، اکنون دیگر بخوبی میدانند که هیچیک از اوجیف موجود در تبلیغات جاری که میگویند از چهره کثیف خمینی يك به اصطلاح ناجسی خلق‌های ستمدیده و قهرمان ضد امپریالیست سازند، حقیقت نداشته و ندارد، و دلیل این مدعا نیز شور و وجد

وسیعی است که از مرگ این سنگ چکمه‌لیس و قهرمان یادکنکی امپریالیستها سراسر جامعه ما را فرا گرفته است. چرا که کارگران و خلق‌های آگاه ما بخوبی میدانند که خمینی مزدور و رژیم ضد خلقی اش چگونه و در چه شرایطی و بسا حمایت‌های ستانی بر سر کار گمارده شد، و در تمام طول این مدت در راه و خدمت به چه منافع ضد خلقی ای گام برداشت. واقعیت این است که امولا نقش و نسام خمینی جنایتکار در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های تحت‌تسم ما در دهه ۵۰ هنگامی طرح گردید که بسا حدت یا بی بحران امپریالیستی، نظام سرمایه‌داری وابسته ایران و دیکتاتوری مزدور پهلوی که ۵۰ سال بر جان و مال خلق‌های ما حکم می‌راند را بکنان عمیقی فرا گرفته بود. جنبش انقلابی توده‌های تحت‌تسم که در اثر مطالب سلطه امپریالیستی و بخصوص تحت تاثیر سالها مبارزه مسلحانه و دلیرانه پیشگامان انقلابی اش در بطن این بحران در صفوف میلیونی به میدان کبیده شده بود، دیگر به هیچ رو دیکتاتوری امپریالیستی شاه و سلطه اربابان را نمی‌پذیرفت. چنین شرایطی و در حالیکه رژیم مزدور شاه با استفاده از نهایت امکانات سرکوبگرانه و تمهیدات مختلف نتوانسته بود این جنبش بنیان برافکن ضد امپریالیستی را منکوب ساخته و از میدان بدر کرده امر مهار و کنترل این سيل خروشان برای امپریالیست‌های جنایتکار به يك معضل بسیار بسزرگ در ایران تبدیل گشته بود. با توجه به همه این مسائل سلطه امپریالیستی ضمن آن که میرفت تا با خطرات جدی از جانب جنبش توده‌های به جان آمده روبرو گردد و در شرایطی که به هیچ رو نتوانسته بود با سرکوب مستقیم از دامنه و ابعاد این جنبش بنیان برافکن بکاهد به فکر نفوذ در ترون صفوف این جنبش و به انحراف کشاندن مسیر آن و در يك کلام تلاشی این نهضت از ترون آن افتاد. اهمیت و کارآئی این تاکتیک محیانه و ضد انقلابی از سوی امپریالیست‌ها در آن زمان را آنگاه می‌توان برک کرد که در باسیم جنبش انقلابی کارگران و خلق‌های به جان آمده ما بر ضد رژیم سلطنتی شاه در سال‌های ۵۷ - ۵۶ در عین حال که از دامنه بسیار وسیع و عمیقی برخوردار بود در همان

حال جنبشی متشکل با رهبری پرولتاری نبود، در همین رابطه جریدهای فدائی خلق که راه و شعارهای شان همیشه و در همه جا در صفوف میلیونی تظاهر کنندگان ضد شاه ظنین می‌افکند خود به خاطر تحمل ضربات فراوان از دیکتاتوری امپریالیستی و همچنین بخاطر خیانت رهبران اکثریتی سازمان فاقد آن قدرت لازم برای هدایت درست و صحیح جنبش بودند. به همین اعتبار جنبش انقلابی توده‌های تحت‌تسم با وجود نارا بسودن بقائیل مبارزاتی بسیار بالا فاقد يك آلترناتیو مشخص پس از سرنگونی رژیم شاه بود. در چنین چهار چوبی بود که امپریالیست‌های جنایتکار دست به کار توطئه برای فروپاشی این جنبش از ترون شدند و با توجه به امکانات و قدرت فراوان خود در همه زمینه‌ها بلافاصله در صدد سوار نمودن آلترناتیو ضد خلقی خود بر امواج جنبش قهرمانانه خلق گیتعه عیسی جنایتکار و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی حصول این تاکتیک به غایت عوامفریبانه برعلیه خلق‌های ما بودند.

توده‌های آگاه و مبارز ما بیاد دارند که چگونه در آن سالها و در شرایطی که در لحظات سخت مبارزه، خمینی جنایتکار همچنان گویه عزلت برگزیده و بيك فسیل سیاسی شبیه بود، در همان حال تحت تاثیر جانیازی‌های فرزندان کمونیست و مبارز خلق در همه جا شمارهای ایران را سراسر سیا هکل می‌کنیم، و تنها ره رهائی سرخ فدایی، در صفوف تظاهرات میلیونی توده‌های خلق لرزه می‌افکند. در چنین شرایطی بود که به يك باره سر و کله این مزدور پیدا شد و ایشان به فرانسه منتقل گشته و از آنجا به کنترل از راه دور جنبش ضد امپریالیستی خلق که در دانشگاه‌ها و خیابان‌ها و در زیر چکمه‌های سرکوبگر ارتش امپریالیستی در میدان‌های انقلاب شهید می‌داد و بیکر ش غرق خون می‌شد، پرداختند.

تا آن موقع قدرت می‌توان کسی را بخصوص از نسل جوان و پرشوری که استخوان بندی اصلی مبارزات ضد امپریالیستی آن سال‌ها را تشکیل می‌دادند یافت که حتی اسم خمینی مزدور را هم شنیده باشد. اما با وجود تمامی

آینها از آن لحظه به بعد امپریالیستهای جنایتکار بمبارات نقشه از پیش تعیین شده خویش در کنفرانس گوانولسوپ برای تعرض به جنبش توده‌ها شروع به دستنبرد در پیگیر فرتوت خمینی و ناراستی ضد خلقی اثر نموده و امکانات بسیاری را در اختیار او قرار دادند و در همه جا به ناحق او را رهبر جنبش ضد امپریالیستی خلق بیجا خاسته و در زنجیر ایران بر علیه دیکتاتور شاه مزدور خواندند. بیپرونده نبود که در خلیلکده نمرودهای سرکوبگر امپریالیستی رژیم شاه همواره مواظب بودند که کوچکترین تجمیع انقلابی توده‌ها در آن نوره را که بویژه تحت رهبری سازمان های انقلابی و تبلیغ خلق در دانشگاه ها و غیره برپا می گهست بدینجا سرکوب نمایند در همان حال در متاپیر و مساجد و تکایا آخوندهای گداز منق و روضه خوان را آزاد می گذاشتند که تبلیغ مواضع فریبکارانه ضد خلقی خمینی مزدور و رژیم جمهوری اسلامی را نمایند و حتی در مواردی ساواک را سا به بخش اعلامیه های فریبکارانه ای که از سوی خمینی مزدور در نوفل لوشاتو صادر می گشت می پیرنابخت و طوفان تبلیغات امپریالیستی در همه جا مشغول تخریب این رهبری نار و سسته خمینی مزدور بر جنبش حق طلبانه جاری در تهران توده های به جان آمده و بیجا خاسته بودند در چنین شرایطی جناب خمینی مزدور به عنوان به اصطلاح رهبر قیام خلق در همه جا مواظب بودند که نامنه جنبش توده های تحت ستم مبادا از کنترل اربابان امپریالیست شان خارج شده و ضربات بیشتری به متافع سلطه امپریالیستی در ایران وارد شود.

این فاکتورها و نهاد نمونه بزرگ و کوچک دیگر تماما از بهیضت توطئه های خبر می دادند که توسط امپریالیست ها و به سرمداری خمینی خود فروخته بر علیه جنبش توده ها در حال تکوین بود.

سرانجام نیز در مقطع قیام خونین و دلارانه توده های خلق در ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷ در حالیکه امپریالیست ها بایکبارگهری تمامی تمهیدات خویش سمسی در جلوگیری از آن داشته و در صدد انتقال مسالمت جویانه قدرت از دست مسک زنجیری شان یعنی رژیم شاه بدست مسک زنجیری دیگر شان یعنی رژیم جمهوری

اسلامی بودند و به هیچ رو انتظار قیام خونین در آن روزها را نداشته اند باز هم این خمینی جلا و سرسپرده بود که نقش ضد انقلابی خویش را در آن روزها ایفا کرد. وی با آغاز قیام خونین ۲۱ و ۲۲ بهمن سراسیمه به توده های میلیونی ای که بسیار جلوتر از چنین نا رهبرانی در آن روزها سلاح بدست گرفته و مشغول تصرف با دگانه ها و مراکز سرکوب و ستم امپریالیستی بودند فریاد برآورد که سلاح را به زمین بگذارید و بسا خنده های شان برگردید چرا که از توش امپریالیستی به اصطلاح بر اثر شما است گویا گرگ توبه نموده و با خلق از ترس این درآمده است. انقلاب به توده ها آموخته بود که باید برای از بین بردن رژیم دشمنان شان یعنی امپریالیست ها و رژیم وابسته به آن سلاح بدست بگیرند و با یکبار قهرآمیز پایه های ستمگری امپریالیست ها را تا بود کنند اما خمینی جنایتکار به توده ها می گفت که بسایند سلاح را بر زمین گذارند. انقلاب به توده ها آموخته بود که ارتش امپریالیستی و سایر دنیا لجه های سرکوبگر نظیر ژاندارمری و شهرتانی و ساواک و غیره ستون فقرات و پایه های اصلی حیات امپریالیست ها و رژیم مزدور شاه بر علیه خلق ها هستند و ولی خمینی مزدور به مردم می گفت که ارتش بر اثر شماست و آنرا بازسازی نموده و ساواکها را با عوض کردن جل برگان در قالب ساواکا و رژیم خویش به کار می گماشت. و بالاخره انقلاب به توده ها آموخته بود که هنوز کار تمام نشده است و فقط شاه مزدور به زیاده نان تاریخ پرتاب شده و امر انقلاب باید تا فرجام نهائی یعنی برکندن سلطه اربابان شاه ادامه یابد ولی خمینی جنایتکار به آنها می گفت که دیگر انقلاب تمام شده و باید مردم به خانه ها یحان برگردند.

بله! خمینی مزدور این سگ وفادار امپریالیست ها این چنین بود که از احساسات پاک مبارزاتی و اعتماد مردم قهرمان به خویش استفاده کرد و بر موج قیام دلارانه خلق ها سوار شد و آنرا به انحراف کشید و بخاطر همین خدماتش بود که امپریالیست های جنایتکار موفق به بهیضد یکی از مهم ترین برنامه های ضد خلقی خویش در سرکوب جنبش دلارانه خلق های ایران یعنی عظیم ترین جنبش

موجود در خاورمیانه که جزیره ثبات و آرامش آنها را در آن سالها طوفانی کرده شدند. خمینی جنایتکار در میان طوفانی از عمارهای عوام فریبانه ضد امپریالیستی پایان کار رژیم شاه و آغاز حیات جمهوری اسلامی ضد خلقی را اعلام نموده اما آنچه که همچنان در زیر زهر خند امپریالیست های زخم خورده و در زیر چکمه های خونین خمینی رذل و رژیمش حتی در همان زمان یعنی در اولین روزهای حکومت جمهوری اسلامی در حال لگد مال شدن بود خواستهای واهی ضد امپریالیستی و آرمانهای رهاکمی بخش جنبش توده های بیجا خاسته ای بود که در طول مبارزات قهرمانانه خویش متعطل ۷۰ هزار شهید و دهها هزار مجروح شده بودند. بیپرونده نبود که سرکوبان جنبش دلارانه خلق های بیجا خاسته ها و پسم از استقرا و ضد خلقی جمهوری اسلامی و خمینی جلا در رأس آن بر پایان قیام کارتر این چهره فداخته شده امپریالیست در بخشی از بیانات ضد خلقی اثر جمله ای را با این مفهوم ادا کرد که ما در ایران کاری کردیم که ایرانی ها ۲۰ سال بعد مفهوم آنرا خواهند فهمید.

اما جز خلاصه ای و گویی های این کارگزار امپریالیست، توده های تحت ستم به وجود نمی عوام فریبی خمینی رذل و اربابان امپریالیستش خیلی زود ماهیت خمینی مزدور به عنوان سگ زنجیری جدید امپریالیست و رژیم ضد خلقی اش را در جریان عمل شناختند و فهمیدند که این مهره کثیف نیز از قماش مزدورانی نظیر شاه است که هدفی جز برآوردن ساختن اهداف امپریالیست ها و ثداوم سلطه غارتگرانه و سرکوبگرانه آنها بر علیه کارگران و توده های تحت ستم نداشته و نخواهد داشت. و گواه کسب این آگاهی انقلابی نیز حرکت فرزندان آگاه و مبارز خلق در جبهه مبارزه ای است که سالهاست بطور قهرآمیز بر علیه خمینی مزدور و رژیم وابسته به امپریالیستش ادامه دارد. با توجه به تمامی این مسائل بدیهی است که میتوان فهمید، اکنون نهال پس از این تاکتیک سیلانیه نواستعماری که خمینی رذل و جنایتکار در طول حیات زندگیش مظهر و تجلی کثافات آن بر علیه خلق های زحمتکش

بوده دیگر باور تبلیغات رنیلانه در باب ضد امپریالیست بودن این مهره مزدور از نظر توده‌های آگاه تاجه حد منجره است. از نظر توده‌های آگاه و مبارز برغم تبلیغات وینمی که امپریالیستها پس از مرگ عمینی این سنگ و فلک نار و زنجیری‌شان در مفتح محسوست به اصطلاح ضد امپریالیستی ضد امپریالیستی او براه انداخته اند و هم اکنون نیز در عبور آن می‌نمده زندگی و مرگ امینی جانی با لفظه در خدمت یکی از کثیف‌ترین و محانت‌کارترین دیکتاتورهای وابسته به امپریالیسم بوده است. و درست به همین خاطر است که مرگ عمینی بعنوان یک دیکتاتور مزدور موجب از سرور و خوشحالی را در میان کارگران و خلقهای زحمتکش ما نام زده و لیخند شادی را بر لبان‌شان نشاند است.

۱۷ آن را بسیار زیاده‌تر از آنچه قبلا گفته شده بود اعلام کرده و می‌نویسد که ۱۴/۵ میلیون نفر بالای ۲۰ سال در بیکاری و بیکاری مخفی بسر می‌برند و روزنامه اپرار ۲۱ فوروردین ماه سال جاری می‌نویسد که تنها در شهر همدان بیش از ۱۲ هزار کلرگر بیکار ساختمانی وجود دارد.

اینهمه‌سند جنایتکارانه دیگری از طرفداری عمینی خون‌آغام و معدوم‌ان کلرگران محروم و در زنجیر میهن مان! در همین حال در روز پاره کیهان ۲۹ دی ماه ۶۷ نیز با اشاره به گوشه‌های از ظایعات ناخی از بیکاری میلیون‌ها نیروهای انسانی کشور می‌نویسد که "بدلیل بچران از روی تمنا دی‌روزی به به تعطیلی کشیده شده ۳۰۰ هزار نفر بی‌اعتراف به اجراج کارگران از کارخانه‌ها که توسط رژیم جاسوسانه ایران اجراج گردیده‌اند می‌نویسد:

"ما با عده‌ای از بیکارانی که مبارزت به خودکشی و خود سوزی می‌کنند مواجه هستیم." بدله اینست نمره سلطه سیستم پوسیده سرمایه‌داری و بسته ایران برای کلرگران و اینست مفهوم کارگردستی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی کارگران محروم و ستمدیده ما در عرصه‌های مختلف حیات خود چهره ضد کارگری رژیم را بخوبی شناخته و به همین امر واقفند که چگونه این رژیم در طول سالهای گذشته به عنوان مختلف‌ترین تنها به مسوازات افزایش قیمت‌ها که به اعتراف مقامات حاکم گاهی تا ۳۵ برابر نیز افزایش یافته ستمزها را بالا نبرده‌اند؛ نه تنها ده‌ها هزار تن از انسان را در کشتارگاه‌های جنگ امپریالیستی ایران و عراق به کشت داده و یا معلول و معدوم کرده‌اند نه تنها با بریائی عوراه‌های فرمایشی کار از این عوراه‌ها به عنوان ابزار بی‌جهت سرکوب و جاسوسی در بین کارگران استفاده کرده‌اند نه تنها بیکاری از همکاران‌شان یعنی کارگران کمونسیت و مبارز را به جرم مبارزه بر جهت احقاق حقوق اولیه کارگران شکنجه کرده و اعدام نموده‌اند نه تنها برای غلبه و گاهن بحران امپریالیستی کارگران را ستم ستم از کارخانه‌ها اخراج نموده‌اند و بلاخره نه تنها هزاران جنایت‌کویک و بزرگ دیگر بر علیه کارگران محروم و زحمتکش ما سازمان

یکی از جنایت‌های غیر قابل انکسار رژیم مزدور جمهوری اسلامی در طول سالهای گذشته در حق کارگران استفاده از آنان به مثابه هیزم تنور جنگ خانماسوز و ضد کارگری ایران و عراق بوده است که طی آن ستم‌ده‌ها هزار کارگر از سوی عمینی مزدور و رژیم‌ساز به اجبار به مسلخ‌گاه آن روانه و سراجام قربانی و یا معلول گردیده‌اند و بسیاری از خانواده‌های کارگران محرومی در برست و فاقد نان آورزها عده‌اند. موسسوی نیست و رژیم جنایتکار رژیم و کمیس از همالکی‌های عمینی مزدور در مورد کشتن کارگران کشور به تنور جنگ و در سخنان قبل از خطبه‌های نماز جمعه هم چنین در ماه سال ۶۶ گستاخانه اعلام کرد که: "بدلیل وضع آشفته اقتصادی و نیز بدلیل اینکه کارخانه‌ها تعطیل شده بودند و نرخ نفت مرتباً کاهش می‌یافت انتظار داشتیم که رقم بیکاران ما امسال بعرض ۱۰ میلیون تن برسد لیکن به علت گسترش جنگ و به اجرا درآین عملیات بزرگسی چون کربلای ۵ دولت توانست این مسئله را حل نماید." و به همین ترتیب موسوی مزدور و قبحانه اعلام کرد که: بسیاری از کارگران بیکار شده بزرائی برکات بحران امپریالیستی و حاکمیت‌ساز جمهوری اسلامی، توسط رژیم جاسوسانه ایران به جبهه‌ها روانه و یا قتل‌عام آنها منطبقه بیکاری کارگران ستمدیده حل شده است. همچنین در رابطه با همین موضوع یعنی اعزام اجباری کارگران و زحمتکشان به جبهه‌ها و قربانی نمودنشان به نهم اردیبهشت ماه سال گذشته نیز سرپرست بسوج ضد خلقی از رادیوی رژیم اعلام کرد که با ایجاد بسیج کارگری و کارمندی در کارخانه‌ها و ادارها، بهشتراز یکصد هزار تن به جبهه‌ها اعزام شدند علاوه بر اینها در طول حیات حاکمیت امپریالیستی‌ای که عمینی ضد خلقی یازده سال در رأس قرار داشت و در نتیجه تاثرات مغرب بحران ناننگیر امپریالیست‌ها و پرائر اجرای سیاستهای استثمارگرانه و غارتگرانه‌ای که از سوی رژیم بر علیه توده‌های تحت‌ستم ما و بویژه کارگران در طول سالهای متماد اعمال گشته میلیون‌ها تن بر ارتش بیکاران افزوده شده است و در حالی که در بسیاری از گزارشات منتشره رقم بیکاران حداقل بیش از ۱۰ میلیون برآورد گردیده است و روز پاره کیهان ۲۴ دی ماه

تبلیغات عوام‌فریبانه رژیم در باره طرفداری خمینی معدوم از کارگران

از صفحه ۲۲

تا مفرستخوان فاسد و ضدکارگری استعمارگر و حافظ نظام سرمایه‌داری وابسته در جامعه بوده و می‌باشد. اما مرفی نظر از این واقعیت بدین خاطر آنکه بتوان با دلایلی کاملاً روشن تحت این حکم را نشان داد که عمینی معدوم و رژیم جمهوری اسلامی نه تنها طرفدار کارگران نبوده بلکه دشمن وی بوده و هستند و اتفاقاً در نتیجه عملکردهای و سیاستهای ضد کارگری مطلق فقر و فلاکت و بیکاری دهشتناکی را بر آنان تحمیل نموده‌اند ما فیلا به گوشه‌ای از اعترافات مطبوعات و بلندگوهای رژیم در همین رابطه در مقاطع مختلف اشاره می‌کنیم؛ گوااین که این اعترافات جنایتکارانه تنها به مثابه مشتکی از خرواره کاتب‌بوین همه ادعاها و اشک تساح ریختنهای عمینی مزدور و اعوان و انصار در دفاع از به اصطلاح ستمدین را نشان می‌دهند و الا میزان حقیقی و ابعاد و کم و کیف ستم و سرکوب بی‌باده‌ای که تحت حاکمیت این رژیم منفور در طول یک دهه اخیر بر کارگران ما وارد شده به هیچ رو با این نمونه‌های کوچک قابل مقایسه نیستند.

نا ده اند، بلکه در طول این سالها سردمداران رژیم ضد کارگری و تر رأس آنها خمینی جلاک با توسل به انواع بهانه های سخزیه و دیگردهای ظالمانه و سرکوب گرانسه از بزدی مستخرج ناجیز آنان نیز خود ناری نکرده و میلیاردها تومان از حاصل خون و عرق کارگران را ربوده و خسرج دم و سنگاه سرکوب خویش و پریانی زندان و پانگان و غیره نموده اند. سران رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی و تر رأس آنها خمینی جلاک به این وسیله تلاش کرده و می کنند تا بتوانند هرچه بیشتر و بیشتر پنا به خواستار با یان امپریالیستگان و به خاطر تامین منافع سرمایه سنده کاران و الوصفت وابسته کارگران را هرچه و حقیقتا نه تر سرکوب کرده و غارت و بهره کفی از آنان را افزایش دهند. حال با توجه به همین واقعات روشن که تمامی توده های محروم کارگر نیز طول ۱۰ سال حاکمیت رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی و خمینی جلاک با گوشت و پوست خود آنها را لمس نموده اند پرسیدنی است که آیا باز هم جایی برای باور اکانیب و هجما نسته برنامه کار و کارگر رژیم مبنی بر دفاع خصیتی جلاک از کارگران باقی می ماند؟

علاوه بر همه این جنایات و ممانعتی که بر کارگران رفته است اکنون نیز ماهانت که بدنبال پذیرش آتش بس رژیم یا علم کردن شعار بر طمطراق و فریبکارانه بازسازی سرکوت و استثمار و غارت روز افزون کارگران به دفع سرمایه داران را در سر لوجه سیاستهای امپریالیستی خویش قرار داده و بازسازی و تقویت قیروهای سرکوبگری از جمله ارتش، سپاه و ساواک و غیره که وظیفه ای جز بهلاک و خون کشیدن اعتراضات عا دلانسه کارگران و جزاست از منافع امپریالیستها و سرمایه داران وابسته ندارند را در دستور کار خویش گنجانده است. در عین حال رژیم ضد خلقی ضمن اجرای همه این سیاستهای ضدکارگری با هم از زبان سرلسته جدید سگان زنجیری امپریالیسم یعنی خامنه ای جنایتکار از کارگران قهرمان کشور می خواهد که در مرحله بازسازی باید توجه با زندگی کهور که در نزد رژیم چیزی جز بازسازی اقتصاد بحران زده نظام سرمایه داری وابسته به نفع امپریالیستهای جنایتکار نیست، بگویند. امری که معنایش به زبان ساده

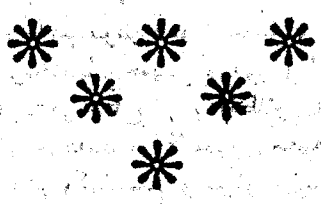
عبارت است از اینکه: کارگران بیشتر کار کنید او کمتر اعتراض! و همین سیاست سرکوبگرانه و ضد خلقی را رفسنجانی مزدور در محاسبه مطبوعاتی اخیرش بدین شکل بیان کرد که نه آینده دهه بازسازی است و ما در حال آینده به بازسازی مشغولیم.

جالب اینجاست که بلندگوهای رژیم در حالی مذبوطانه می گویند که از خمینی معیوم چهره یک عنصر طرفدار کارگران و به اصطلاح کوخ نشینان و پیاوند که در زمان حیات این مزدور، روزی نامه کیهان رژیم تر حالیکه عوا مطریها ته برای فخر و فلاکت خانوادها ی کارگری و کارمندی اعك تصاح می ریخت. نوشت که لبانهای کارمندی و کارگر را از تلفظ در آورده اند. یعنی از اینکه بوسست و گوشت آنها راهم بکنند و جدا کنند. بدایشان برسید؟ بله قبل از هر چیزی این جملات نهایت بغلکاری قلم بمزبان ورق باره کیهان را آشکار می سازد و نشان می دهد که با انتشار این واقعیسات زوعن جریدهای ضد خلقی رژیم تلاش می کنند ضمن اعتراض به فقر و فلاکت و غارت کارگران و توده های تحت ستم، نقش رژیم مزدور را لایه های نماینده اما عین حال همین اعتراضات که جز زمان حیات خمینی جلاک بیان شده به نوبه خود گوشه ای از واقعیسات همه رنج و محنتی که کارگران و زحمتکشان ما تحت حاکمیت رژیم وابسته با امپریالیسم جمهوری اسلامی به رهبری خمینی مزدور کشیده و می کشند را تصویر می کند.

کارگران تحت ستم ایران را شکی نیست که تشریح او مسا دآوری فاکتها و نمونه هایی که بیان کرده ام نشی و متمگری رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نسبت به خلق همسای تحت ستم ما و بویژه خدمت وی با کارگران می باشد از گنجایش یک نوشته چند صفحه ای بیرون و مثنوی هفتاد من کاغذ است. به واقع هر یک از کارگران ستم دیده ما به انحاء مختلف و بر طول سالها شاهد ستم و استثمار و سرکوب بی رحمانه ای که رژیم نسبت به توده ها و بویژه کارگران محروم اعمال کرده است بوده اند. از اینرو تبلیغات تزوین مطبوعات و بلندگوهای رژیم مزدور جمهوری اسلامی در باب مستضعف گرائی خمینی جلاک و به اصطلاح حماست وی از

کارگران در حالی که این مزدور معیوم تر نسال اخیر نه تنها حامی استثمارگران بر اعمال ستم و جنایت و استثمار بر علیه طبقات زحمتکش و بویژه کارگران بسوده بلکه عملا همه این ستم و سرکوب و حقیقتا نه توسط رژیم که او بر رأس قرار باعث به نفع امپریالیستها سازماندهی شده است. تبلیغهای مذبوطانه ای بیش نیست و تنها با هدف بزرگ کردن چهره پلید خمینی و رژیم ضدکارگری و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی صورت می گیرد و جز خشم و نفرت هرچه بیشتر کارگران ستم دیده و آگاه ما و تلاش و انگیزه بیشتر برای تشدید مبارزات حق خواهانه آنان چیزی را بر نمی انگیزد.

به همین خاطر است که تمامی کارگران آگاه و مبارز بر لزوم سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و مناسبات گندیده سرمایه داری وابسته واقفند. همچنین آنان تردید ندارند که امر سرنگونی این رژیم جنایتکار میسر نیست مگر با گسترش مبارزه و اعتراض بر علیه تمامیت سیستم ضد خلقی و ضد کارگری حاکم و مقاومت در برابر آن و مضافا اینکه آنان بخوبی می دانند که اقتصاد مبارزاتی هرچه بیشتر میان کارگران و سایر اقشار زحمتکش و تحت ستم جامعه در راستای سرنگونی قهر آمیز و مسلحانه مناسبات و رژیم امپریالیستی حاکم در مهور یک جنگ توده ای و طولانی تنها راه رهایی کارگران از وضع نکیت بار موجود است. و امروز در مقابل تمامی عوا مغریهای رژیم ضد خلقی و ازوبان امپریالیست و طوفان تبلیغیات تزوینیی که آنها راجع به شخصیت رذل خمینی معیوم به راه انداخته اند، تشدید مبارزات کارگران تا به سرزوری محتوم تنها پاسخ عا یسته ایست. کنه کارگران آگاه و مبارز ما به این ریاکارها خواهند داد.



از صفحه ۲۲

علل اعتیاد از نظر جمهوری اسلامی ضد خلقی

افتاده اند تا صرف نظر از سزوکوب مستقیم، با عواملی چون رژیم را که عامل اصلی غسوع فساد و قاچاق مواد مخدر میباشد در این راه بی تاثیر جلوه نهند. در رابطه با این مسئله اخیرا مختار کلانتر یکی از ایادی رژیم که در مقام قائم مقامی کمیته های ضد خلقی انقلاب اسلامی وظیفه سرکوب توده ها را به عهده دارد در حاضریه با یکی از روزی نامه های دولتی، پیرامون طرح و العادیهات میگوید که «اعتیاد فاحش بیگاری است نه بیگاری علیه اعتیاد» این مزبور با این حکم مضعه در افکار اراجیفی در روزی نامه نمی نماند، گفته گناه گسترش اعتیاد در میان جوانان را به تربیت آنها و اصولا به گسترش خانواده های آنها بیاننازد و چنین میگوید که گویی در این کار دولت جمهوری اسلامی هیچ گناهی ندارد ولی برای آنکه روشن شود سخنان این مسزبور تا چه حد عاری از حقیقت است و نظری به شرایط جامعه مان در ۱۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی انتخابه و عامل اصلی اعتیاد و بیگاری در جامعه را مورد بررسی قرار می دهیم . همانطور که میدانید رژیم جمهوری اسلامی از فرط بی بیگاری آمندنی برای کاهش بحرانی که به توسع بحرانی امیریهالستی، نظام سرما پستاری وابسته ایران را نیز فرا گرفته بود به تعطیل نمودن کارخانجات و کارگاهها پرداخته این رژیم در ابتدای امر تحت این عنوان که چون با امیریهالستها در جنگ است و چون امیریهالستها به تأسیس رژیم به اصطلاح انقلابی جمهوری اسلامی که بستاد و از طرف دیگر چون کارخانجات ایران را تعطیل و بیگاری در کشورهای امیریهالستی نمی توانند چون وجود مواد اولیه بکار انامه نهند و در این راه امیریهالستها نیز برای شکست جمهوری اسلامی از فرستان مواد اولیه کارخانجات خود ناری می کنند شروع به تعطیل نمودن کارخانجات نمود و بدون پذیرش هیچگونه مسئولیتی نسبت به کارگران تمسناد بی شماری از آنان را از کار بیگار

ساخت. از طرف دیگر ما دیدیم که این روزها در طول جنگ نیز انامه یافت و هر طی ۸ سال جنگ امیریهالستی امیران و عراق هم روزانه تعدادی از کارخانجات و کارگاهها با تعطیل گردیدند و با این حال حالت تیره تعطیل درآمدند و هر اینها نیز تعداد بی شمار دیگری از کارگران و زحمتکشان بی بیگاران جامعه اغسیزوده گردیدند. چنانچه طبق آمارهای خود رژیم تنها تا سال ۶۷ حدود ۸۰۰۰ کارخانه و واحدهای تولید کوچک و بزرگ به تعطیلی گمانده شده و با نهمه تعطیل گردیدند و در این رابطه باز طبق همان آمارها تعداد بیگاران کشور به سرز ۱۶۷۵۰ نفر در کل جمعیت کشور یعنی حدود ۵ میلیون نفر رسیده است و البته از سال ۶۸ به بعد نیز قواره کارخانجات و کارگاهها رو به تعطیلی رفت و بستر تعداد بیگاران جامعه نیز افزوده گردید و این افزایش بیگاری به حدی زیاد شده چشمگیر است که منتظری ایله نیز تغییر به اقراران میخورد و در سخنرانی ۲۲ بهمن ۶۷ میگوید : ما الان حدود ۵ میلیون نفر بیگار داریم. حال جا نارد از آقایی مختار کلانتر سؤال شود که چگونه می تواند انعا کند عامل بیگاری این ۵ میلیون نفر اعتیاد است و با توجه به اینکه خود رژیم افغان نارد که تعداد متانان کشور حدود ۲ میلیون نفر میباشد و اگر فرض نیز بر این باشد که ۲ میلیون نفر علاوه بیگاری در اعتیاد بیسوسه ۴ میلیون نفر دیگر بیگاران را چگونه قویه بیگاری با چنین وضعی که شرحی را در این روشن است که افغان کلانتر در صورتی که برای آنکه اعتیاد علیه بیگاری است نه بیگاری علیه اعتیاد به سخن میزند نسبت به اعتیاد که اماره مدد از رژیم مکتبهای ضد خلقی انقلابی اسلامی که ما خودی برای آنکه تعداد بیگاری در این ده های بیگاری به بیگاری بیگاری نارد بزرگاران جامعه از خانواده های بی سرپرست و بی بند و بار هستند و ۹۰ درصد از این گروه به اعتیاد روی آورده اند ۹۵ درصد از این عده علل اعتیاد خود را ناشی از تربیت نامصح پتر و ما بر می دانند. وی سپس اضافه می کند که بعد از انقلاب هروثیمن

بیشترین ماده اعتیاد آور شناخته شده و جوانان به این ماده گرایش دارند از کتون ۸۰ درصد مبتلایان را جوانان تشکیل می دهند. برای بزرگی این مسئله هنوز بیشتر است به ویژه تهیه و توزیع این مواد در داخل ایران نظری انگیزه خود تا حقایق روشن گردند بر مورد رشد اعتیاد و گسترش مواد مخدر در جامعه مان میا نظری که ما بارها اعلام کرده ایم عامل عمده و اصلی این ویلا ویرانگر همانا رژیم وابسته و امیریهالسیم جمهوری اسلامی می باشد چرا که این رژیم بطرز آشکاری در تعقیب مبتلایان از باستان امیریهالست امرحای با تدهای کلان و بزرگ تجارت و توزیع مواد مخدر در سطح منطقه بوده و با مشارکت در این راه سودهایی نجومی ای به جیب خود و اربابان نسیم صیغوده مغانا اینکه این رژیم به خاطر ماهیت ضد خلقی افغان همان ایتن ساری هم کار آمندنی کوئید تا ترکندار سرکوب علفی و بیگاری و به نبرد زحمتکشان برای حفظ رهبری خود و اربابان امیریهالستها به امیریهالگری بومی تعویق جوانان بیگاری و بیگاری از فعالیتها و بخشهای جنبش انقلابی کوپور و نفوق مبارزاتی همان رژیم جنای ظلم و ستم امروزه انتخابه شده بهر فائده این عیوه علاوه بر اینکه می توانست رژیم را در سرکوب و استعمار زحمتکشان و بخصوص جوانان یاری رساند منبع درآمدی خوبی نیز برای طرفداران رژیم به حساب می آید. از این روست این که می بینیم طرفداران رژیم شروع به واره نمودن مواد مخدر به داخل کشور و بخلی آن در بین جوانان می کنند و با این کار در واقع بایک تیر یونهای می زنند هم با حمایت از باندهای بین المللی تجارت مواد مخدر و ایجاد تسهیلات لازم برای انامه کار آنان در منطقه سودهایی نجومی به جیب می زنند و هم از بهر و توزیع این مواد در داخل کشور اهداف سرکوبگرانه فوق را دنبال می کنند و بخصوص با توجه به این مسئله که تمامی ارگان های سرکوب رژیم نیز در اختیارشان قرار نارد و از طرف دیگر آنان قادرند یا استفاده از مصونیت های سیاسی ایادی شان در کشورهای دیگر براجتی بسا قاچاق جهان بین المللی رابطه برقرار نمایند، اینکار براجتی انجام پذیر

است؛ فقط در مورد استقلال می‌توانست
استقلال یعنی با عتاد اقتصادی اعمال ناممکن
آخان گردد که اینها توده‌های آگاه ما
بناهد بودند که چگونه عتاد اقتصادی
طباطبائی مرفور یعنی ناماد عتاد
بناهای کار در آلمان غربی به خاطر
تجارت مقدور بسیار زیادتری است تحت
تقلب قانونی قرار گرفت. از این روست
که می‌بینیم که این ۱۰ سال حکومت
جمهوری اسلامی علیه تمام هیاهوهای
فریبکارانه رژیم مبنی بر جداسازی
مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تنهایی
بغیر و غیره این مواد که به دست
این مواد هر روز گسترش بیشتری یافته
هستند امروز چنانچه هنوز در کشور ما
که بقول توده‌های زحمتکاران نیز راحتتر
ارزاق هر چه هست می‌آید و در حالیکه مواد
مورد نیاز اولیه زحمتکاران کم است و
نیاز به آنها مشکل است و در هر کج
و بزودی مشهود خواهد بود هر چه
یاخت و ترسین را بطوریکه یکسری از
روزی نام‌های دیگر رژیم ملی یکسری از
گزارشات عمومی در رابطه با اعتماد
قول یک یا شش آموز معتاد می‌نویسد و اگر
قرار باشد روزی یک بسته سیگار بکشد
حد شویان هزینه دارد در حالی که روزانه
با اعتدال همین روزها مشکل ایجاد خواهد
را حل می‌کنیم؛ اضافه بر این واقعیت
تکان دهنده همه می‌دانید که در هر
۸ ساله جنگ امپریالیستی چهها می‌کند
مبادی بود برای رشد اقتصاد چرا که
فشارهای روحی ناشی از ترس از مرگ و
بیوی خون او با روت و غیره انزوا شدگان
به جبهه‌ها و ابار می‌ساخت تا برای
از این وضعیت و فشار عمومی شرایط خود
مواد مخدر نشاء بپزند و تو این میان
ایمانی سرشار از رژیم با استقلال
فرست بهت آمده قادر بودند داروهای
مرگبار خود را بفروختن رسانند و همین
مسئله باعث گردید که بزودی خرید و
فروش مواد مخدر در جبهه‌ها شروع
کنند

چالو که کوچکترین حدای اعتراضی بسبب
گلوله پانخ داده می‌شود در حالیکه تمام این
مسائل همیشه مساعدی برای رشد اقتصاد
می‌باشد و باز در حالیکه خود رژیم
بخاطر منافع یاد شده این جوانان را به
اعتقاد مواد مخدر مبتلا می‌سازد چگونه
می‌شود گفت که باو تربیت می‌دهد و ما در
این زمینه نقش دارند و انهم نقش عمده؟
حال که فروغهای مختار کلاسیک قائم
مقام کمیتها می‌شد خلقی انقلاب اسلامی
رژیم بر ملا گردید باید دید که این
مزدور با میان چنین اراجینتی چه
مقاصدی را دنبال می‌نماید.
او به شیوه سایر میمالرکی هر چه
فرد دارد با چنین شروع هایش رژیم
جنایت جمهوری اسلامی را تطهیر سازد
به همین خاطر است که او به شیوه‌ای
مونیانه وارد می‌شود و برای این منظور
اول اعتماد را عامل بیگاری قلمداد
می‌کند و سپس با مقصر جلوه دادن خانواده‌ها
در اعتماد جوانان شان به مواد مخدر
می‌کوشد به زحمتکاران چنین القا نماید
که گویا عامل اصلی بیگاری جوانان عدم
تربیت صحیح والدین است و

جوانان بخاطر عدم تربیت درست پدر و
مادران، به مواد مخدر معتاد می‌شوند و
خوب معلوم است که آدم معتاد نیز کارش
را از دست می‌دهد و بدین وسیله رژیم
جمهوری اسلامی در این کار هیچگونه
نقشی نخواهد داشت در صورتی که خلقهای
زحمتکار ما به تنهایی بر خلاف انتظار این
جناب چنین فکری نمی‌کنند. بلکه برخلاف
انواعی از مزدورها ما باطلی این
تا بسیار می‌باشد. ما را خوب شناختند. آنان
با نوسان و گریه خود این را ترک کرده‌اند
که عامل اصلی تمام بیگاری‌های آنها
بیگاری و بیگاری است و اعتقاد بر آنست که فقر
گرسنگی و بیگاری همه همین رژیم
جمهوری اسلامی است و همه رژیم
برای حفظ سلطه با ریاکارانه امپریالیست
او هیچ جناحتی بر خلق زحمتکاران
نکرده و نمی‌کند و از آنها کینه
توده‌های آگاه ما به تبلیغات دروغ‌ساز
فریبکارانه این مزدوران در ۱۰ سال
حاکمیت فکری جمهوری اسلامی آنها
کامل دارند، دیگر جنای این جیره خوار
رژیم نیز رنگی نخواهد داشت.



به مناسبت سالگرد شکست کمون پارسی اولین حکومت کارگری
چنان و شیربازان کمونارده‌های انقلابی در ۱۸۷۱

شایان توجه است که بنا به گفته فرمانده ژاندارمری ناحیه آذربایجان غربی که در آبانماه گذشته نظراتش در روزنامه اطلاعات منعکس شد تعداد مراکز ظلم و ستم رژیم جمهوری اسلامی در نوار مرزی ایران و ترکیه به ۲۰ واحد افزایش یافته و طی سال ۶۷، ۱۸۰ برجک نیز در مناطق عملیاتی جنوب آذربایجان غربی ساخته شده است و این در حالی است که ۵ پاسگاه مرزی جدیداً احداث در ارتفاعات سه چشمه سرعت و ظرف مدت ۲۰ روز ساخته شده که تحت عناوین میله های ۷۸، ۱۰۴، ۱۹۳، ۱۹۰، ۱۶۶ خوانده میشوند.

اخبار و گزارشهای خبری

موج اعدام در جمهوری اسلامی

مطابق اخبار رسیده مزدوران آدمکش رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ظرف یک هفته (هفته دوم اردیبهشت) حداقل ۱۷ تن دیگر از بهترین فرزندان خلق را در سنجج به جرم دفاع از منافع کارگران و توده های زحمتکش به جوخه های اعدام سپردند. این ۱۷ سارز و انقلابی در چهارچوب موج وحشیانه قتل عام زندانیان سیاسی توسط رژیم جلاده جمهوری اسلامی اعدام شده اند. لازم به تذکر است که مزدوران رژیم در هفته مذکور حداقل ۶۰ تن را در سنجج به جوخه اعدام سپرده اند که از میان این عده ۱۷ تن انقلابی به جرم سیاسی و ۴۳ تن بقیه به اتهامات دیگری از دم تیغ رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی گذشته اند.

غصب زمین دهقانان

یکی از ایامی رژیم که قبلاً در شهر خرمآباد حملات دادیاری داشت، اکنون به شهر قم منتقل شده است و در روزهای "باقرآباد" قم دست به غصب زمینهای دهقانسان زده و ۴۳۰ هکتار زمین زراعتی کشاورزان زحمتکش را که در آن جو و گندم می کاشتند، همراه با سه طبقه چاه از دست آنان خارج کرده است. در همین رابطه زارعین "باقرآباد" هر روزه به مسراه زن و بچه هایشان به اداره جات رژیم رجوع میکنند تا زمینهای غصب شده خود را پس بگیرند اما آنها موفق به این امر نگزیده اند.

جداسازی زنان از مردان در اتوبوسها

بمنظور سرکوب هرچه شدیدتر توده ها و ایجاد ممانعت از اتحاد مبارزاتی آنان طرح ارتجایی جداسازی زنان از مردان در چند خط اتوبوسرانی تهران به مرحله اجرا درآمده است. این طرح هم اکنون در اتوبوسهایی که در خط ۱۸۲ در مسیر میادین بهارستان و خط ۱۲۹ در مسیر میادین انقلاب - امام حسین تردد میکنند اجرا میگردد. مزدوران وابسته جهت ارباب توده ها و پیشگیری از گسترش اعتراضات آنان دست به چنین اقدامی زده اند که در هر اتوبوس یک ما مسافر جاسوس و سرکوبگر دادستانی را هم بکارند. عمدتاً راننده اتوبوس ملزم به جداسازی زنان از مردان میباشد در این طرح زنان از درب عقب اتوبوس و مردان از درب جلو برای سوار و پیاده شدن استفاده میکنند و جایگاه زنان و مردان در هر اتوبوس بوسیله میله متحرک تنظیم میگردد.

جمهوری اسلامی و معضل بیسوادی

معاون آموزشی نهضت سوادآموزی رژیم تاکید کرد که بیش از ۱۴ میلیون نفر از جمعیت کشور بیسوادند. قبلاً نیز مطابق سرشماری سال ۶۵ اعلام شده بود که بیش از ۲/۵ میلیون بیسواد در ادارات، موسسات عمومی و دولتی مشغول بکارند. شایان ذکر است که رژیم اخیراً پس مبارزه با بیسوادی گرفته و در این رابطه از جمله تهدید کرده است که کارکنان و کارگرانی که تا پایان سال جاری نتوانند بیسواد شوند، از کار اخراج خواهند شد.

برنامه تلویزیونی "گام ملامری"

ظرف روزهای اوایل اردیبهشت تلویزیون رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی اقدام به پخش برنامه ای به نام "گام ملامری" نموده طی این برنامه نمائشی به اجرا در می آید که در آن افرادی که در جریان کشف باصلاح شبکه جاسوسی آمریکا در ایران دستگیر شده اند بهشت دوربین آورده میشوند تا با ذکر اراجیفی خود ساخته به گناه خویش مبنی بر جاسوسی برای آمریکا اعتراف نمایند.

افزایش مراکز سرکوب رژیم در مرز ایران و ترکیه

بندهای امضای موافقت نامه همکاری بین دو رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و ترکیه در ماههای گذشته که متعاقب آن دو کشور در قبال هم متعهد شدند: ۱- با فطلاح با قاچاق مواد مخدر بویژه در مرزها به مبارزه بپردازند ۲- با افزایش کنترل و امنیت مرزها از فرار هم میهنان ستم دیده و نازاضی ممانعت کنند ۳- از فعالیت انقلابی پیشمرگان خلق کرد جلوگیری به عمل آورند، اخیراً رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی سیستم پلیسی و سرکوب خود را در گذرگاههای عمده مرز ایران و ترکیه تشدید کرده است در همین رابطه رژیم شروع به تاسیس برجهای دیده بانی و پاسگاههای بازرسی به فاصله ۵۰۰ متری از یکدیگر در امتداد مرز ایران - ترکیه کرده و تعداد زیادی از عناصر خود فروخته جنایتکار رژیم موسوم به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در این منطقه گمارده است.

کافی در اختیارشان قرار نمیدهد بحالت تعطیل یا نیمه تعطیل درآمده اند.

جالب است که روزنامه رسالت به تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه وجود صفهای طویل در برابر نانواشها در شهر تبریز را به افزایش قیمت برنج نسبت داده و منویسد قیمت هر کیلو برنج تایلندی به ۷۴۰ ریال و هر کیلو برنج ایرانی به ۱۲۵۰ ریال افزایش یافته است.

اختصاص بودجه هلی کلان برای مراکز

غارت و سرکوب

طبق اخبار منتشره رژیم وابسته میلیاردها ریال از بودجه کشور را برای بنیادها و سازمانها و کمیته های سرکوبگر و ضد خلقی اش تحت عناوین مبارزات استثنائی در نظر گرفته است. فهرست پاره ای از این مراکز و نهاد های غارت و سرکوب همراه بودجه هایی که بقیمت فقر و فلاکت نوده ها در سال جاری صرف آنها خواهد شد عبارتند از:

- ۱- نهاد موسوم به بنیاد شهید با بودجه ۱۲۳ میلیارد ریال
- ۲- کمیته امداد امام با بودجه ۳۰ میلیارد ریال
- ۳- کمیته امداد امام طرح موسوم به شهید رجایی ۱۸ میلیارد ریال
- ۴- هزینه های دادستانی ۱۵۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- ۵- اعتبار کمیته انقلاب اسلامی برای اصطلاح مبارزه بسنا قاچاق مواد مخدر ۱۵ میلیارد ریال
- ۶- اعتبار با اصطلاح حفظ نظم و امنیت در خارج شهرها توسط کمیته های انقلاب اسلامی ۶۳۷۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- ۷- کمیته انقلاب اسلامی ۴۹۰ میلیون ریال
- ۸- مدرسه قضائی طلاب قم ۲۷۵ میلیون ریال

تشدید گرانی

گرانی احناس و کمبود کالاهای اساسی بسیار صودی را دلی کرده و باعث شده است که خامن و سایر اولیسه مورد نیاز زندگی برای کارگران و زحمتکشان بیش از پیش غیر قابل تحمل گردد. نگاهی به قیمت های نرخ های برخی وسایل گوشه ای از این واقعیت را نشان میدهد. هم اکنون قیمت یک پالتو بجه بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان میباشد در یک دست کت و شلوار مردانه ۵ تا ۶ هزار تومان یعنی معادل تمامی حقوق یکماهه یک کارمند معمولی قیمت دارد.

در زمینه مسکن نیز قیمت ها همچنان رو به بالاست. در تهران اجاره یک خانه ۲ اطاق خواب به ترتیب در مرکز ۱۲ تا ۱۳ هزار تومان، در شمال شهر ۱۸ هزار تومان و در جنوب شهر بین ۶ تا ۸ هزار تومان خرج بر میدارد و تازه این ارقام جدا از وثیقه کمرشکنی است که گاه رقم آن به مد هزار تا یک میلیون تومان میرسد.

ورق پاره کیهان (چهارم اردیبهشت) نوشت: قیمت شیر پاستوریزه ۴۰ درصد افزایش یافته و دولت فقط در ۵ شهر برای تشبیت قیمت شیر و محصولات گوناگونش سوبسید میپردازد. این روزنامه همچنین می نویسد که در آستانه اجرای قانون

سنگسار زنان جلوه ای از فجایع

جمهوری اسلامی

در اواخر اردیبهشت مزدوران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی یک زن ستم دیده را در نیشابور در ملاعام سنگسار نمودند و با آفرینش این جنایت دستان بخون آغشته مزدوران به خون یکی دیگر از قربانیان نظام سرمایه داری وابسته، رنگین شد.

کلاه برداری وزارت صنایع سنگین

وزیر صنایع رژیم در یکی از نطق های خود در اردیبهشت ماه اظهار داشت که کمبود ارز موجب شده است تا وزارت صنایع سنگین نتواند به تعهدات خود در مورد تحویل خورو به مردم عمل کند، در این اظهارات وی بیشرمانه به خودکشی اسفبار یکی از هموطنانمان اشاره کرد که اتفاقا درست بدلیل سرباز زدن وزارت صنایع سنگین از تعهدات خسود در این زمینه جلوی در این وزارت خانه به چنان عملی دست زده بود. واقعیت اینست که رژیم غارتگر جمهوری اسلامی از سال ۶۵ تاکنون پول حداقل چهل و یک هزار و صد و هشتاد تن (۴۱۱۸۰) از توده های تحت ستم را که اغلب با انگیزه تهیه خودرو به مشابه وسیله ای برای ارتزاق معاش حتی با فروش وسایل زندگی خود مبلغ درخواستی را در اختیار وزارت صنایع سنگین قرار داده اند، تصاحب نموده است. در حال در شرایط رشد سرسام آور قیمت ها و کاهش ارزش ریال و در حالیکه از سال ۶۵ غارتگران جمهوری اسلامی از پولهای اخذ شده استفاده لازم را کرده اند، اعلام نموده اند که متقاضیان خودرو میتوانند پولهای سپرده شده شان را پس بگیرند.

عجز رژیم در تامین نان مورد نیاز مردم

رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی کمسه در تمام دوران زمامداری خویش جز فقر و فلاکت و مراثب بیشمار ارمنستان دیگری برای توده های ستم دیده نداشته است حتی از تامین نان خشک و خالی مردم که غذای اصلی میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان را تشکیل میدهد، عاجز مانده است. بگونه ای که هم اکنون تهیه نان به یکی دیگر از مشکلات روزمره توده ها تبدیل شده و در اکثر نقاط بخصوص در تهران، تبریز، رضائیه، کرمانشاه، اسلام آباد و گیلان غرب صف های طویلی در مقابل نانواشها تشکیل میشود که گاه پس از ساعتها انتظار باز هم نان مورد نیاز را نمیتوان بدست آورد. کمبود نان در منطقه اسلام آباد و گیلان غرب بیداد میکند و نانواشهای شهر اسلام آباد فقط به کسانی نان میفروشدند که دارای کارت آرزاق این شهر باشند و به اهالی روستاها و شهرستانهای دیگر نان فروخته نمیشود. در اکثر شهرستانها نیز نانواشها بدلیل آنکه دولت آرد

مبارزه با گرانفروشی و احتکار قیمت گاز مایع از شنبه گذشته در همدان ۲۵٪ افزایش یافت.

چند خبر کارگری

بار دیگر یکی از کارگران تجدیدیه حین کار قربانیی مطامع سرمایه داران وابسته و رژیم حامی آنان یعنی جمهوری اسلامی گردید. وی کارگر کارخانه تولید سرامیک آکیمان بود که در انبار شکر کارخانه مذکور بهنگام حمل و جابجایی گونیهای روغن چیده شده تراش ریزش گونیها زیر آنها مانده و شست و شوی شد. ولی بدلیل نبود آمبولانس جهت حمل وی به بیمارستان و عدم انجام کتکهای اولیه و سروری پزشکی کارگر مزبور در بین راه جان سپرده. در این حادثه پای جو کارگر دیگر نیز دچار شکستگی گردید.

شهردار مزدور همدان اعلام کرده که هم اکنون ۲۲ هزار کارگر بااختصاص در همدان بیکار هستند. لازم به ذکر است که اکثریت کارگران بااختصاصی که بطور روزمزد بیکار هستند متوجه از مهاجرت روستاهای اطراف همدان میباشد که با توجه به آب و هوای سرد همدان و فقدان امکانات مناسب برای آنان در این شهر مجبورند فقط خشتی از سال را کارکنند. در سیاهدین همدان همواره کارگران بیکار سرگردانند. آنها ساعساتی از روز را به امید یافتن کار در این مبادین جمع کرده و پیرای نا امیدی از بدست آوردن کار به مشاغل کاذبی همچون بیکارفروشی و کهنه فروشی و غیره میپردازند.

خبر دیگری از همدان حاکیست که کارگران شهرداری همدان در شرایط زمستی بدون پیرایه و بدون رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی بنهای کارگری سه ماهه اول سال مورایه آنها پرداخت نکرده است. شهرداری همدان از دادن لباس کیلوزی و دستکش و دیگر وسایل کار به کارگران خودداری میکند.

جمهوری اسلامی و روز جهانی کارگر

همزمان با بازده اردیبهشت ماه روز جهانی کارگر سردمداران مزدور جمهوری اسلامی از جمله کمالی مشهور نخست وزیر و سرحدی زاده وزیر کار، این مهره های شناخته شده فدکارگر به صحنه آمده و توجیه لغو مراسم فرمایشی معمول خود به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر عنوان نمودند که در تهران به خاطر فواغلی که بین کارخانه ها و محیطهای صنعتی وجود دارد و همزمان با ملی مبارکرمضان

هم هست می گردیم که ما راهبیمانی، امسال نداشته باشیم و سال آینده راهبیمانی خواهیم داشت. روز را اردیبهشت نیز سرحدی زاده و قیچانه از کارگران خواست که بجای شرکت در نمایشات رژیم در مراسم جهانی روز کارگر، در نمایش ضد فلقی و موافق سبانه موسوم به روز قدس شرکت و راهبیمانی کنند و پیشروانیه از کارگرانی کیسه کموشان در زیر بار معائب رژیم فدکارگری جمهوری اسلامی غم گشته است. درخواست نمود که یک روز حقوق خود را بیه اسم کمک به جنبش فلسطین به دارودسته های وابسته و دنباله های مزدور جمهوری اسلامی در لبطن اختصار بدهند.

گوشه ای از وضعیت کارگران اداره مخابرات بیروجرد

کارگران زحمتکش در این اداره بصورت قراردادی مشغول بکارند. آنها زیر پوشش استخدام رسمی اداره مخابرات قرار ندارند. اداره مخابرات هیچگونه مسئولیت و تعهدی در قبال آنان به عهده نگرفته و حتی مزد آنان از اخذبهای رژیم از مردم تا به گفته خود مزدوران رژیم از طرح خودباری مردم تا مین میگذرد. به این ترتیب کارگران اداره مخابرات بروجرد حتی از مزایای ناچیزی که دیگر کارگران رسمی برخوردارند محروم میباشند. از جمله از حق بیمه شدن اگر چه در این رابطه مگر در دست به اعتراض زده اند. این کارگران در ازای کار شبانه روزی که در این اداره انجام میدهند، ماهانه مبلغ ۱۰۰۰ تومان بعنوان حقوق ثابت دریافت میکنند. البته گاه مبلغ ناچیزی نیز بعنوان اضافه حقوق به آنان پرداخت میشود ولی کل مبلغی که آنان در ازای کسار خویش دریافت میدارند هیچگاه از ۲۰۰۰ تومان تجاوز نکرده است. اگرچه ساعات کار رسمی این کارگران از ساعت ۷ صبح تا ۲ بعدازظهر است ولی اکثر کارگران بصورت ۲۴ ساعته کار میکنند.

نا مه کارگران زحمتکش

آموزش و پرورش کرمان به مقامات رژیم

گروهی از کارگران زحمتکش آموزش و پرورش شهرستان کرمان در به ارسال نامه ای برای مقامات ضد کارگری رژیم پرداخته و طی آن آشکار ساختند که علیرغم ۶ سال سابقه کار در آموزش و پرورش کرمان هنوز وضعیت کارگر با کارمندان بودن آنها از سوی رژیم ضد فلقی جمهوری اسلامی روشن نگشته است. کارگران زحمتکش کرمان در نامه خود بیکار دیگر برده از ماهیت فربیکار و بازنگر رژیم برداشته و مطرح ساخته اند که چگونه این رژیم فدکارگری فر هنگام که پای دادن میزایا به کارگران پیش میاید به آنها گوناگون از

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

که در کارگاه به کار مشغولیم. سپس کارگران ستمدیده کارگاه ابابکر ضمن متذکر شدن این مطلب که رژیم جمهوری اسلامی پس از قیام بهمن ۵۷ کارگاه مزدور را تحت پوشش سازمان بهزیستی درآورده است، گفته اند که: اخیراً زرمه های تعطیلی این کارگاه به گوش می رسد که باعث نگرانی ما کارگران شده است. هر باره بدانند، نابینایان همانند دیگر آحاد این ملت دارای شخصیت اجتماعی هستند و مانند دیگر حقوق بگیران جهت تامین مخارج زندگی مجبورند کار کنند.

قوا و دادهای اسارت نازیها شرکتهای امپریالیستی

در پی وابسته شدن امپریالیسم جمهوری اسلامی به عقیده قرارداد اسارت نازیها و شرکتیهای امپریالیستی پرداخته و منظور از احداث یکی یا بیش از یک شرکت در ایران (بخیر از ال و ال اردیبهشت ماه) بل شرکتیهای صحرایی است. این پولی ال ایتالیا قرارداد ۱۳۰ میلیارد دلاری منعقد ساخته است.

همچنین قرار بر این است که شرکتیهای امپریالیستی پس از دریافت میلیی در حدود ۱۵۰ میلیون دلار یکی مجتمع پتروشیمی در اصفهان با احداث نصاب پتروشیمی دیگر است که با انعقاد این قرارداد در حالی صورت میگیرد که شرکت میتوشی ژاپن وجود صرف ۵ میلیارد دلار برای تکمیل مجتمع پتروشیمی بندر خمینی که تماماً از حامل دستنرخ کارگران و روزمندان غارت گردیده، از تکمیل آن برجا زده و حاضر به انعام قوا و دادها و بخش نیست.

جمهوری اسلامی

و تشدید فعالیتهای تروریستی

در این خصوص میدقیوژ با صلحان بیگانه و لافهای کثیف تروریستی و عفا بکارخانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی است. بوموا امروزیها بنامندگان و اولاد و رگانه امروزی و پتروشیمیایی انقلابی و با فعلی سیاسی مقیم خارج کشور کوشش که دفتری بنام دفتر ۴۱۰ وابسته به وزارت امور خارجه ایران وجود دارد که از تمامی تسهیلات سفارتخانه های ایران در کشورهای خارجی برخوردار است و این دفتر اقدامات تروریستی فراوانی بر ضد بناهندگان و بناهجویان و نیروهای مبارز در خارج از کشور انجام داده است.

پرداخت آن به کارگران خودداری میکنند و به آنها میگویند که کارمند هستید و برعکس هرگاه که پائی پرداخت مزایا به کارمندان پیش خیا بد آنها را جزء کارگران محسوب کرده و به آنها هیچگونه مزایایی پرداخت نمیکنند البته هرگاه هم که پائی اخادی در میان باشد، دستنرخ ناچیز آنها چه نسبت میتوان کارمندی و چه کارمند هر صورت از سوی رژیم مسود غارت قرار میگیرد.

اعتراض کارگران شرکت هرویس کرج به تعطیلی شرکت

در پی اعلام تعطیلی شرکت هرویس کرج توسط کابینه کشاورزی و صنعت و معدن کارگران ستمدیده این شرکت روز ۱۳ اردیبهشت در اداره کل کار و امور اجتماعی کرج اجتماع نموده و خواستار بازگشت به کار شدند. کارگران بیکار شده که در میانشان کارگران میانسال با ۲۶ سال سابقه کار به چشم میخورد خطاب به مقامات رژیم گفتند که بجای بیکار ساختن کارگران و اجبار کردن نان بخور و نمیر آنان شرکت را راه اندازی کنند کارگران خطاب به مزدوران رژیم در اداره کل کار و امور اجتماعی متذکر شدند که میتوانند تا یکسال با کار و تلاش خویش ضرر و زیان شرکت را جبران نمایند، در غیر اینصورت اداره مربوطه در جایی دیگر کار مناسبی به کارگران بیکار شده واگذار نماید. این شرکت که در زمینه کشتار و بسته بندی و توزیع مرغ و تخم مرغ در سطح تهران و دیگر شهرها فعالیت میکرد به علت دزدی و ارتشاء اموال کارخانه توسط مدیریت فاسد و دیگر کارگران شرکت متحمل خسارت زیادی گشته بخوبی که گفته میشود در یک مورد مبلغ ۹ میلیون تومان از شرکت دزدیده شده در اثر آتش سوزی نیز حداقل مبلغ ۳ میلیون تومان خسارت به شرکت وارد شده است. این امر در حالیکه بیانگر رواج فساد در سیستم سرمایه داری وابسته میباشد ولی نمیتواند دلیل اصلی تعطیلی شرکت مذکور باشد. بواقع این تنها شرکت هرویس نیست که چنین به تعطیلی کشیده شده بلکه کارخانجات و موسسات تولیدی متعددی علیرغم کاهش تولیدات خویش باز دوام تیاورده و با اعلام ورشکستگی بسته میشوند این واقعیت تماماً از غرایب خرائسی سیستم سرمایه داری وابسته ایران نشأت گرفته و نشانگر ورشکستگی و پویدگی این سیستم رو به زوال میباشد.

اعتراضات ماه کارگران رحمتکش و نابینای کارگاه ابابکر

در اوایل اردیبهشت ماه کارگران رحمتکش و نابینای کارگاه ابابکر طی اعتراض نامه ای به دست اندرکاران مزدور جمهوری اسلامی، خواستار عدم تعطیلی کارگاه مذکور شدند. هر قسمتی از این نامه چنین آمده است: ما عسده ای از نابینایان کارگاه ابابکر هستیم که با نابینایان دیگر ایران و ایران این کارگاه را راه اندازی کردیم و مدت ۱۶ سال است





تداوم سیاست ضد خلقی کوچک جباری

سنا به اخبار واصله رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در تلاشهای ارتجاعی خود جهت تحقق سیاست "کوچ اجباری" که بمنظور محوره ساختن ارتباط بین روستائیان مبارز بسا فرزندان پیشمرگ خود و از بین بردن امکانات مبارزاتی اتخاذ شده است، در منطقه سردشت به اهالی روستاهایی کانی زرد، بیوران، ورته و همچنین اهالی روستاهای منطقه سوسانی اعلام داشته است که قصد کوچاندن آنها را دارد. مزدوران رژیم هنوز محل استقرار روستائیان را پس از کوچ اجباری مشخص ننموده اند.

فشار به خانواده های پیشمرگان

در شهرهای سقز و بانه و سنج مجذوران تبهکار رژیم بیورش جدیدی را به خانواده های پیشمرگان قهرمان خلق کرد سازمان داده و با اعمال فشار بر آنان از جمله با بازداشت و ارباب و تهدید اقوام پیشمرگان از آنان میخواهند که فرزندان شان را به تسلیم در مقابل رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ترغیب نمایند تا آنان خود را به رژیم تحویل دهند. در طول ده سال تداوم جنبش انقلابی خلق رزمنده کسرد رژیم بارها به چنین سیاستی روی آورده و گاه با چسباق فریب و ربا و گاه با اعمال زور و فشار کوشیده است خانواده های پیشمرگان را وسیله ای جهت بازداشتن پیشمرگان از مبارزه انقلابی خود قرار دهد.

گسترش مراکز سرکوب در کردستان

اخبار رسیده از منطقه پیرانشهر حاکیست که اخیراً رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در چهارچوب تشدید سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد در مدد استقرار چندین واحد بزرگ نظامی دیگر در این منطقه است. مطابق این اخبار، رژیم جنایتکار در منطقه موزی پیرانشهر سردشت اقدام به تاسیس چندین پادگان ضد خلقی بسرای ارتش امپریالیستی نموده و همچنین چند واحد بزرگ توپخانه در این منطقه مستقر کرده است.

از سوی دیگر بموازاات این اقدامات ضد خلقی، تلاش بیوقفه مزدوران سرکوبگر جمهوری اسلامی برای کوچاندن اجباری روستائیان زحمتکش مناطق مرزی و از جمله روستای آلتواتان پیرانشهر، همچنان ادامه دارد.

پرو - هوانکا پرو

چریکهای راه درخشان (حزب کمونیست پرو) پس از قطع یک مسابقه فوتبال در استان هوانکا پرو دست به سخنرانی و صحبت در رابطه با اول ماه مه، اهمیت آن و ماهیت دولت کارسبا زدند. پس از این حرکت توسط راه درخشان، دولت پرو در آن نواحی اعلام حکومت نظامی ضد چریکی کرد.

هندوراس

در یک تظاهرات ۱۰ هزار نفره در هندوراس بخاطر بزرگداشت اول ماه مه، تظاهرات کنندگان دست به آتش زدن یک ماکت کوچک پایگاه نظامی آمریکا و پرچم آمریکا زدند.

پرو - لیما

طبق گزارش روزنامه لیما، لاکرونیکا (Lacronica) چریکهای حزب کمونیست پرو (راه درخشان) روز یکشنبه ۷ می باهلو لیا ورمنو (Pablo Liormeno) یکی از نمایندگان کنگره پرو را به ضرب گلوله کشتند. او عضو حزب حاکم در پرو، حزب آپریستا (Aprista) بود. رئیس جمهور پرو، گارسبا پس از شنیدن این خبر از بوزیل به لیما شناخت تا در تشییع جنازه لیا ورمنو شرکت کند.

پرو

"شورشیان پرو در میان روستائیان مناطق کشت موزاد مخدر نفوذ کرده اند." در حدود ۱/۲۵ میلیون اکرا (Acre) درحد جریب و برابر تقریباً ۴۰۰۰ مترمربع است) از اراضی ناحیه دره هولکا (Haulaga Valley) زیر کشت کاکائو برای تهیه کوکائین بوده و هر ساله ۱۰ درصد به وسعت اراضی زیر کشت افزوده میشود.

با اینکه غیر از چند پل منفجر شده و تعدادی جملات که با رنگ قرمز بر ساختمانها نوشته شده، آثار دیگری از فعالیت چریکی در این ناحیه دیده نمیشود، در سال گذشته سرتاسر این نواحی درحد یک منطقه آزاد شده تحت کنترل چریکهای راه درخشان بوده است....

هفته گذشته آلن گارسبا پرز رئیس جمهور پرو اعلام کرد که تعداد پلیس و نیروی ارتش را در این منطقه بطور قابل

ملاحظه‌ای افزایش خواهد داد. او گفت هدف اصلی ما اینستکه از استحکام قدرت راه‌درخشان و بکارگیری این دره بعنوان مقر فرماندهی چریکها و توسعه عملیات آنان به مناطق دیگر جلوگیری کنیم. گارسیا میگوید "مسئله مهم آنستکه ما به چریکها نشان دهیم که از آنان دستبرداریم."

شورشیان خود را بنحیضی مدافعیین کشتکاران کاکائو که مورد استنمار تولیدکنندگان مواد مخدر و پلیس فاسد محلی قرار گرفته‌اند، معرفی میکنند. یک زن روستائی میگوید: "در اینجا احزاب متعدد وجود ندارد، تنها حزب راه‌درخشان است که تمام فعالیتها را از طریق هزاران چشم و گوش کنترل میکند." آنها مواظبتند که مزد دهقانان توسط تولیدکنندگان مواد مخدر پرداخت شود و در عین حال به قاچاقچیان اجازه میدهند که فعالیت نمایند. یکی از کارگران منطقه میگوید راه‌درخشان مورد احترام است زیرا که "هرج و مرج را کنترل می‌کند، در کشتن افراد تبعیض قائل نمیشود و با مردم مثل پلیس و ارتش دولتی رفتار نمیکنند."

شورشیان سرمایه مورد احتیاج برای گسترش انقلاب را از طریق اخذ مالیات از تولیدکنندگان کاکائو و قاچاقچیان تأمین میکنند. گزارش‌های رسیده از دره هولاکا حاکیست که شورشیان از همین حالا برآورد میکنند که ۵۰ درصد از محصولات کاکائو باید برای خرید اسلحه اختصاص داده شود. حتی اگر گارسیا شدت عمل بیشتری بخرج داده و آندست از کشاورزانی را که بجای کاکائو، محصولات سنتی دیگری بکارند تقویت نماید، معلوم نیست که بتواند از فعالیت مقامات فاسد اداری - که یکی از دلائل سمپاتی مردم نسبت به شورشیان است - جلوگیری کند.

علیرغم مشکلاتی که تجارت کاکائو دارد، کشاورزان منطقه میدانند که کشت کاکائو از کشت محصولات سنتی مانند قهوه و موز سودآورتر است. دادوستد مواد مخدر یا لیسانس ۸۰۰ میلیون دلار به اقتصاد پرو کمک میکند و بنابه گزارش وزارت داخلی ۱/۱ میلیون نفر از مردم پرو مستقیم و غیرمستقیم در این رشته مشغول بکارند...

چین

چهارشنبه ۳۱ می دولت چین برای مقابله با تظاهرات دانشجویان چین که چندین هفته در تظاهرات بسر میبرند یک تظاهرات ۴ هزار نفره را به نفع دولت و ضد دانشجویان ترتیب داد. تظاهر کنندگان شعارهای زنده‌باد دولت چین و دبیر اول لی‌پنگ را فریاد میزدند، مردمی کسسه در تظاهرات شرکت کرده بودند مسافت ۲۰ مایل (۳۲ کیلومتر) را پیموده و اذعان داشتند که دولت از ما خواسته است که در این تظاهرات شرکت کنیم.

همزمان با این تظاهرات تعداد دو هزار دانشجوی و کارگر در مقابل وزارت امنیت عمومی دست به تظاهرات زدند و در عین حال ۳ تن از رهبران اتحادیه‌ها که قبلاً دستگیر شده بودند آزاد گشتند.

سیرو قایع سرکوب شدیدکا رگران و دانشجویان در چین

۱- ساعت ۷ بعدازظهر شنبه ۳ ژوئن، حدود ۲۰ نفر بر فراز سربازان ارتش مسلح به مسلسل در تپه‌ها در جنوب پکن در محفل جیانگومنویا توسط مردم متوقف شدند. چرخهای نفربرها پنجر گشته و توسط جاقو پاره شدند و سیستم الکتریکی آنها قطع گشتند. بعضی سربازها میروان آمده و کنار جاده نشستند و برخی در نفربرها ماندند.

۲- ۸/۳۰ دقیقه بعدازظهر - چند نفر بر دیگر که به جنوب پکن در حرکت بود توسط مردم متوقف گشته و لاستیکهای آن به ضرب جاقو پاره شد.

۳- ۹/۱۰ دقیقه بعدازظهر - یک گروه از سربازان به دروازه چین من Chienmen میروند و توسط مردم متوقف میشوند. سربازان از نفربرها خارج شده و با مردم شروع به خواندن سرود انترناسیونال میکنند.

۴- ۱۲/۱۴ دقیقه صبح یکشنبه ۴ ژوئن - یک زره پوش ارتشی که با سرعت از میدان تیان آن من Tiananmen به طرف مردم حرکت میگرد یک دوچرخه سوار را زیر گرفته و اولین نفر در این تظاهرات کشته میشود. مردم برای حدود یک کیلومتر این زره پوش را دنبال میکنند و بالاخره در میدان تیان آن من به آن رسیده و به آتش میکشند که در اثر آن راننده زره پوش کشته میشود.

۵- ۱۲/۳۰ دقیقه صبح یکشنبه - دانشجویان در گوشه شمال غربی میدان تیان آن من در خیابان چنگن Changan ایجاد یکسد معبر میکنند تا از ورود تانکهای ارتش به میدان جلوگیری کنند.

۶- ۱۲/۴۰ دقیقه صبح یکشنبه - سربازان به نقطه شمالی میدان میروند و شروع جمع شلیک کردن میکنند و پشتبست دروازه‌ای که در زیر عکس مژگو بود سنگر میگیرند. در عین حال زره‌پوشهای مسلح به مسلسل، سنگین به طرف میدان نشانه میروند.

۷- ۲/۴۰ دقیقه صبح یکشنبه - شلیک به طرف میدان آغاز میشود.

۸- دانشجویان به سمت شرق از شمال میدان عقب‌نشینی میکنند و در خیابان چنگن رو به سربازان موقعیت میگیرند. شروع به خواندن انترناسیونال کرده و به سوی سربازان حرکت میکنند. سربازان بدون اعلام قبلی شروع به شلیک کردن میکنند و هزاران نفر عقب‌نشینی میکنند.

۹- ۳/۱۰ دقیقه صبح یکشنبه - برای بار دوم دانشجویان بطرف سربازان حرکت میکنند، سربازان شلیک کرده و دانشجویان دوباره عقب‌نشینی میکنند.

۱۰- ۴/۰۱ دقیقه صبح یکشنبه - برقها در میدان تیان آن من رفته و حدود ۲ هزار دانشجوی باقی میمانند که بیشتر آنها در زیر "بنیاد شهید" جمع میشوند.

۱۱- ۴/۱۵ دقیقه صبح یکشنبه - سربازان به داخل میدان تیان آن من میروند و شروع به شلیک کردن به طرف دانشجویان میکنند. در عین حال به دانشجویان با شلاق و سرنیزه حمله میکنند.

فلسطین بدون اجازه ارتش اسرائیل زده اند. طی یکی از این انتقام جوشیها یک دختر ۱۳ ساله فلسطینی کشته شد. بطوریکه دولت اسرائیل اعلام کرد که کسی حق ندارد قانون را بدست خود به اجرا بگذارد.

آمریکا - واشنگتن

وزیر کشور جیمز بیکر Baker روز دوشنبه ۲۲ می در مورد طرح پیشنهادی اسرائیل و کلا مسئله فلسطین و اسرائیل صحبت کرد. او گفت: "زمان آن رسیده است که اسرائیل تصور غیر واقعی "اسرائیل کبیر" را کنار گذاشته و بسطی فلسطینیهای آن منطقه که همسایه آنها میباشند دست ملاحظه دراز کند چرا که فلسطینیها حقوق سیاسی دارند." و برای فلسطینیها دوران آن رسیده که در مورد ملح صحبت کنند." او گفت: "اسرائیل باید تصرف نوار غزه و کرانه های غربی را از سر بیرون کند، اجازه دهد مدارس در آنجا دوباره باز شوند، از مهاجرت اسرائیلیها به این مناطق جلوگیری کند و بالاخره نیروهای خود را از آنجا بیرون کشد."

بیکر خطاب به "ساف" گفت: "مسئله از بین بردن اسرائیل را به همه زبانها هم غربی و هم شرقی لغو کند و صحبت در مورد زد و خورد و اسلحه را به صحبت در مورد سیاست و دیپلماسی در قیام اخیر تبدیل کند." برای اطمینان خاطر دولت اسرائیل وزیر دفاع آمریکا ریچارد چینی به اصحاق رابین قول داد که ۱/۸ میلیارد دلار کمک نظامی به اسرائیل را علیرغم کاهش بودجه آمریکا به هیچ وجه تغییر نخواهد داد.

پس از انتقاد به بوش از طرف چند مقام دولت آمریکا برای روش کار آهسته در پاسخ به دولت شوروی، بوش برای دفاع از مواضع خود در این مورد سخنرانی کرد. او گفت: "روش سیستم و تفکر جدید در شوروی همواره با سیاستهای خصومت آمیز دیگری در شوروی در جدال است و هنوز پرترویکا شیوه غالب تفکر در کرملین نشده است."

"من به یک شیوه قدم به قدم و مشخص با هدف برای ارتباط شرق و غرب معتقدم چرا که علائم فعلی گویای اینند که اگر تغییرات در دولت شوروی بسیار بزرگ بوده اند ولسی کامل نیستند."

او گفت: "من از قدمهایی که آقای گورباچف اخیرا برداشته است بسیار قدردانی میکنم، اگر شوروی طرحهای سازنده ای برای ملح دارد نیز از آن قدردانی میکنیم، ما تغییرات اساسی را در شوروی ملاحظه میکنیم که دراز مدت میباشند."

شوروی

میکائیل گورباچف قول داد که تا اواخر ماه جاری صدور اسلحه به نیکاراگوئه را متوقف نماید. کاخ سفید واشنگتن میگوید که هنوز هم اسلحه شوروی به نیکاراگوئه

۱۲- ۴/۲۰ دقیقه صبح یکشنبه - برق در میدان وصل میشود.
۱۲- ۱۰/۲۲ دقیقه صبح یکشنبه - سربازان دوباره بسمت دانشجویان در خیابان چنگن شلیک میکنند، در اثر یک کلوله باران یک دقیقه ای ۲۰ نفر کشته میشوند.

چین - پکن

در پکن تظاهرات کنندگان علیه سیاستهای دولت چین طی روزهای ۲ و ۵ ژوئن به تظاهرات خود علیرغم استفاده دولت چین از ارتش خود و آتش گشودن به سمت تظاهرات کنندگان که شامل کارگران و دانشجویان میبود، ادامه دادند.

روز دوشنبه ۵ می ارتش به داخل صفوف تظاهرات کنندگان حمله برده و شروع به شلیک کردن نمود. حدود ۱۰۰ هکتار (هکتار آمریکا حدود ۴۰۰۰ مترمربع - م) توسط نیروهای ارتشی اشغال شده بود که بی در پی شلیک میکردند.

شعارهای مرگ بر لی پنگ توسط تظاهرات کنندگان داده میشد. لی پنگ روز ۱۹ می اعلام حکومت نظامی در چین را کرد.

یک پیرمرد چینی که زهر عکس ماثو نشسته بود گفت: فکر میکنم ۱۰ هزار نفر کشته شده اند. حتی دوران کمینشان نیز چنین جنایاتی نمیشد.

طبق گزارشات رسمی تاکنون ۷ هزار نفر کشته شده اند. در خارج از پکن ۲۰۰ هزار سرباز در انتظار تظاهرات کنندگان نشسته بودند.

طبق گزارشات آسوشیتدپرس، فرمان حملات نظامی شنبه و یکشنبه ۲ و ۴ ژوئن توسط دن شائوپینگ که در بیمارستان در اثر سرطان بستری بود، صادر گشت.

طی محاصره های مختلف با دانشجویان و دیگر مردم چنین گفته میشد: "آنها با ما صحبت هم نمیکند، هیچ چیز را اعلام نمیکند، فقط شلیک میکنند. آنها حتی نمره دوچرخه ها را بر میدارند تا بفهمند که چه کسانی در تظاهرات ها شرکت داشتند، آنها از آمدن آمبولانس برای نجات زخمی شدگان جلوگیری میکنند. آنها اجساد را در گورستان "بابا اوشان" برده و میسوزانند تا کسی تعداد کشته شدگان را حدس نزند."

اسرائیل - اورشلیم

سربازان اسرائیلی و متحدینشان یک چریک را در حالی که سعی داشت از لبنان به اسرائیل بگذرد و وارد اسرائیل شود کشتند. این چریک که لباس نظامی به تن داشت توسط سربازان اسرائیلی و سربازان لبنان جنوبی که به اسرائیل کمک میکنند دیده شد و به سمت او شلیک شد.

سه چریک فلسطینی و یک رهبر گروه گشت ارتش اسرائیل در یک درگیری در حالیکه فلسطینیها سعی داشتند از منطقه سیم کشی شده بین لبنان و اسرائیل داخل خاک اسرائیل شوند، کشته شدند.

اخیرا مردم اسرائیل دست به انتقام گرفتن از مردم

کردن دمکراسی است. " در طی این مذاکرات یک گروه چریکی بنام "ارتش‌رها غیبت‌خشی خلقی" اعلام کرد که عملیات نظامی خود را قطع خواهد کرد تا با دولت صحبت کند.



۳۰ هزار نفر از کارگران اتحادیه‌ها برای بزرگداشت روز اول ماه مه و اعتراض به کشتار ۲۵۰ کارگر توسط دولت کلمبیا و اوضاع حکومت نظامی در کلمبیا به یک تظاهرات (راهپیمائی) دست زدند.

السالوادور

نمایندگی جبهه فارابوندومارتی (FMLN) روز شنبه ۳ ژوئن اعلام کرد که منظور رئیس‌جمهور جدید السالوادور، کریستیانی برای طرح مذاکره با جبهه فارابوندومارتی، تسلیم شدن و مبارزه نکردن ماست. نمایندگی این جبهه گفت: "این طرح کریستیانی صحبت کردن فرمالیته می‌باشد، هیچ محتوایی ندارد و یک طرح برای تسلیم شدن است." آنها گفتند ما خواستار مذاکره جدی هستیم ولی دولت جدید در هرحال بیشتر سرکوب خواهد کرد و ما بیشتر مبارزه میکنیم.

آرژانتین - بویونس آیرس

زحمتکشان آرژانتین روز سه‌شنبه ۲۰ می در یک شورش دسته‌جمعی به مغازه‌ها و انبارهای غذا در سراسر کشور حمله بردند. این شورش که به گفته دولت آرژانتین توسط نیروهای اولتراچپ سازماندهی شده بود به‌مراه بمب‌گذارها و تیراندازی به سمت نیروهای پلیس آرژانتین توأم بود. در حالیکه یک بمب به یکی از دفاتر یکی از احزاب در آرژانتین صدمه زد چند بمب‌دیگر خنثی گشت.

در شهر روزاریو Rosario دومین شهر بزرگ آرژانتین به دستور دولت پلیس این شهر بمب‌شورشیان تیراندازی میکرد که در اثر آن ۱۰۰ نفر زخمی و هزار نفر دستگیر شدند.

بگفته معاون رئیس‌جمهوری ویکتور مارتینز Martines این شورش توسط گروه‌های اولترا چپ بخصوص گروه تروتسکیستی "جنبش برای سوسیالیسم" (MAS) سازماندهی شده بود.

در یک محل فقیرنشین در حلبی‌آبادهای این کشور یک مادر ۲۶ ساله با ۶ کودک گفت من برای اینکار آماده بودم وقتی که یک گروه پر جمعیت در محله‌های ما شروع به جمع‌آوری داوطلب برای انجام اینکار بود و با آنها به شهر رفتم.

او گفت: "البته که رفتم، ما فقط نان و شیر و رشته میخوریم. ما به مواد غذایی محتاجیم، اما ملحه برنداشتیم. همسایه این زن در اینمورد گفت: "آنها میگویند که چها مشغول غارت مغازه‌ها هستند، من به غارت مغازه‌ها میروم و چند هزار نفر دیگر نیز با من می‌آیند و بچه‌های آنها با آنها می‌آیند و این حرکت از بین نخواهد رفت." او گفت شوهر من ماهی ۱۷ دلار درآمد دارد و سیر کردن ۸ بچه با این پول با وضع موجود غیرممکن است."

ارسال میشود. معلوم نیست که صدور این سلاحها بخشی از موافقت‌نامه‌های قبلی است یا نه؟



موافقت‌نامه همکاریهای بیشتر اقتصادی و امور فرهنگی بین رهبران شوروی و چین به امضاء رسید. همچنین مذاکراتی درباره امور نظامی بعمل آمد که از طرف آنان بمنابست نرمال کردن روابط نامیده شده است.

هائیتی

در یک مصاحبه رئیس‌جمهور نظامی هائیتی ژنرال پراشر آوریل روز یکشنبه ۴ ژوئن گفت: هائیتی به یک انفجار اجتماعی نزدیک میشود که ممکن است نیمکره غربی را بلرزاند، مگر اینکه به ما کمکهای نظامی از طرف کشورهای مختلف (بین‌المللی) شود. او در حالیکه میگفت من به ستوه آمدم، اعلام کرد که ما فکر میکردیم که پس از سرکوب کودتای آوریل ۸۹ از طرف کشورهای مختلف بیشتر به ما کمک شود اما هیچ کمک قابل ملاحظه‌ای دریافت نکرده‌ایم. "اگر به ما کمک نشود من هیچ چیز را تضمین نمیکنم." مقامات رسمی آمریکا آوریل را که در یک کودتای نظامی در سپتامبر ۱۹۸۸ به قدرت رسید بعنوان "آخرین و بهترین امید" برای برقرار کردن دمکراسی معرفی کردند.

روز ۲۳ می دبیر اول کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا دانته فسل Fascell به جیمز بیکر وزیر کشور آمریکا نوشت: "چنانچه سریعاً به دولت آوریل و هائیتی کمک نکنیم که اوضاع هائیتی را تثبیت کند که در چند هفته اخیر بسیار وخیم گشته است، ممکن است این امر ضروری گردد که آمریکا برای نجات جان آمریکا شیها در هائیتی به یک اشغال نظامی دست زند."

کره جنوبی - سئول

روز یکشنبه ۳۰ آوریل تظاهراتی با همکاری دانشجویان و کارگران کره جنوبی بخاطر بزرگداشت اول ماه مه برگزار شد. در این تظاهرات که پلیس و ارتش کره جنوبی سعی در جلوگیری از آن را داشتند و نتیجتاً برخوردهای جدی نیز در گرفته ۲۹۰۰ نفر دستگیر شدند.

آونیا - ویرجینیا

هزاران کارگر معدن در ویرجینیا از کمپانی پیتزتون Pittston دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب بدنبال اعتراض معدنچیان به سیاستهای این کمپانی و دستگیری ۱۰۰۰ معدنچی در هفته گذشته بود.

کلمبیا - بوگوتا

نماینده دولت کلمبیا و گروههای سیاسی و گروه M-۱۹ (جنبش M-۱۹) روز پنجشنبه ۱۱ می شروع به مذاکرات کردند. در این مذاکرات در مورد رفرمهای اقتصادی و اجتماعی صحبت شد. وزیر امور داخلی کلمبیا اوريوالا Oreiuela گفت: "این بهترین مثال برای ثابت

ایتالیا

۶ میلیون نفر در ایتالیا روز چهارشنبه ۵امی برای ۲ ساعت همزمان دست از کار کشیدند. این اعتصاب موسمی بخاطر کمبود امکانات بیمارستانها صورت گرفت.

اوروگوئه - مونتئویدئو

بیش از ۶۰ هزار نفر برای مراسم دفن راشول سندیک Raul-Sendic به گورستان مانتیویدئو که در محل کارگروشنین این شهر واقع است شرکت جستند. سندیک در اثر یک مسمومیت اعماب در پاریس در گذشت. شرکت کنندگان در حالیکه پرچم سرخ جناحها و احزاب چپ اوروگوئه را در دست داشتند بسته سمت گورستان راهپیمایی کردند.

سندیک بنیانگذار جنبش آزادبیش ملی توپا مارو Tupamaro در اوروگوئه بود. او در اواخر زندگی سعی بر قانونی کردن جنبش توپا مارو در انتخابات اوروگوئه داشت و برای تأمین شمولیتهای دهقانان کمک مالی جمع آوری می کرد.

لبنان

در لبنان که هدف از این اعتصاب کمبود سرکوب هرچه بیشتر مبارزات خلقی لبنان و فلسطین میباشد، ۸ هزار تن دیگر از مزدوران بیادبها به تازمان زمین منظمه شدند. در ضمن رژیم در اواخر دادنامه ۱۲۰ تن را در زندانهای خود فرزند هواپیما به لبنان فرستاد. کارگروشنین ۷۰۰ تن از مجروحان جنگهای داخلی لبنان نیز در جنگهای ایران مسداوا کردند.

مصر

برای دومین بار در طی این سالها مأموران عقوبت الملل، دولت مصر را برای شکنجه کردن زندانیان که توسط پلیس دستگیر می شوند محکوم کردند. زندانیان در زندانهای سازمان ملل بین الملل هزاران زندانی سیاسی در زندانهای مصر بسر می آورند و پرونده شکنجه می شوند.

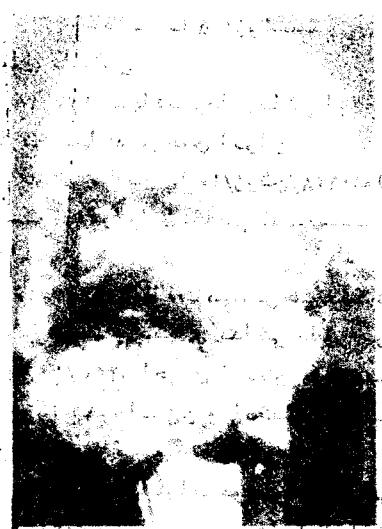
دولت مصر سالانه ۲/۲ میلیارد دلار کمک مالی اقتصادی از آمریکا دریافت می کند. وزیر داخلی آمریکا گفت هیچگونه شکنجه ای در مصر وجود ندارد و گزارش سازمان عقوبت الملل واقعتاً نادر است. سید در گزارشی خویش ضمن مطابقت با یکسری زندانیان شکنجه خوار ایران گوین توسط مسیست، شوک الکتریکی به زندانیان، تجاوز به وابستگان و خود زندانیان اعلام کردند.

ریزش معدن طلا قویا نی شدن کارگران

در جریان ریزش یک معدن طلا که در تاریخ ۹ خردادماه در فیلیپین بوقوع پیوست حداقل ۱۲ تن از کارگران جان خویش را از دست دادند. قابل ذکر است که برآورد آمار سازمان جهانی کار، سالانه قریب به ۱۵ میلیون کارگر در براسر دنیا در جریان امر تولید، دچار سانحه میگردند که در اثر آن یا جان خود را از دست داده و یا مجروح و معلول میگردند اکثریت قریب به اتفاق این قربانیان نظام سرمایه داری است. کارگران کشورهای تحت سلطه تشکیل میدهند



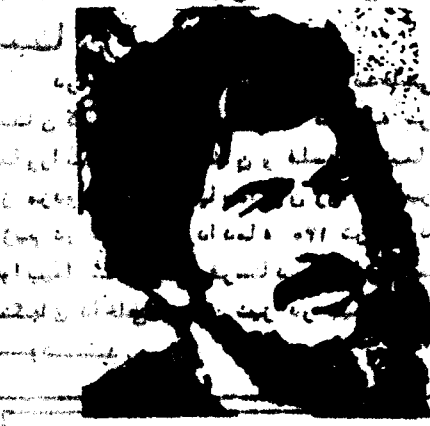
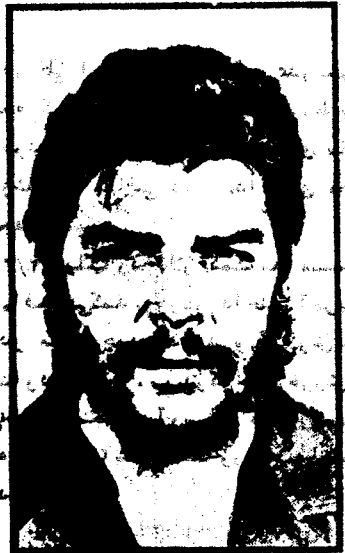
مدو هفته دو یکمین سالگرد تولد کارل مارکس و صد و نوزدهمین سالگرد تولد ولادیمیر ایلیچ لنین، آموزگاران کبیر پرولتاریای جهان گرامی باد!
پیشوایان کبیری که با بنیان نهادن، و بسط و گسترش علم رهایی طبقه کارگر یعنی مارکسیسم - لنینیسم، ناقص ترین مرگ نظام سرمایه داری را در سراسر جهان به صدا در آوردند.



پیش بسوی تشکیل ارتش خلق

لیالتی


کوشش است که سیری که با ایمانی ستورگرم به پیروزی بگردد و گویا که در این طیف کارگر ندا سرخ داد: ...
 هرگز با پیروزی جز این راه دیگری نیست. در این مرحله مرگ قابل بهمن است در صورتیکم پیروزی ...
 اغشانه ای است که تنها یک انقلابی میتواند برپا دهد ...
 بیاندیشید ...



بشت مرا ببندید به تیر...
 این بذرها به خاک نمی ماند
 خون است و ما ندگار...
 گواهی باد خاطره شاعر انقلابی خلق
 رفیق سعید سلطانپور

۳/۲۵ / مطابق با ۱۵/ژوئن ۱۹۴۸ اشغال فلسطین	۸۸/۳/۹ سرکوب خلق عرب در چهارشنبه سیاه به سردمداری مدنی مزدور ... ۱۴۱۰/۳/۱۰ تهنیت قانون مدکمونیشی معروفه به قانون سیاه توسط رضا خندان بهلوی	روز شمار از صفحه ۳۹ ۱۳۳۷/۲/۲۱ تیرباران خسرو روزبه ۲/۲۱ / شهادت دکتر خاتمی (روز معلم) ۲/۲۹ / تولد هوشی مین ۱۸۹۰
۳/۲۶ / مطابق با ۱۶/ژوئن ۱۹۴۸ تولد ارستو چه گوارا انقلابی کبیر در آرژانتین	۶۲/۳/۱۳ اعدام وحشیانه ۵۹ تن از مردم مهاباد ۱۲۹۹/۳/۱۴ اعلام جمهوری گیلان	۵۰/۳/۳ شهادت امیر پرویز پویان از بنیانگذاران جریکهای فدائی خلق ایران و رفقا: اسکندر مادی نژاد و رحمت الله بیرونذیری
۳/۲۶ / شهادت مهندس حسن نیک داری اولین شهید جریکهای فدائی خلق ایران	۱۳۴۲/۲/۱۵ قیام خونین مردم تهران	۵۱/۳/۴ شهادت مجاهدین خلق محمد حنیف نژاد، سعید محسن، علی اصغر بدیع زادگان، محمود عسکری زاده، عبدالرسول مشکین قام از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران
۳/۲۹ / اجرای قانون خلق پیوند از شرکت نفت ایران و انگلیس توسط حکومت دکتر مصدق	۵۹/۲/۱۵ حمله به خوابگاه هیسای دانشجویی در ادامه توطئه با مصطلاح انقلاب فرهنگی	۲/۲۸ / مطابق با ۲۸/مه ۱۹۷۱ / کشتی کفون پاریس و تیرباران کموناردها
۳/۳۰ / ۶۰ تظاهرات خونین مردم تهران	۳/۱۵ / قیام مسلحانه گیلان به رهبری میرزا کوچک خان	۳/۲ / مطابق با ۲۸/مه ۱۹۷۱ / کشتی کفون پاریس و تیرباران کموناردها
۳/۳۱ / ۶۰ شهادت محسن فاضل از اعضای سازمان پیکار	۳/۱۹ / مطابق با ۹/ژوئن ۱۹۶۵ آغاز مبارزه مسلحانه جبهه خلق برای آزادی عمان (ظفار)	
۳/۳۱ / ۶۰ شهادت شاعر معاصر فدائیی خلق سعید سلطانپور	۱۳۳۷/۳/۲۲ اعتصاب کارگران کوره پزخانه	

- ۶۰/۳/۲۶ جواد باقری
- ۶۲/۳/۱۷ مختار نیک نژاد
- ۶۲/۳/۲۰ حمید میرشکاری
- ۶۲/۳/۲۳ رضا زارع
- ۶۰/۳/۳۱ مهنوش آذریون
- ۶۰/۳/۳۱ منوچهر ویسی



"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه منافع خلق
تهرمانانه فدا کرده‌اند، بگذار درفش آنها را
برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است،
به پیش رویم!"
(ما ثوتسه دون)



روز شمار اردیبهشت و خرداد ماه

شهادت اردیبهشت و خرداد ماه

چریکهای فدائی خلق ایران

۵۹/۲/۱ حمله به دانشگاه‌های سراسر کشور و کشتار دانشجویان مبارز.
۲/۲ تولد لنین ۱۸۷۰

- ۵۵/۲/۲۸ زهره مدیرشانه‌چی
- ۵۵/۲/۲۸ حسین فاطمی
- ۵۶/۲/۱ عبدالله پنجه‌شاهی
- ۵۶/۲/۴ نسرین پنجه‌شاهی
- ۶۱/۲/۱۲ موسی (ایرج) مکاری
- ۶۱/۲/۱۲ مهشید معتقدکیوان
- ۶۵/۲/۳۰ مرتضی مداح (کاک شهاب)

- رفقا:
- خلیل سلیمان نژاد
- کاظم سعادت
- شیرین فضیلت کلام (معافد)
- موضیه احمدی اسکوشی
- علی اکبر (فریدون) جعفری
- هادی فرجاد
- حبیب‌الله مومنی
- محمود نمازی
- منصور فرشیدی
- فرهاد صدیقی پاشاکی
- مهنوش حاتمی
- محمدرضا قنبرپور
- فرزاد دادگر
- عزت غروی (رفیق مادر)
- قربانعلی زرکاری
- ناصر شایگان شام‌اسبی
- ارژنگ شایگان شام‌اسبی
- جهانگیر باقرپور
- هوشنگ اعظمی لرستانی
- لادن آقا
- احمدرضا قنبرپور
- محمود خرم‌آبادی
- مصطفی حسن پوراصیل
- فریده غروی
- تورج اشتری
- بهروز ارمغانی
- اسما عییل عابدی

- ۱۲۹۴/۲/۵ قتل عام ارامنه در ترکیه ۱۹۱۵
- ۱۳۳۰/۲/۷ اعتصاب کارگران نفت جنوب
- ۱۳۵۰/۲/۸ سرکوب اعتصاب کارگران جهان چیت و شهادت کارگران قهرمان
- ۶۱/۲/۱۲ وجیه‌الله چشم‌افروز، علی کارگر و حسین نیکوکار
- ۱۳۳۰/۲/۹ تشکیل دولت ملی دکتر مصدق و تصویب قانون خلعید
- ۲/۱۰ پیروزی انقلاب ویتنام (فتح سایگون) ۱۹۷۵

- ۴۹/۳/۲۹ قیام کارگران قهرمان شیکاگو ۱۸۸۶
- ۵۰/۳/۳ اعلام ایمن روز از سوی انترناسیونال بمتابزه روز جهانی کارگر ۱۸۸۹
- ۵۱/۳/۳۱ آغاز کار رادیو صدای چریکها
- ۵۳/۳/۱۱ تظاهرات وسیع کارگری در تهران
- ۵۴/۳/۲۸ شهادت اسما عییل شریفزاده و یارانش
- ۵۵/۳/۵
- ۵۵/۳/۸ آغاز جنبش ماه مه در فرانسه ۱۸۶۱
- ۵۵/۳/۳۱ تولد کارل مارکس ۱۸۱۸
- ۵۵/۳/۳۱ شهادت بابی سندز
- ۵۷/۳/۶ نبرد دین بین فو ۱۹۵۳
- ۵۷/۳/۶ پایان جنگ جهانی دوم ۱۹۴۵
- ۶۰/۳/۷ در صفحه ۲۸

- رفقا:
- حسن نیک داودی
- امیر پرویز پویان
- اسکندر صادقی نژاد
- رحمت‌الله پیروندیری
- بهروز دهقانی
- حسن معصومی همدانی
- حبیب‌برادران خسروشاهی
- علیرضا شهاب‌رضوی
- حسین سلاجی
- خسرو تره‌گل
- مریم شاهی
- مینا طالب‌زاده شوشتریان
- علیرضا رحیمی‌علی‌آبادی
- حسین موسی دوست‌دموجالی
- رفعت معماران بناب
- سلیمان پیوسته‌حاجی‌محله
- اسما عییل هادیان

- فرهاد صدیقی پاشاکی
- مهنوش حاتمی
- محمدرضا قنبرپور
- فرزاد دادگر
- عزت غروی (رفیق مادر)
- قربانعلی زرکاری
- ناصر شایگان شام‌اسبی
- ارژنگ شایگان شام‌اسبی
- جهانگیر باقرپور
- هوشنگ اعظمی لرستانی
- لادن آقا
- احمدرضا قنبرپور
- محمود خرم‌آبادی
- مصطفی حسن پوراصیل
- فریده غروی
- تورج اشتری
- بهروز ارمغانی
- اسما عییل عابدی

هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

باز هم شکنجه و اعدام انقلابیون دربند

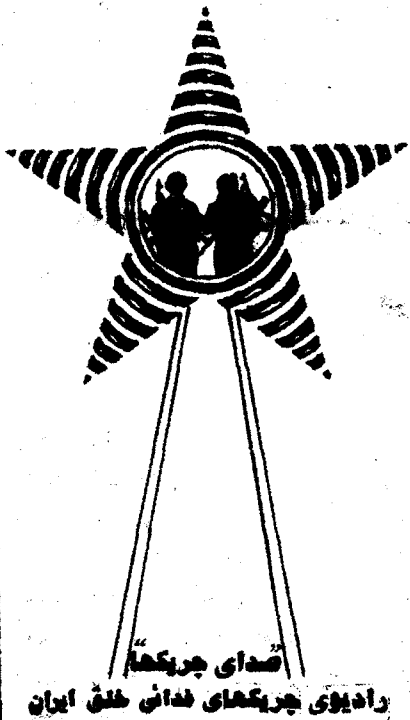
موج خونبار و وحشیانه قتل عام زندانیان سیاسی تهران میهنمان توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در ماههای اخیر همچنان ادامه داشته است.

توطئه و جنایت بیسابقه جمهوری اسلامی مبنی بر اعدام تنبلی گذراندن بسیاری از فرزندان مبارز و مقاوم خلق، که از مردادماه گذشته و بلافاصله پس از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ از سوی این رژیم آغاز شده، نه تنها پس از گذشت یکسال فروکش نکرده بلکه در ماههای اخیر ابعادش فزاینده تری نیز به خود گرفته است. طی ماههای اخیر در حالی که سینه های ستبر بهترین فرزندان کمونیست و مبارز خلق گروه گروه با رگبار سلاحهای آمریکائی مزدوران آدمکش جمهوری اسلامی مشبک شده است، و دلیر مردان و شهروزنان آزادیخواه بسیاری با ایمانی راسخ به خاک غلطیده اند، لیکن بر این سببیت و درنده خوئی سران جنایتکار جمهوری اسلامی پایدانی منصور نیست.

در تداوم جنایات سبوعانه سگان زنجیری امپریالیسم در حق زندانیان مبارز و مقاوم، گزارشات منتشره ظرف یکی دو ماه اخیر حاکی از آن است که بار دیگر چندین گروه از زندانیان سیاسی زندان دیزل آباد کرمانشاه در فواصل زمانی متفاوت بصورت دسته جمعی در برابر جوخه های مرگ جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. در عین حال که کشتار دسته جمعی ۵۰ تن دیگر از زندانیان سیاسی کمونیست و مبارز زندان گوهردشت کرج در این مدت بزرگ سیاه دیگری بر جنایات در صفحه ۱۵

۱۱ اردیبهشت ماه ۶۸، چهارمین سالروز آغاز کار صدای چریکها، بانگ رسای انقلاب رها شیبخش خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش، گرامی باد!

کارگران و خلقهای تحت ستم!
صدای چریکها: خروش انقلابی
کارگران و دهقانان و توده های
ستمدیده ایست که برای سرنگونی
رژیم وابسته به امپریالیسم
جمهوری اسلامی مبارزه میکنند!
صدای چریکها: برای حق تعیین
سرنوشت خلقهای تحت ستم و تا مین
کلیه حقوق دمکراتیک توده ها
مبارزه میکند!
صدای چریکها: صدای جنبش
مسلحانه خلقهای ایران و انقلابیون
مسلحیست که برای برقراری جمهوری
دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر
و نیل به سوسیالیسم جان بر کف
پیکار میکنند!
به صدای چریکها گوش فرادهید
و طول موج و ساعات پخش آن را به
دوستان و آشنایان خود اطلاع
دهید.



ساعات پخش:

۹ شب و

۵ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد

ردیف ۷۵ متر

در کشور آلبانیا سازمانی بکشید

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
با نشانی های زیر مکاتبه کنید:

فرانسه

انگلستان

F. S
B. P. 181
75623 PARIS
CEDEX 13
FRANCE

BM BOX 5051
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

گرامی باد خاطره
چریک فدائی خلق رفیق شهید
حسن نیک داودی اولین شهید
چریکهای فدائی خلق ایران که در
۲۹ خرداد سال ۴۹ بشهادت رسید.

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!